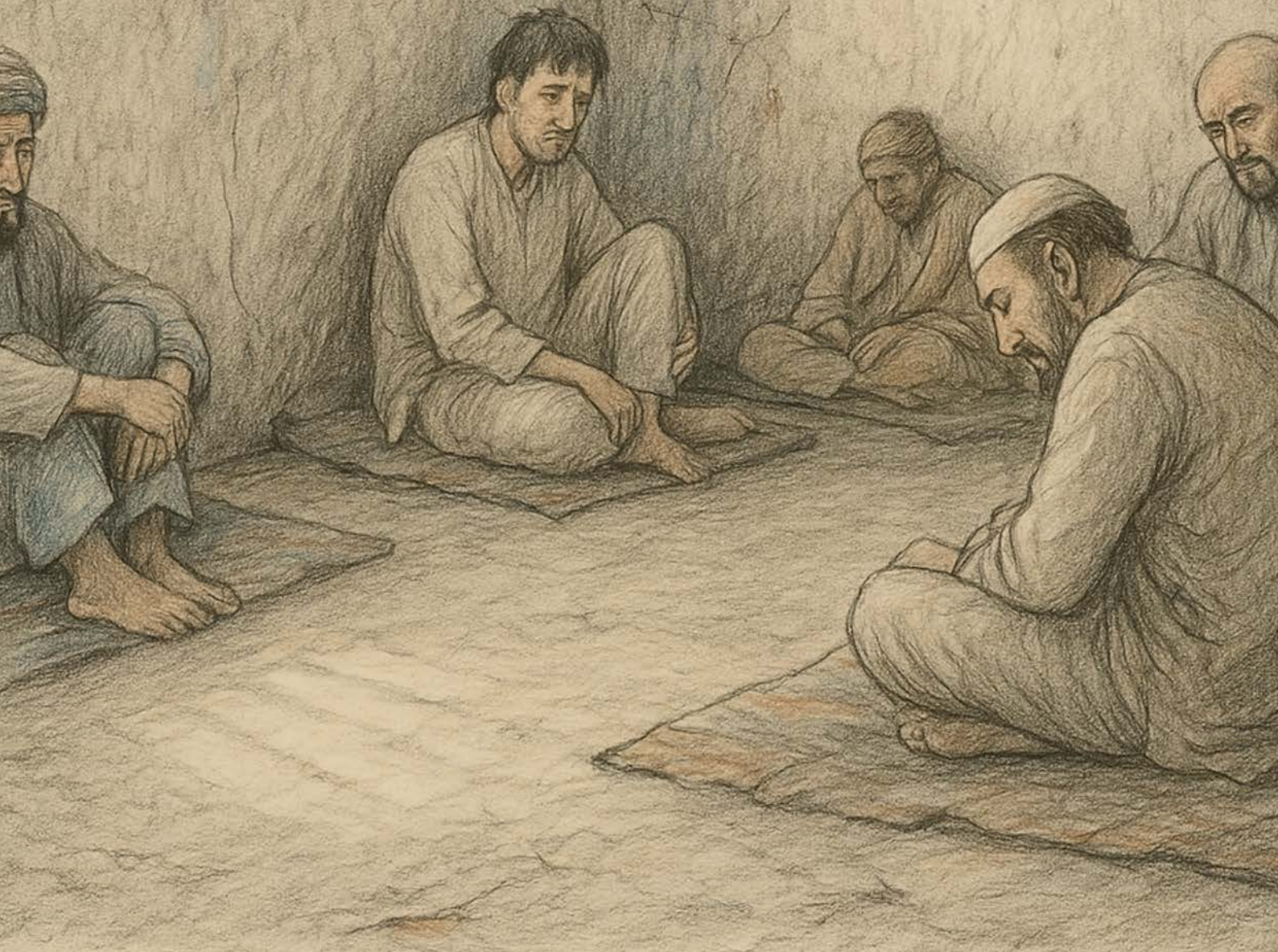


شکنجه و بدرفتاری: وضعیت زندان‌ها در افغانستان تحت تسلط طالبان

جون ۲۰۲۵



رواداری یک نهاد مستقل و غیر جانب دار است که با هدف نظارت بر وضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حساب‌دهی و عدالت قربانی‌محور تأسیس شده است. بنابراین، این نهاد با رعایت کامل اصل بی‌طرفی و احترام به تمامی اصول و معیارهای پذیرفته شده‌ی جهانی حقوق بشر، کار و فعالیت می‌کند که گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع‌بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن‌گونه که واقع شده است، منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	روش تحقیق
۵	محدودیت‌های تحقیق
۵	چهارچوب حقوقی
۵	تعریف شکنجه
۶	عناصر و شرایط تحقق شکنجه
۶	۱- عنصر مادی
۶	۲- عنصر روانی
۶	۳- عامل شکنجه
۶	۴- هدف شکنجه
۶	۵- شدید بودن درد و رنج
۶	تضمین حق‌رهایی از شکنجه
۶	الف- اسناد بین‌المللی حقوق بشر
۷	ب- قوانین داخلی
۷	تعهدات دولت‌ها
۸	الف- جرم‌انگاری شکنجه
۸	ب- اقدامات اجرایی
۸	بررسی و تحلیل یافته‌های تحقیق
۸	بازداشت خودسرانه و غیرقانونی
۱۰	ناپدیدسازی اجباری
۱۳	انگیزه‌های بازداشت خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری
۱۳	سرکوب فعالیت‌های مدنی
۱۴	انتقام‌جویی‌های سیاسی
۱۶	استفاده از زور و رفتار خشونت‌آمیز در مراحل اولیه بازداشت
۱۸	ضبط دارایی‌های شخصی
۱۹	شرایط بازداشت و زندان
۱۹	۱- نوع محل نگهداری بازداشت‌شدگان
۲۰	۲- فقدان امکانات ابتدایی و بهداشت شخصی
۲۰	۳- عدم دسترسی به غذای مناسب و آب آشامیدنی پاک
۲۱	۴- عدم دسترسی به خدمات صحتی
۲۲	۵- عدم دسترسی زنان به مراقبت‌های ویژه بهداشتی
۲۴	انواع شکنجه و بدرفتاری
۲۵	الف- شکنجه فیزیکی
۲۵	۱- لت و کوب

۲۸	غرق مصنوعی
۳۰	کشیدن دندان و ناخن
۳۱	انداختن خریطه پلاستیکی بر سر قربانیان
۳۲	شوک برقی
۳۴	آویزان کردن از سقف
۳۵	چپه ولچک کردن
۳۶	شکنجه برای تفریح و سرگرمی
۳۶	ب- شکنجه و بدرفتاری روانی
۳۷	۱- تحقیر و توهین
۳۹	۲- تهدید به قتل، سربردن، اعدام، سنگسار و زنده به
۴۰	گور کردن قربانیان
۴۱	۳- تهدید به قتل و سربردن اعضای خانواده
۴۲	۴- تهدید به بازداشت و آزار و اذیت اعضای خانواده
۴۴	۵- تحقیر و توهین قومی و مذهبی
۴۴	۶- ممانعت از اجرای مناسک مذهبی
۴۷	۷- نگهداری در سلول انفرادی
۴۸	۸- بازجویی‌های مکرر و اعتراف اجباری
۴۸	۹- نگهداری در زندان‌های مخفی و شرایط غیرانسانی
۴۹	ج- آزار و اذیت جنسی
۵۰	۱- برهنه کردن
۵۰	۲- لمس بدن
۵۱	۳- آزار و اذیت جنسی کلامی
۵۳	مشاهده شکنجه دیگران
۵۴	قتل زندانیان
۵۵	پیامدهای شکنجه و بدرفتاری
۵۵	۱- پیامدهای فیزیکی
۵۶	۲- پیامدهای روانی
۵۶	عاملان شکنجه و بدرفتاری
۵۷	آزار و اذیت پس از رهایی
۵۸	موانع عدالت و پاسخگویی
۵۸	۱- عدم دسترسی به وکیل مدافع
۵۹	۲- عدم دسترسی به دادگاه
۶۲	۳- عدم رسیدگی به شکایات و معافیت عاملان شکنجه از مجازات
۶۵	نتیجه‌گیری
۶۶	پیشنهادهای

مقدمه

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، گزارش‌های متعددی از نقض گسترده حقوق بشر، به‌خصوص در محلات سلب آزادی تحت کنترل مقامات حاکم^۱ منتشر شده است. در نبود نهادهای نظارتی مستقل و فقدان سازوکارهای قانونی بازدارنده، طالبان طی این مدت به‌صورت خود سرانه و غیر قانونی، افراد را بازداشت نموده و آنان را در معرض شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند. با این وجود، گزارش حاضر بر اساس مصاحبه‌های مستقیم با قربانیان بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری و شکنجه، در راستای مستندسازی دقیق تجربه‌ها و روایت‌های آنان، درک عمیق از الگوهای شکنجه در مراکز سلب آزادی، افزایش آگاهی عمومی و همین‌طور، دادخواهی برای پاسخ‌گو قرار دادن عاملان شکنجه و بدرفتاری، تهیه شده است.

البته شکنجه و بدرفتاری در افغانستان، پدیده‌ای جدید نیست و سابقه طولانی در این کشور و در نظام‌های مختلف آن دارد؛ اما روایت‌های جمع‌آوری‌شده در این گزارش، تصویر تکان‌دهنده از نحوه رفتار با بازداشت‌شدگان و شرایط غیر انسانی حاکم بر مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان ارائه می‌دهد.

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، طالبان بدون هرگونه پاسخ‌گویی و بی‌توجه به اصول و موازین بین‌المللی که بر ممنوعیت مطلق و بی‌قید و شرط شکنجه تأکید دارند، افراد را به‌صورت خودسرانه بازداشت نموده و سپس از شیوه‌های گوناگون شکنجه برای کسب اعتراف، اقرار، ارعاب، تنبیه و یا تحقیر آنان استفاده کرده‌اند.

اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان هم‌چنین نشان می‌دهد که شکنجه به عنوان ابزاری برای سرکوب اعتراضات مدنی و دادخواهانه و نیز وسیله‌ای برای انتقام‌جویی از کارمندان حکومت پیشین و به‌ویژه مخالفان و منتقدان طالبان، به کار گرفته شده است.

اطلاعات مستند شده در این گزارش حاکی از آن است که طالبان، بدون رعایت الزامات قانونی و اصول بنیادین حقوق بشر، از مراحل ابتداییه بازداشت افراد تا زمان رهایی آن‌ها، مرتکب اشکال مختلفی از شکنجه و بدرفتاری شده‌اند. این رفتارها شامل انواع شکنجه جسمی، روانی، آزار و اذیت جنسی، نگهداری طولانی‌مدت در سلول‌های انفرادی و زندان‌های شخصی، محرومیت عمدی از خدمات بهداشتی و درمانی، ممانعت از دسترسی به وکیل مدافع، محرومیت از غذای کافی و ایجاد دیگر شرایط تحقیرآمیز و غیر انسانی بوده است.

در مواردی، مقامات حاکم و عمدتاً ماموران اداره استخبارات آن‌ها، قربانیان را برای تفریح و سرگرمی نیز شکنجه کرده و همین‌طور شماری از آنان را حتا پس از رهایی، مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند.

انتظار می‌رود که یافته‌ها و اطلاعات ارایه شده در این گزارش که روایت دست اول قربانیان می‌باشد، مورد توجه جدی نهادها و مجامع بین‌المللی ذیربط قرار گیرد و زمینه‌ساز اقدامات فوری برای تحقیق بیش‌تر و رسیدگی به وضعیت مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان، جلوگیری از تداوم شکنجه و بدرفتاری و تأمین حمایت مؤثر از قربانیان شود.

1 در این گزارش، از اصطلاحات «طالبان» و «مقامات حاکم» برای نام بردن یا توصیف این گروه استفاده شده است.

روش تحقیق

گزارش حاضر با روش تحقیق کیفی تهیه شده و هدف آن مستندسازی نحوه رفتار طالبان با زندانیان و به خصوص ثبت موارد شکنجه و بدرفتاری می‌باشد.

در این تحقیق با ۳۴ تن از افرادی که پس از بازگشت طالبان به قدرت، بازداشت و زندانی شده‌اند، به شمول ۷ زن، مصاحبه‌های مستقیم صورت گرفته است. مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند؛ رواداری طی سال‌های گذشته با شماری از آن‌ها در ارتباط مستقیم بوده و برخی دیگر نیز از طریق معرفی سایر مصاحبه‌شوندگان شناسایی شده‌اند. این افراد در فاصله زمانی ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا ۴ جنوری ۲۰۲۵ بازداشت شده‌اند. تمامی مصاحبه‌ها پس از آزادی افراد یاد شده انجام شده که از میان آن‌ها ۲۲ نفر در حال حاضر خارج از افغانستان زندگی می‌کنند. هم‌چنین، مدت زمان بازداشت این افراد از حد اقل ۲ ساعت تا حد اکثر سه سال گزارش شده است. مصاحبه‌شوندگان از ۱۶ ولایت افغانستان^۲ و به لحاظ قومی، مذهبی، جنسیتی و پیشینه شغلی، ترکیب متنوعی را بازتاب می‌دهند که شامل کارمندان حکومت پیشین، فعالان مدنی، خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر می‌باشد.

مصاحبه‌ها در فاصله زمانی اول ماه اپریل تا اول ماه جون ۲۰۲۵ توسط گروهی از محققان رواداری که تجربه‌ی گفتگو با قربانیان شکنجه را دارند، به صورت تلفنی و حضوری انجام شده است. ما در این تحقیق، از پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته و یکسان، استفاده نموده و تمام تخلقات ارتکاب‌یافته را از لحظه بازداشت تا زمان رهایی بر اساس تجارب و روایت‌های قربانیان، مستند کرده‌ایم. مصاحبه‌ها به دو زبان فارسی و پشتو انجام شده و هر مصاحبه بین یک و نیم تا سه ساعت را دربر گرفته است.

هم‌چنین، قبل از انجام مصاحبه، رضایت آگاهانه و شفاهی مصاحبه‌شوندگان اخذ شده و اهداف تحقیق، تدابیر حفاظتی و نحوه استفاده از اطلاعات، با جزئیات برای آنان توضیح داده شده است. برای حصول اطمینان از امنیت و مصئونیت شرکت‌کنندگان این تحقیق، تمامی اطلاعات جمع‌آوری‌شده از جمله معلومات مربوط به هویت مصاحبه‌شوندگان به صورت محرّم و مصئون نگهداری می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه با قربانیان، از روش تحلیل کیفی استفاده شده و تمامی مصاحبه‌ها با توجه به محتوای پرسش‌نامه و موضوعات کلیدی تحقیق، کد گذاری و دسته‌بندی شده‌اند. از این رو، گزارش حاضر مبتنی بر مستندسازی و تحلیل کیفی تجربه‌های قربانیان است و آماری که در بخش‌های متعدد مطرح شده، به منظور شناسایی الگوهای مشترک در روایت قربانیان و شاخص‌های نقض حقوق بشر می‌باشد، نه تعمیم دادن به تمام زندانیان و وضعیت همه محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان.

۲ . بامیان، بدخشان، بلخ، بادغیس، پروان، دایکندی، جوزجان، غور، غزنی، قندهار، کاپیسا، کابل، سرپل، سمنگان، میدان وردک و هرات

محدودیت‌های تحقیق

با توجه به این‌که طالبان محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر دسترسی به اطلاعات وضع نموده و به‌خصوص از انتشار معلومات مرتبط با رویدادهای نقض حقوق بشر با توسل به روش‌های خشونت‌آمیز و ایجاد ترس و ارعاب، جلوگیری می‌کنند؛ لذا دسترسی محدود به قربانیان و خودداری آن‌ها از صحبت درباره تجربیات‌شان، نخستین چالش این تحقیق بوده است.

چنان‌که طالبان قربانیان را حین رهایی از زندان، از هرگونه صحبت و ارائه معلومات با افراد دیگر، منع کرده‌اند و بسیاری از آنان به دلیل ترس از بازداشت و شکنجه مجدد، از بیان آزادانه تجربیات خود، خودداری می‌کنند. علاوه بر این، شماری از قربانیان به دلیل بی‌اعتمادی به مکانیسم‌های پاسخ‌گویی و نهادهای حقوق بشری، حاضر به انجام مصاحبه نشده‌اند.

از سوی دیگر، دسترسی به اسناد رسمی و دیگر شواهد مرتبط برای بررسی مستقل اطلاعات بدست‌آمده، امکان‌پذیر نبوده است؛ زیرا با توجه به محدودیت‌های اعمال شده، در حال حاضر سازمان‌های حقوق بشری اجازه‌ی نظارت از مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان را ندارند. با وجود تمامی محدودیت‌های پیش‌گفته، اما گزارش حاضر توانسته است که بر اساس روایت‌های مستقیم و دست اول قربانیان، تصویر معتبر و مبتنی بر تجربه زیسته از نقض حقوق بشر و به‌ویژه موارد شکنجه و بدرفتاری توسط طالبان، ارائه دهد.

قابل یادآوری است که از ارائه معلومات دقیق درباره برخی از قضایا مانند تاریخ و مکان آن‌ها، که می‌تواند منجر به شناسایی هویت قربانیان شود، خودداری شده و هم‌چنین در مواردی به خاطر احترام به کرامت انسانی قربانیان شکنجه، برخی از جزئیات روایات آنها عمداً حذف شده است.

چارچوب حقوقی

رهایی از شکنجه در زمره حقوق مطلق، سلب‌ناپذیر و غیرقابل تعلیق افراد است که در اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. در این مبحث ابتدا تعریف و عناصر شکنجه بررسی می‌شود و سپس به صورت مختصر به اسناد بین‌المللی مرتبط و قوانین داخلی افغانستان پرداخته خواهد شد.

تعریف شکنجه

ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، شکنجه را این‌گونه تعریف کرده است: «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. هم‌چنین مجازات یک شخص به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج، یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌گردد.»^۳ پروتکل استانبول، با جزئیات به انواع درد و رنج ناشی از شکنجه، روش و اهداف شکنجه پرداخته و راهنمایی مؤثری برای شناسایی و مستندسازی آن می‌باشد.^۴

3 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴)، ماده ۱.

4 . کمیسرای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پروتکل استانبول، راهنمای تحقیق و مستند سازی موثر شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، (۲۰۲۲)، فصل ۴، بخش B.1.

عناصر و شرایط تحقق شکنجه

با توجه به تعریفی که کنوانسیون منع شکنجه ارائه داده است، تحقق جرم شکنجه مستلزم وجود هم‌زمان عناصر زیر است.

۱ - عنصر مادی

مراد از عنصر مادی جرم شکنجه، انجام یا ترک عمدی فعلی است که باعث ایجاد درد و رنج شدید جسمی یا روانی شود. این موضوع می‌تواند به صورت مستقیم (مثل لت و کوب یا آزار روانی) یا خودداری عمدی از انجام وظایف مشخص مثل ندادن غذا، دارو یا تسهیل ارتباط با خانواده، صورت گیرد.

۲ - عنصر روانی

شکنجه باید با قصد و نیت قبلی برای درد یا رنج انجام شود. اعمال غیرعمدی و از روی خطا یا اشتباه اگر درد و رنجی نیز ایجاد می‌کند، شکنجه نیست.

۳ - عامل شکنجه

عمل شکنجه باید به صورت مستقیم توسط مامور دولت یا با رضایت، تحریک یا سکوت او انجام شود. اعمالی که توسط افراد عادی نسبت به یکدیگر بدون دخالت عامل دولتی، صورت می‌گیرد شکنجه تلقی نمی‌شود.

۴ - هدف شکنجه

هرگاه ایجاد درد و رنج فیزیکی و روانی به منظور کسب اطلاعات، یا گرفتن اقرار یا با هدف تهدید و تنبیه و مبتنی بر تبعیض انجام شود، شکنجه به شمار می‌رود.

۵ - شدید بودن درد و رنج

با توجه به چهار عنصر قبلی، هرگاه انجام قصدی یک عمل یا ترک آن، بیش‌ترین درد و رنج اعم از درد و رنج جسمی و روانی به قربانی وارد کند، شکنجه محسوب می‌گردد.

تضمین حق‌رهای از شکنجه

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و همین‌طور قوانین داخلی افغانستان، رهای از شکنجه را به عنوان یک حق سلب‌ناپذیر بشری به صراحت تضمین کرده‌اند.

الف - اسناد بین‌المللی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ تصریح کرده است که هیچ‌کس نباید مورد شکنجه، مجازات یا رفتاری قرار گیرد که ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز باشد.^۵ همچنین، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۷ خود تأکید می‌کند که: «هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»^۶ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، که مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه ممنوعیت شکنجه به شمار می‌رود، شکنجه را در همه حال و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی ممنوع اعلام کرده است. در بند ۲ ماده دوم این کنوانسیون آمده است: «هیچ‌گونه وضعیت استثنایی مانند تهدید به جنگ، بی‌ثباتی داخلی، ناامنی یا هر وضعیت اضطراری دیگر نمی‌تواند توجیه کننده شکنجه باشد.»^۷ کمیته منع شکنجه به عنوان نهاد نظارتی این

۵ . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، ماده ۵.

۶ . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، ماده ۷.

۷ . کنوانسیون منع شکنجه، بند ۲، ماده ۲.

کنوانسیون، از طریق توصیه‌های عمومی و رویه‌های قضایی خود، به تفسیر این سند و به‌خصوص تعهدات دولت‌ها برای جلوگیری از شکنجه نقش مهمی ایفا کرده است.^۸ پروتکل استانبول نیز، به عنوان راهنمایی مرجع بین‌المللی، به نهادهای نظارتی کمک می‌کند تا شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز را شناسایی و مستند کنند.^۹

هم‌زمان، به موجب اساسنامه دادگاه بین‌المللی جزایی، شکنجه جرم بین‌المللی محسوب می‌گردد و اگر به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه غیر نظامیان انجام شود، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت قلمداد گردد.^{۱۰}

ب- قوانین داخلی

قوانین داخلی افغانستان از جمله قانون اساسی سال ۲۰۰۴ با تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق رهایی از شکنجه را به‌صورت مطلق تضمین کرده است. ماده بیست و نهم این قانون اساسی صراحت دارد که: «تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.»^{۱۱} در ماده سی‌ام آمده است که: «اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم، یا شخص دیگری به‌وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.»^{۱۲}

کد جزای افغانستان مصوب سال ۲۰۱۸ نیز، در چهارچوب حکم ماده ۲۹ قانون اساسی، ضمن تعریف عناصر شکنجه، این عمل را جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبان آن مجازات در نظر گرفته است.^{۱۳} از سوی دیگر، قانون منع شکنجه افغانستان مصوب سال ۲۰۱۷، تمامی کارمندان دولتی را از شکنجه افراد در کلیه مراحل تعقیب عدلی منع کرده و تأکید می‌کند که در هیچ حالتی، حتا در شرایط جنگی یا خطر وقوع آن، عدم ثبات سیاسی داخلی یا هر حالت دیگر نمی‌توان به شکنجه و تعذیب افراد اقدام کرد.^{۱۴}

با این وجود، طالبان پس از بازگشت به قدرت، اجرای قوانین یاد شده از جمله قانون اساسی، کد جزا و قانون اختصاصی منع شکنجه را به تعلیق درآورده‌اند. به همین دلیل، در حال حاضر هیچ‌گونه سازوکار قانونی مؤثر برای پیشگیری از جرم شکنجه و پیگرد عاملان آن در افغانستان، وجود ندارد.^{۱۵}

تعهدات دولت‌ها

به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌های متعهد مسئولیت دارند که با احترام به کرامت انسانی، حمایت مؤثر از قربانیان و اجرای قوانین و مقررات لازم، با شکنجه و بدرفتاری علیه افراد، مبارزه کنند. اصل ممنوعیت شکنجه از جمله قواعد آمره حقوق بین‌الملل^{۱۶} محسوب می‌گردد؛ به این معنا که دولت‌ها صرف نظر از عضویت یا عدم عضویت در اسناد بین‌المللی مربوطه، در هیچ حالتی حق توسل به شکنجه را ندارند. با این وجود اجرای تعهدات زیر در زمینه‌ی مبارزه با پدیده شکنجه و بدرفتاری، به خصوص برای کشورهای عضو، الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

8 . کمیته منع شکنجه، تفسیر عمومی شماره ۲، در مورد اجرای ماده ۲ کنوانسیون، ۲۴ جنوری ۲۰۰۸، U.N.Doc.CAT/GC/2، بندهای ۲ و ۳.
9 . کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پروتکل استانبول: راهنمای بین‌المللی برای مستندسازی و تحقیق مؤثر درباره شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، ۲۰۰۴.
10 . اساسنامه رم، دادگاه جزایی بین‌المللی، ۱۷ جولای ۱۹۸۸، UNTS 90 ۲۱۸۷، ماده (۱)۷ (V).
11 . قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۸ جنوری ۲۰۰۴، جریده رسمی شماره ۸۱۸، ماده ۲۹.
12 . همان، ماده ۳۰.
13 . کد جزای جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۵ می ۲۰۱۷، جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، ماده ۴۵۰ و ماده ۴۵۱.
14 . قانون منع شکنجه جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۰۱۷، جریده رسمی شماره ؟؟؟ ماده ۶ و ماده ۷.
15 . رواداری، وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان، جون ۲۰۲۳، ص ۱۳، https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025.13/RW_Rule-of-Law-Report-Dari.pdf/03.
16 . به موجب پیش نویس اصول مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مصوب سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل، شکنجه از جمله قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که دولت‌ها تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند از رعایت آن سرباز زنند.

الف- جرم‌انگاری شکنجه

مطابق با مفاد ماده چهارم کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، دولت‌ها موظف‌اند که شکنجه را به‌طور صریح در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری نموده و مجازات‌های مؤثر، متناسب و بازدارنده برای مرتکبان آن پیش‌بینی و اعمال نمایند.^{۱۷} هم‌چنین بر مبنای ماده دوم این کنوانسیون، دولت‌ها وظیفه دارند که برای ممنوعیت مطلق شکنجه، اقدامات قانونی، اجرایی و قضایی را انجام بدهند.^{۱۸} هم‌زمان، ماده چهاردهم کنوانسیون منع شکنجه مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو موظف است که از طریق نظام قانونی خود ترتیب اطمینان بخشی بدهد که قربانی شکنجه حق گرفتن جبران خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و کافی داشته باشد...»^{۱۹} هم‌زمان، مشخص کردن صلاحیت دادگاه‌های داخلی برای رسیدگی به جرم شکنجه از دیگر وظایفی است که دولت‌های عضو باید آن را انجام بدهند.^{۲۰}

ب- اقدامات اجرایی

اقدامات اجرایی دولت‌های عضو شامل تحقیق و رسیدگی فوری به تمامی ادعاهای شکنجه و پی‌گردد و مجازات قانونی عاملان آن می‌باشد.^{۲۱} هم‌چنین به‌منظور پیش‌گیری از ارتکاب شکنجه،

دولت‌ها باید برنامه‌های آموزشی منظم برای کارمندان زندان‌ها، نیروهای امنیتی و کارمندان عدلی و قضایی خود برگزار نمایند و نیز با ایجاد نهادهای مستقل ملی برای نظارت منظم از زندان‌ها، توقیف‌گاه‌ها و مراکز بازداشت، به شناسایی و پیش‌گیری از موارد شکنجه اقدام کنند.^{۲۲}

فراهم آوردن خدمات روانی، حقوقی و اجتماعی به قربانیان و ارائه گزارش‌های ادواری اقدامات انجام شده در راستای اجرای مفاد و مقررات مندرج در کنوانسیون منع شکنجه، از دیگر تعهدات دولت‌های عضو می‌باشد.^{۲۳}

افغانستان به اسناد بین‌المللی متعدد که ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری را تضمین می‌کنند، از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک پیوسته است.^{۲۴} بنابراین، طالبان به عنوان گروه حاکم مکلف به رعایت تعهدات ناشی از این اسناد است. این مکلفیت نه تنها به دلیل عضویت افغانستان در اسناد الزام‌آور بین‌المللی بلکه بر مبنای قواعد آمره حقوق بین‌المللی نیز باید اجرا گردد. بر اساس این قاعده، ممنوعیت شکنجه تعهد جهانی و غیر قابل تعلیق است و هیچ ساختاری گروه حاکم نمی‌تواند از آن عدول کند.

بررسی و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این بخشی از گزارش، با استناد به مصاحبه‌ها و روایت‌های جمع‌آوری شده، نحوه رفتار طالبان با بازداشت‌شدگان و زندانیان، از لحظه بازداشت تا زمان رهایی، در چهارچوب استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون منع شکنجه، و پروتکل استانبول، تحلیل و بررسی می‌شود. ابتدا به تغلفات مربوط به مراحل اولیه بازداشت، سپس شرایط حاکم بر مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان، در ادامه انواع شکنجه و بدرفتاری، آثار و پیامدهای فیزیکی و روانی ناشی از آن و در نهایت به موانع تحقق عدالت و پاسخ‌گویی پرداخته خواهد شد.

بازداشت خودسرانه و غیر قانونی

به موجب ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ‌کس نباید از آزادی و امنیت شخصی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات محاکمه عادلانه

17 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۴.

18 . همان، ماده ۲.

19 . همان، ماده ۱۴.

20 . همان، ماده ۵.

21 . همان، ماده ۱۲ و ماده ۱۳.

22 . همان، ۱۰ و ۱۱.

23 . مواد ۱۴ و ۱۹ کنوانسیون

24 . مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، «معاهدات حقوق بشر که افغانستان به آن‌ها الحاق کرده است»

حکم کند.^{۲۵} هر کس پس از دستگیری بلافاصله باید از دلایل بازداشت و اتهام مطلع و در مدت زمان معقول محاکمه یا آزاد گردد.^{۲۶} هم چنین، بر اساس مفاد ماده نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در مواردی اگر بازداشت حتا بر اساس قوانین داخلی صورت گیرد اما ناعادلانه، غیر قابل پیش بینی، نا متناسب یا بدون رعایت اصول محاکمه عادلانه باشد، مصداق بازداشت خود سرانه به شمار می رود و ممنوع است.^{۲۷}

با این وجود، یافته های این تحقیق نشان می دهد که طالبان در مورد بازداشت ۳۳ نفر از مجموع کسانی که با رواداری مصاحبه نموده، حکم قانونی صادر نکرده و تمامی این بازداشت ها بدون ارائه هرگونه سند رسمی، اعلام اتهام و رعایت الزامات قانونی و موازین محاکمه عادلانه صورت گرفته است. از این میان، تنها یک مصاحبه شونده گفته که برای بازداشت او حکم وجود داشته اما خودش آن را ندیده است. سه تن از مصاحبه شوندگان اظهار داشته اند که قبل از بازداشت، به صورت تلفنی از سوی اداره استخبارات احضار شده بودند.

هم چنین، ۱۵ نفر دیگر گزارش داده اند که بدون رعایت موازین قانونی، با استفاده از وسایط نقلیه شخصی، موترسایکل و در برخی موارد در حالی که خریطه های سیاه بر سرشان انداخته شده و دست و پای شان بسته بوده است، در صندوق عقب موترهای شخصی جابه جا و به محل بازداشت منتقل شده اند. هرچند، این بازداشت ها توسط نیروهای امنیتی طالبان صورت گرفته؛ اما در بسیاری موارد مسئولان بازداشت، نه لباس رسمی داشته و نه خود را معرفی کرده اند.

از سوی دیگر، ۲۷ نفر از مجموع ۳۴ مصاحبه شونده گفته اند که در هیچ مرحله ای از تعقیب عدلی، به وکیل مدافع دسترسی نداشته و همین طور، پرونده های ۲۴ نفر و عمدتاً افرادی که توسط اداره استخبارات بازداشت شده بودند، اصلاً به دادگاه و هیچ مرجع قضایی دیگر ارسال نشده است. قابل یادی آوری است که از میان مصاحبه شوندگان ۲ نفر از ۲-۴ ساعت در بازداشت طالبان بوده اند.

افراد یاد شده، عمدتاً به دلیل کار با حکومت پیشین، اعتراض به سیاست های تبعیض آمیز طالبان، اقدامات مدنی و دادخواهانه و در مواردی حتا به خاطر نشر یک یادداشت انتقادی در شبکه های اجتماعی، بازداشت و روزها و حتا ماه ها در زندان های طالبان شکنجه شده اند. از مجموع این افراد، ۲۴ نفر توسط اداره استخبارات، ۶ نفر توسط پولیس، ۲ نفر توسط نیروهای وابسته به وزارت دفاع طالبان، ۱ نفر به صورت مشترک توسط نیروهای پولیس و استخبارات و ۱ نفر دیگر توسط سایر مسئولان محلی بازداشت شده اند.

در این مورد یک تن از قربانیان گفته است که:

«حدود ساعت ده بجه صبح، پیش روی یک دکان که نزدیک خانه ما است نشسته بودم که چهار تن از طالبان مسلح و ملبس به لباس شخصی و لنگی های سیاه، سوار بر دو عراده موترسایکل نزدیکم توقف کردند. بعد از آن که نامم را پرسیدند، یکی از آن ها کلاشینکوف خود را به سمت من گرفت و مرا سوار موترسایکل خود کرد. آن ها مثل اختطاف چیان فوراً دست ها و پاهایم را بستند و مرا به یک پوسته محلی بردند. وقتی آن جا رسیدیم یکی از آن ها گفت او را در تشناب زندانی کنید.»^{۲۸}

25 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، ماده ۹.

26 . همان، ماده ۱.

27 . «دلایل قانونی و اقدام در چهارچوب رویه های محاکمه عادلانه دو شرط اساسی برای سلب آزادی افراد می باشد. مفهوم خود سرانه در این جا فراتر از غیر قانونی بودن بازداشت است و شامل مواردی می شود که اگر دستگیری افراد حتا بر اساس قوانین داخلی صورت گیرد اما نا عادلانه، غیر قابل پیش بینی، نا متناسب یا بدون رعایت اصول محاکمه عادلانه باشد»، کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره 35 در مورد ماده 9: آزادی و امنیت شخصی، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴، U.N Doc. CCPR/C/GC/35

28 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱، ۸ می ۲۰۲۵.

«چند نفر با لباس شخصی آمدند و نامم را پرسیدند. وقتی جواب دادم یک خریطه سیاه را بر سرم کشیدند و بدون آن که چیزی بگویند مرا با خود بردند. حدود نیم ساعت با موتر رفتیم تا به بازداشت‌گاه رسیدیم. در اول هیچ چیزی به من نگفتند و هرچه می‌پرسیدم جواب نمی‌دادند. بعداً فهمیدم که در یک قطعه نظامی مربوط به وزارت دفاع طالبان زندانی هستم.»^{۲۹}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان که صرفاً به خاطر نشر یک یادداشت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک بازداشت شده بود، این‌گونه روایت کرده است:

«وقتی مرا بازداشت کردند، دلیل آن را نمی‌فهمیدم. بعداً به من گفتند که دلیل بازداشت‌ام، نشر یک پیام تسلیت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، برای کشته شدگان مخالف طالبان بوده است. من فقط یک پیام تسلیت و همدردی نوشته بودم، نه بیش‌تر.»^{۳۰}

در ادامه، مصاحبه‌شونده دیگر در مورد نحوه بازداشت خود توسط طالبان چنین گفته است:

«بعد از ادای نماز در مسجد، طرف خانه می‌رفتم که هفت الی هشت نفر مسلح سوار بر یک عراده موتر رینجر و یک موتر نوع فیلدر که شیشه‌های سیاه داشت مرا متوقف کرد. همه شان مسلح بودند و لنگی و لباس محلی پوشیده بودند... آن‌ها هیچ حکمی هم برای دستگیری من نشان ندادند. در لحظه دستگیری تشخیص داده نتوانستم که این افراد مربوط به کدام اداره طالبان است اما بعداً متوجه شدم که توسط کارمندان اداره استخبارات بازداشت شده‌ام.»^{۳۱}

ناپدیدسازی اجباری

ناپدیدسازی اجباری به بازداشت، توقیف، اختطاف یا هرگونه محروم‌سازی از آزادی توسط مأموران دولت یا اشخاص یا گروه‌هایی که با رضایت، حمایت یا سکوت دولت عمل می‌کنند، گفته می‌شود. ویژگی اصلی این عمل، خودداری عمدی از اطلاع‌رسانی درباره دلایل بازداشت، سرنوشت و محل نگهداری قربانیان می‌باشد.^{۳۲} تحقق ناپدیدسازی اجباری، تابع مدت زمان مشخص نیست، بلکه به ماهیت بازداشت، پنهان‌کاری و محروم کردن قربانیان از حمایت‌های قانونی بستگی دارد.^{۳۳}

بررسی اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده، ۱۰ تن آن‌ها ابتدا توسط طالبان به‌طور اجباری ناپدید و سپس مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته‌اند. از این میان، عامل ۵ مورد آن اداره استخبارات و ۳ مورد نیروهای وابسته به وزارت داخله طالبان، ۱ مورد به‌طور مشترک استخبارات و پولیس و ۱ مورد دیگر سایر مسئولان محلی بوده‌اند. قربانیان نه تنها بدون حکم و اطلاع قبلی بازداشت شده‌اند، بلکه پس از بازداشت نیز هیچ اطلاعاتی درباره مکان نگهداری، سرنوشت یا علت بازداشت آنان در اختیار خانواده‌های شان قرار نگرفته است.

طالبان تمام این قربانیان را با دستان و چشمان بسته و در اغلب موارد با وسایط نقلیه شخصی و موترسایکل، به بازداشت‌گاه‌ها منتقل کرده‌اند که از این میان، تعدادی از آن‌ها چنان‌که در بخش‌های بعدی این گزارش توضیح داده خواهد شد، در زندان‌های مخفی نگهداری شده‌اند.

29. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

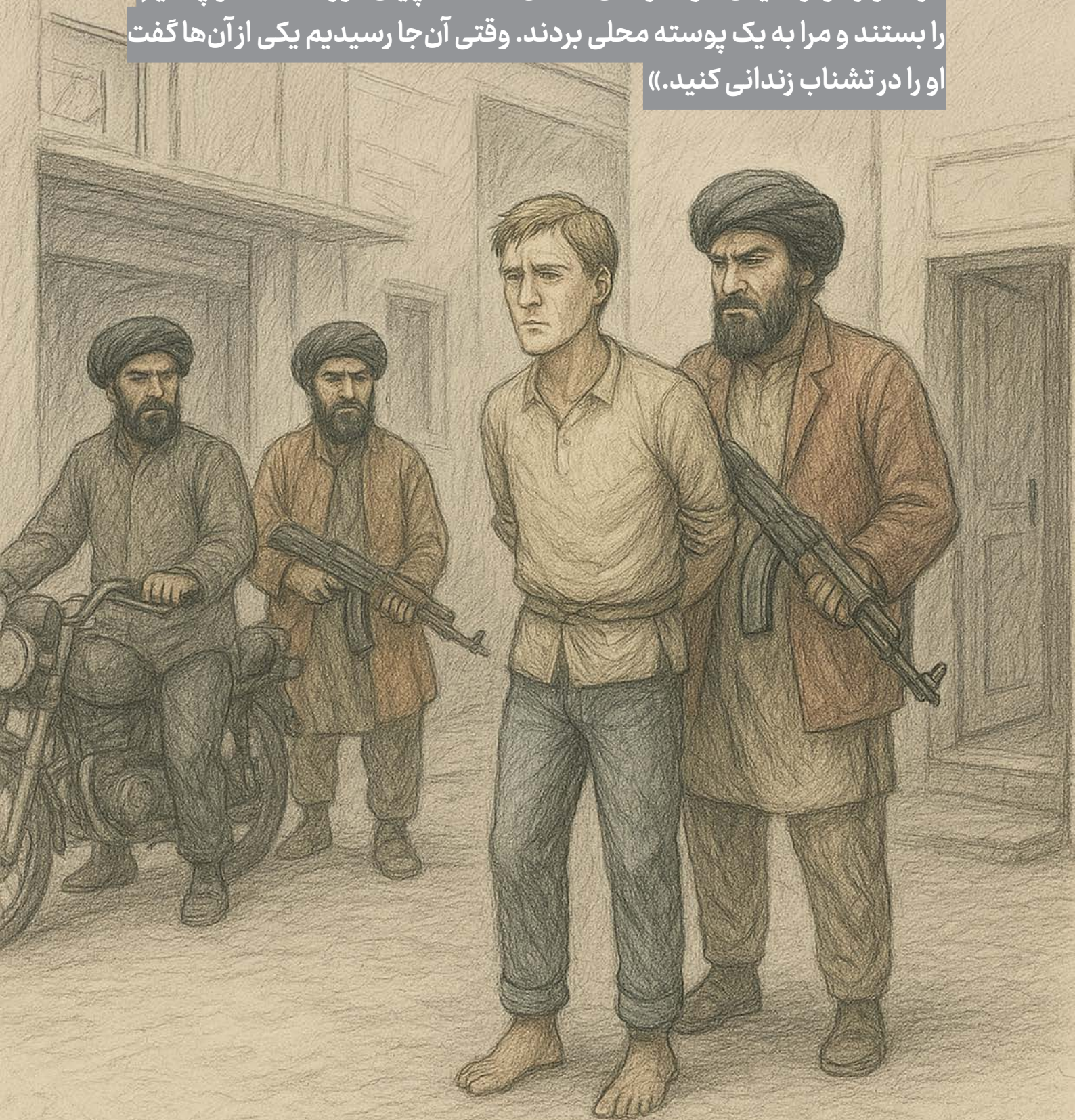
30. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۰، ۲ جون ۲۰۲۵.

31. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۱۳ اپریل ۲۰۲۵.

32. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۷/۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۲.

33. شورای حقوق بشر، گروه کاری ناپدیدسازی‌های اجباری یا غیرارادی، گزارش شانزدهمین نشست، 48/A/HRC/16، جنوری ۲۰۱۱، تفسیر عمومی، بند ۱.

«حدود ساعت ده بجه صبح، پیش روی یک دکان که نزدیک خانه ما است نشسته بودم که چهارتن از طالبان مسلح و ملبس به لباس شخصی و لنگی‌های سیاه، سوار بر دو عراده موترسایکل نزدیکم توقف کردند. بعد از آن که نامم را پرسیدند، یکی از آن‌ها کلاشینکوف خود را به سمت من گرفت و مرا سوار موترسایکل خود کرد. آن‌ها مثل اختطاف‌چیان فوراً دست‌ها و پاهایم را بستند و مرا به یک پوسته محلی بردند. وقتی آن‌جا رسیدیم یکی از آن‌ها گفت او را در تشناب زندانی کنید.»



یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در برخی موارد، خانواده‌های بازداشت‌شدگان با مراجعه به نهادهای امنیتی طالبان، خواهان دریافت اطلاعات درباره سرنوشت و محل نگهداری عزیزان خود شده‌اند، اما طالبان به‌طور عمدی از ارائه هرگونه معلومات خودداری نموده و بازداشت این افراد را منکر شده‌اند. در این مورد یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان چنین روایت کرده است:

«مدتی که من در یک کانتینر مربوط به یکی از حوزه‌های پولیس قندهار در بازداشت بودم، اعضای خانواده و دوستانم بارها به این حوزه مراجعه نموده و در مورد من پرسیده بودند. اما مسئولان حوزه موجودیت مرا منکر شده و گفته بودند که ما خبر نداریم و او را بازداشت نکرده‌ایم.»^{۳۴}

همین‌طور، یک‌تن از زنان معترض که به دلیل فعالیت‌های مدنی و اعتراض به ممنوعیت آموزش زنان و دختران، از سوی اداره استخبارات طالبان بازداشت شده بود، گفته است که:

«خانواده‌ام چندین بار به ادارات مختلف طالبان مراجعه کرده بودند تا در مورد من معلوماتی بدست بیاورند؛ اما طالبان هیچ معلوماتی به آن‌ها نداده بودند و به خانواده‌ام گفته بودند که شاید دخترتان با کدام پسر فرار کرده باشد و شما خبر ندارید. آن‌ها این حرف را عمداً برای ناراحتی خانواده‌ام گفته بودند.»^{۳۵}

مصاحبه‌شونده دیگر نیز که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری و حمایت از حق آموزش زنان بازداشت شده بود، روایت مشابهی ارائه کرده است:

بعد از ۲۱ روز، خیلی وضعیت بدی داشتم زیاد گریه و التماس کردم و گفتم که اجازه بدهند تا به خانواده‌ام زنگ بزنم، پدر و مادرم مریض هستند و نمی‌دانند من در چه وضعیتی هستم. قبول کردند و به خانواده‌ام گفتم که در ریاست استخبارات زندانی هستم. در این ۲۱ روز، خانواده‌ام زیاد مرا جستجو کرده بودند، در ادارات استخبارات، قوماندانی امنیه و حوزه‌های مربوطه عریضه کرده بودند، اما آن‌ها گفته بودند که پیش ما نیست. در ریاست استخبارات به خانواده‌ام گفته بودند که دخترتان شاید با کسی فرار کرده باشد.»^{۳۶}

در مواردی، طالبان حتا بر قربانیان فشار وارد کرده تا به خانواده‌های خود اطلاعات دروغ بدهند. یک مصاحبه‌شونده که توسط نیروهای استخبارات بازداشت شده بود،

34. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

35. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

36. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۲، ۲۴ می ۲۰۲۵.

«شب دوم گفتند به خانواده‌ات بگو که سر کار رفتی و این جا تلفن کار نمی‌کند. همان کار را کردم و به خانواده‌ام نگفتم که طالبان مرا بازداشت کرده و من در زندان هستم. پدرم از روستا به کابل آمده بود، بسیار تلاش کرده بود که در مورد من معلوماتی بدست بیاورد. به استخبارات، قوماندانی امنیه و ریاست ۴۰ رفته بود اما آن‌ها هیچ معلوماتی نداده بودند. بعد از ۲۸ روز توانستم با خانواده‌ام تماس بگیرم.»^{۳۷}

قابل یادآوری است که تمامی این افراد، در طول بازداشت از دیگر حمایت‌های قانونی مانند دسترسی به وکیل مدافع و مراجع قضایی، محروم بوده‌اند. اگر چه بخش قابل توجهی از این بازداشت‌ها در اماکن رسمی از جمله نظارت‌خانه‌های اداره استخبارات و قوماندانی‌های امنیه طالبان صورت گرفته است؛ اما بر اساس تفسیر عمومی کمیته سازمان ملل برای حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدید سازی اجباری، در صورتی که مقامات مسئول از ارائه اطلاعات در مورد سرنوشت یا محل نگهداری فرد بازداشت شده خود داری و او را از حمایت قانونی محروم کند، حتا بازداشت در محل رسمی نیز می‌تواند مصداق ناپدید سازی اجباری باشد.^{۳۸}

انگیزه‌های بازداشت خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری

بر بنیاد داده‌های این گزارش، قربانیان بازداشت‌های خودسرانه و ناپدید سازی اجباری، عمدتاً شامل سه گروه بوده‌اند: مدافعان حقوق بشر، کارمندان حکومت پیشین و افرادی که به عضویت در گروه‌های مخالف طالبان متهم شده‌اند. مقامات حاکم و به‌ویژه اداره استخبارات، با انگیزه‌های سرکوب‌گرانه و در چارچوب انتقام‌جویی‌های سیاسی، این افراد را هدف بازداشت‌های خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری قرار دادند.

سرکوب فعالیت‌های مدنی

بر اساس روایت‌های جمع‌آوری‌شده از قربانیان، سرکوب آزادی بیان و فعالیت‌های مدنی، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های طالبان برای بازداشت، ناپدید سازی اجباری و شکنجه مدافعان حقوق بشر از جمله زنان معترض، خبرنگاران و فعالان حق آموزش بوده است. اداره استخبارات مقامات حاکم، به‌منظور ایجاد فضای ترس، بی‌اعتمادی و سرکوب آزادی بیان، افراد را ابتدا به‌صورت غیرقانونی بازداشت نموده و سپس با شدید ترین شیوه‌ها شکنجه کرده‌اند. گزارش سال ۲۰۲۴ دیده بان حقوق بشر نیز به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید که طالبان آزادی بیان و رسانه‌ها را محدود نموده و خبرنگاران و دیگر منتقدان خود را به‌صورت خود سرانه بازداشت و ناپدید کرده‌اند.^{۳۹}

در میان مصاحبه‌شوندگان این گزارش، افرادی نیز هستند که به دلیل نشر یک یادداشت انتقادی در مورد سیاست‌های تبعیض آمیز طالبان بازداشت و سپس به‌صورت بی‌رحمانه برای روزها و حتا ماه‌ها شکنجه شده‌اند. روایت‌های مستقیم قربانیان هم چنین نشان می‌دهد که طالبان زنان معترض و دیگر مدافعان حقوق بشر را که در برابر سیاست‌های تبعیض آمیز آنان از جمله ممنوعیت آموزش زنان، دست به اعتراض و دادخواهی زده بودند، بازداشت و شکنجه کرده‌اند. بنابراین، بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی، ناپدیدسازی اجباری و شکنجه ابزارهای سرکوب صداهای مخالف و جلوگیری از فعالیت‌های مدنی بوده است.

طالبان همواره با طرح اتهاماتی مانند جاسوسی برای کشورهای دیگر و دریافت پول در برابر برنامه‌های اعتراضی، این افراد را بازداشت و چنان‌که بعداً توضیح داده خواهد شد، شکنجه کرده‌اند. در این مورد یک تن از مدافعان حقوق بشر که به خاطر انتقاد از مسدود شدن دروازه‌های مکاتب به روی دختران در صفحه فیس‌بوک خود یک محتوای انتقادی نشر و سپس توسط طالبان بازداشت و شکنجه شده بود، چنین گفته است:

37. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳۰، می ۲۰۲۵.

38. کمیته سازمان ملل در مورد ناپدید سازی اجباری، تفسیر عمومی شماره ۱ درباره CED/C/GC/1، سپتامبر ۲۰۲۳.

39. دیده بان حقوق بشر، گزارش جهانی ۲۰۲۵، ص ۱۲. https://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025/World%20Report%202025.pdf/01

«پرسیدم که گناه من چیست و چه جرمی را مرتکب شده‌ام؟ آمر حوزه پاسخ داد که تو جرم‌های زیادی مرتکب شده‌ای، برای امریکایی‌ها، خارجی‌ها و کافران جاسوسی می‌کنی، برای آن‌ها گزارش می‌فرستی، درگذشته جوانان را از جهاد منع کردی، دختران را به آموزش تشویق می‌کردی که فاحشه شوند و تو برای حقوق بشر و دموکراسی کفری کار می‌کنی...»^{۴۰}

مصاحبه‌شونده دیگر نیز که پس از بازداشت مورد اشکال گوناگون شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته، در این مورد گفته است:

«وقتی توضیح دادم که زن و مرد هردو باید درس بخوانند و تحصیل حق تمام افغان‌ها است. من را با سیلی زد و گفت تو خبیث از حق صحبت می‌کنی؟ دختران باید در خانه باشند اگر نه فاحشه می‌شوند باز شما چه می‌کنید در کابل فاحشه کم است که باز شما تعداد شان را زیاد می‌کنید. گفت تو و جمع کسانی که در مقابل امارت اسلامی اعتراض می‌کنید، از خارجی‌ها پول می‌گیرید.»^{۴۱}

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان ضمن بازداشت و سپس شکنجه مدافعان حقوق بشر، تعدادی از آن‌ها را به اتهام‌های مانند مفسد فی الارض، خیانت ملی، توهین به مجاهدین، بغاوت گر، تشویق و ترغیب زنان به تظاهرات محاکمه و مجازات کرده‌اند.

انتقام جویی‌های سیاسی

انگیزه دیگری که در این مجموعه بازداشت‌های خودسرانه و ناپدید سازی اجباری نقش داشته، انتقام‌جویی‌های سیاسی بوده است که در اظهارات و روایت‌های قربانیان برجسته بوده است. بنابراین، گروه دوم از قربانیان کارمندان حکومت پیشین و افراد متهم به عضویت در گروه‌های مخالف مسلح طالبان بوده‌اند که هدف بازداشت‌های خودسرانه و ناپدید سازی اجباری از سوی طالبان قرار گرفته‌اند. عفو بین‌الملل نیز در گزارش سالانه خود تأیید کرده است که طالبان به بازداشت‌های خودسرانه، ناپدید کردن اجباری و سایر بدرفتاری‌ها علیه کارمندان حکومت پیشین، مدافعان حقوق بشر و منتقدان خود ادامه داده‌اند.^{۴۲} همین‌طور، هیأت سازمان ملل متحد نیز گفته است که بین ۱ جنوری تا ۳ مارچ ۲۰۲۵ حداقل ۲۳ مورد بازداشت خودسرانه نیروهای امنیتی حکومت پیشین را ثبت کرده است.^{۴۳}

یک‌تن از نظامیان پیشین که به اعتبار فرمان عفو عمومی طالبان به کابل برگشته بود، توسط ماموران استخبارات طالبان شناسایی و سپس بازداشت شده بود:

«برای دیدار با دوستان و اقارب خود به روستا رفته بودم و زمانی که پس به کابل بر می‌گشتم، چند طالب مسلح سوار بر موترسایکل، از کنار موتر حامل ما به سرعت عبور کرد که من احساس ترس کردم. به همین خاطر خانه یکی از بستگانم رفتم و وقتی دوباره طرف کابل بر می‌گشتم، یک کارمند استخبارات طالبان که مرا می‌شناخت، مرا دید. در یک منطقه خلوت، زیر یک کوتل ۶ طالب مسلح سوار بر سه عراده موترسایکل دستور توقف موتر مرا داد. در حضور خانواده‌ام مرا با زور پایین نموده و با خود بردند...»^{۴۴}

40 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

41 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

42 . سازمان عفو بین‌الملل، وضعیت جهانی حقوق بشر، اپریل ۲۰۲۵. <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan>

43 . هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جنوری-مارچ ۲۰۲۵. [https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_](https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_human_rights-.pdf)

44 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

بعد از ۲۱ روز، خیلی وضعیت بدی داشتم زیاد گریه و التماس کردم و گفتم که اجازه بدهند تا به خانواده‌ام زنگ بزنم، پدر و مادرم مریض هستند و نمی‌دانند من در چه وضعیتی هستم. قبول کردند و به خانواده‌ام گفتم که در ریاست استخبارات زندانی هستم. در این ۲۱ روز، خانواده‌ام زیاد مرا جستجو کرده بودند، در ادارات استخبارات، قوماندانی امنیه و حوزه‌های مربوطه عریضه کرده بودند، اما آن‌ها گفته بودند که پیش ما نیست. در ریاست استخبارات به خانواده‌ام گفته بودند که دخترتان شاید با کسی فرار کرده باشد.»



معلوماتی که از مصاحبه با قربانیان بدست آمده، طالبان در بسیاری موارد کارمندان حکومت پیشین را به بهانه‌های مختلف از جمله داشتن سلاح بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند.

چنان‌که یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان که بازداشت و شکنجه شده، گفته است:

«یک روز ماموران استخبارات طالبان به خانه‌ام آمدند و گفتند کسی بالایت عریضه کرده باید با ما برویی. مرا دستبند زدند و با خود بردند... بعداً از می‌پرسیدند که اسلحه ات کجاست؟ چند سال با حکومت پیشین کار کردی و چند نفر از طالبان را به قتل رساندی؟»^{۴۵}

آن‌گونه که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی و همین‌طور، ناپدید کردن اجباری قربانیان، زمینه و بستری برای تخلفات گسترده تری از جمله اشکال گوناگون شکنجه و بدرفتاری شده است که در ادامه به ترتیب و به‌صورت مرحله وار توضیح داده می‌شود.

استفاده از زور و رفتار خشونت‌آمیز در مراحل اولیه بازداشت

مطابق بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با تمام افرادی که آزادی آن‌ها سلب می‌گردد، باید با انسانیت و احترامی که شأن ذاتی شخص انسان است رفتار شود.^{۴۶} مفاد مندرج در این ماده، بر تمام جنبه‌های رفتار با افراد بازداشت شده حاکم است و هرگونه استفاده غیر ضروری از زور را منع می‌کند.

بر بنیاد اطلاعات این گزارش، از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده، ۳۱ نفر گفته‌اند که حین دستگیری و انتقال به بازداشتگاه، توسط طالبان مورد ضرب و جرح قرار گرفته و یا با توهین و دشنام‌های قومی، مذهبی یا جنسیتی مواجه شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد بازداشت‌های که توسط اداره استخبارات صورت گرفته خشونت‌آمیز و با بدرفتاری‌ها فیزیکی و روانی همراه بوده است. چنان‌که از مجموع ۲۴ نفر که توسط اداره استخبارات بازداشت شده، ۲۳ نفر در هنگام دستگیری و انتقال مورد بدرفتاری‌ها شدید فیزیکی و روانی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های این تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد که خشونت و بدرفتاری‌ها در اغلب موارد، با هدف ارباب و تنبیه قربانیان انجام شده است. در این باره یک قربانی روایت کرده است که:

«آن‌ها به زور تلفنم را گرفتند، وقتی رمز تلفنم را ندادم، با چند سیلی محکم به‌صورت‌م زدند، خیلی وحشت زده شده بودم و نمی‌توانستم حرف بزنم. مرا به زور سوار موتر کردند، دستانم را از پشت بستند و بر سرم یک خریطه سیاه انداختند. یک طالب در سمت راستم و یک طالب دیگر در سمت چپم نشسته بودند و در حالیکه با زور سرم را پائین گرفته بودند، به هر دو پهلویم می‌زدند. خیلی ترسیده بودم... چیخ می‌زدم و گریه می‌کردم.»^{۴۷}

قربانی دیگر که در جریان بازداشت توسط نیروهای استخبارات طالبان، مورد خشونت و بدرفتاری قرار گرفته، گفته است که:

«برای برگزاری و شرکت در یک برنامه اعتراضی رفته بودم که توسط طالبان تعقیب شدم. چند مرد مسلح بر من حمله کردند و چنان محکم با سیلی به‌صورت‌م زدند که به زمین افتادم، فحش می‌دادند و از بازویم گرفتند و مرا از زمین بلند کردند. خیلی مقاومت کردم و جیغ می‌زدم، دهنم را محکم با دست خود گرفتند و مرا داخل موتر رینجر انداختند،

45 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، ۴ می ۲۰۲۵.

46 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ بند ۱.

47 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.

بعد دستانم را بستند و بر سرم یک پتو انداختند. بعد با قنداق تفنگ خود محکم به گردنم زدند که برای چند دقیقه گیج شده بودم و احساس می‌کردم گوش‌هایم بند شده است.»^{۴۸}

هم چنین، یک مصاحبه‌شونده دیگر در مورد تجربه خود از نحوه رفتار طالبان حین بازداشت، چنین روایت کرده است:

«چهار نفر از افراد طالبان که لباس نظامی به تن داشتند و مسلح به کلاشینکوف بودند، مرا بازداشت کردند. پس از پرسیدن اسامی و بلافاصله مرا با زولانه بستند و به زور بیرون بردند. زمانی که به حوزه استخبارات رسیدیم، آن‌ها کلید زولانه را گم کرده بودند و مشخص شد که آن‌ها در محل بازداشت فراموش کرده‌اند. بعد یکی از آن‌ها گفت که می‌خواهیم با فیر مرمی زولانه را باز کنیم من التماس کردم که لطفاً این کار را نکنید. بالاخره با اره آن‌ها باز کردند که زولانه شکسته در یک دستم و ولچک در دست دیگرم بود و مرا در یک اتاق زندانی کردند.»^{۴۹}

روایت یک قربانی دیگر نشان می‌دهد، که طالبان هنگام بازداشت او، از خشونت و زور نامتناسب استفاده کرده‌اند:

«وقتی به خانه بر می‌گشتم با حمله افراد مسلح روبرو شدم، فرار کردم و آن‌ها با مرمی به پایم زدند. بعد میل تفنگ را در دهنم گذاشتند و گفتند سایر دوستان کجاست بگو که می‌زنم. حدود ۴۰ دقیقه در حالی که آن‌ها مصروف جمع کردن افراد خود بودند من خونریزی داشتم، دستمال را گرفتم و پایم را بستند تا جلو خونریزی را بگیرند.»^{۵۰}

از سوی دیگر، مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که حین بازداشت و انتقال، مورد آزار و خشونت کلامی طالبان نیز قرار گرفته‌اند. طالبان به صورت مکرر از واژه‌های مانند کافر، مرتد، خائن، بغاوت‌گر، خبیث، حیوان، غلام امریکایی‌ها و غربی‌ها و نیز دشنام‌های زن‌ستیزانه مانند فاحشه و روسپی، برای تحقیر و توهین این افراد استفاده کرده‌اند.

در این مورد یک قربانی چنین روایت کرده است:

«(ناوقت شب خانه‌ام را محاصره و به صورت خشونت‌آمیز مرا دستگیر کردند. موتر حرکت کرد، در مسیر راه مرا دشنام می‌دادند، می‌گفتند تو کافر بغاوت‌گر چطور جرات کردی که مقابل امارت اسلامی ایستاد شویی. خیلی ناسزا می‌گفتند، چشم‌هایم را بسته و دستانم را از پشت ولچک زده بودند. وقتی به ریاست استخبارات رسیدیم یکی از آن‌ها گفت این حیوان را در تشناب بیاندازید که فردا اعدامش می‌کنیم.»^{۵۱}

علاوه بر این، قربانی دیگر که در زمان بازداشت، مورد آزار کلامی نیروهای طالبان قرار گرفته، اظهار داشته است که:

«(پس از انتقال به اداره استخبارات، چشم‌هایم بسته بود، طالبان بین خود می‌گفتند که فاسد را آوردیم، کافرا را آوردیم و هرچه از زبان‌شان بیرون می‌شد می‌گفتند.»^{۵۲}

48 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳۰ آوریل ۲۰۲۵.

49 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۲۷ آوریل ۲۰۲۵.

50 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۵ می ۲۰۲۵.

51 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ آوریل ۲۰۲۵.

52 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۲۷ آوریل ۲۰۲۵.

مصاحبه‌شونده دیگر روایت متفاوتی از نحوه برخورد طالبان ارائه کرده است:

«...وقتی من را بازداشت کردند، لت و کوب می‌کردند و خیلی دشنام می‌دادند، دشنام قومی، مذهبی و جنسی که حتا به زبان آوردن آن دشنام‌ها برایم آزار دهنده است.»^{۵۳}

رفتار طالبان در مراحل اولیه بازداشت آن‌گونه که در روایت‌های مستقیم قربانیان برجسته شده است، می‌تواند مصداق بدرفتاری، رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز باشد. برخی از این اقدامات با توجه به شدت آسیب‌های وارده و انگیزه‌های آن، واجد عناصر شکنجه نیز بوده‌اند که به تفصیل در بخش مربوط به شکنجه و بدرفتاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ضبط دارایی‌های شخصی

به موجب قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان (قواعد ماندلا)، تمام اموال شخصی زندانی که بنابر ضرورت بازداشت از وی گرفته می‌شود، باید در زمان آزادی بازگردانده شود، مگر این‌که طبق قانون ضبط شده باشد. هم‌چنین فهرست این اموال باید به زندانی داده شود.^{۵۴}

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده، ۹ نفر گفته‌اند که طالبان پس از رهایی، اموال شخصی ضبط شده آن‌ها را پس نداده‌اند. این اموال شامل موتر، پول نقد، گوشواره، ساعت، انگشتر، کامپیوتر لپ‌تاپ، تلفن همراه، دستکول و لباس بوده که در ابتدای بازداشت توسط طالبان ضبط و هیچ‌گاه به صاحبان آن‌ها بازگردانده نشده‌اند.

یک‌تن از مصاحبه‌شوندگان روایت کرده است که:

«دو موبایل، ۴۰۰ دالرویک کامرهام را ضبط کردند و با وجود تلاش زیاد، آن‌ها را پس ندادند. هم‌چنین از نهاد ما چندین پایه لپ‌تاپ و سایر وسایل را ضبط کردند.»^{۵۵}

همین‌طور، مصاحبه‌شونده دیگر گفته است که:

«در روز آخر که آزاد می‌شدم، فقط موبایلم را پس دادند که چند تا اپلیکیشن در آن نصب کرده بودند. لباس، کفش و ساعت را پس ندادند. وقتی در زندان بودم می‌دیدم که جمپر را آشپز نظارت‌خانه می‌پوشد.»^{۵۶}

هم‌زمان، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد عدم بازگرداندن اموال شخصی ضبط شده‌اش چنین گفته است:

«وقتی مرا به نظارت‌خانه بردند، دستکول، کمی پول نقد، گوشواره‌ها، ساعت و انگشترم را گرفتند و دوباره پس نداد.»^{۵۷}

با توجه به آن‌چه در روایت‌های قربانیان مطرح شد، ضبط اموال شخصی بدون مسترد کردن آن‌ها به صاحبان شان، نشان‌دهنده نوعی از بدرفتاری رایج و نقض حقوق قانونی زندانیان در نهادهای عدلی و قضایی طالبان می‌باشد.

53. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

54. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد ماندلا)، قطعنامه، 175/A/RES/70، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵، اصل ۳۴.

55. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۳۰ می ۲۰۲۵.

56. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

57. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

شرایط بازداشت زندان^{۵۸}

در این بخشی از گزارش، به بررسی و تحلیل وضعیت مراکز نگهداری بازداشت‌شدگان از جمله نوع محلات سلب آزادی، دسترسی به امکانات انسانی و بهداشتی، دسترسی به غذای کافی و آب پاک و دسترسی به خدمات صحتی و درمانی پرداخته می‌شود.

۱. نوع محل نگهداری بازداشت‌شدگان

بر اساس یافته‌های این گزارش، از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده، ۲۲ تن در نظارت‌خانه‌ها و دیگر محلات مربوط به اداره استخبارات، ۶ تن در نظارت‌خانه‌ها و محلات مربوط به پولیس، ۲ نفر در بازداشتگاه‌های مربوط به وزارت دفاع و ۳ تن دیگر در زندان‌های غیررسمی یا شخصی نگهداری شده‌اند. از این میان ۲۱ تن این افراد در مدت‌های متفاوت در سلول‌های انفرادی فاقد حداقل امکانات ابتدایی، نگهداری شده‌اند. هم‌چنین، ۸ تن از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که پس از صدور حکم از سوی محاکم طالبان، به زندان‌های عمومی (محابس) منتقل شده و دوران باقیمانده حبس خود را در آن مکان‌ها سپری کرده‌اند. شماری از مصاحبه‌شوندگان محل بازداشت خود را مکان‌های مانند کودکستان، ساختمان‌های ادارات ولسوالی، کانتینر، تهکوی، تشناب، حوزه‌های پولیس و استخبارات در مراکز ولایات و ولسوالی‌ها عنوان کرده‌اند. ۱ نفر نیز در مسیر راه توسط افراد مربوط به استخبارات بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفته است. فرد مذکور به هیچ محل بازداشت منتقل نشده است.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«پرسیدم چرا مرا بازداشت کرده‌اید؟ گناه من چیست؟ گفتند باز میدانی گناهت چیست، به افراد مسلح خود دستور داد که مرا در یک کانتینر در محوطه حوزه ببرند و زندانی کنند. یک کانتینر سرخ رنگ بود که هیچ‌گونه امکانات نبود، نه فرش داشت و نه تشک، هوای داخل کانتینر هم بسیار سرد بود.»^{۵۹}

هم‌چنین مصاحبه‌شونده دیگر که توسط ماموران استخبارات طالبان بازداشت شده بود، چنین روایت کرده است:

«در یک تهکوی سرد و نمناک نظارت‌خانه استخبارات زندانی بودم که چند بطری خشک و یک موترسایکل بدون تایرنیز در یک گوشه تهکوی بود. تهکوی فرش نداشت و به من فقط یک کمپل نازک داده بودند.»^{۶۰}

قربانی دیگر که در یک شرایط غیر انسانی تحت بازداشت طالبان بوده، گفته است که:

«چشم‌هایم بسته و دستانم را از پشت ولچک زده بودند، یکی از آن‌ها گفت این حیوان را در تشناب بیاندازید که فردا اعدام می‌کنیم. مرا در یک اتاقی برد که بسیار بوی بد می‌داد و من تا صبح بیدار بودم. در طول شب دستان و چشمانم نیز بسته بود. فردا مرا برای تحقیق در یک اتاق دیگر بردند.»^{۶۱}

علاوه بر این، یک تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق که توسط استخبارات طالبان بازداشت شده بود، این‌گونه معلومات داده است:

«مدت چهار ساعت در بازداشت بودم اما متوجه نشدم کجا هستم، چون در تمام این

۵۸. بر اساس ماده ۳ قانون تنظیم امور زندان‌های افغانستان، زندان شامل نظارت‌خانه، توقیف‌خانه، مرکز اصلاح و تربیت اطفال و محبس بوده و اشخاصی که آزادی آن‌ها به حکم قانون سلب گردیده در آن نگهداری می‌شوند. نظارت‌خانه: محلی است که مظنون در مرحله کشف جرم، مطابق احکام قانون در آن نگهداری می‌گردد.

توقیف‌خانه: محلی است که متهم به اساس قرار سازنوالی یا حکم محکمه در آن نگهداری می‌گردد.

محبس: محلی است که محکوم علیه به اساس حکم محکمه به منظور تحمیل مجازات حبس برای مدت معین، در آن نگهداری می‌گردد.

۵۹. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

۶۰. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

۶۱. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

مدت یک خریطه سیاه بر سرم کشیده بودند. گاهی دیوار و کف اتاق را با دستانم که بسته بودند، لمس می‌کردم که کاشی‌کاری شده بود. بیش‌تر از این چیزی در مورد محل بازداشت خود نمی‌دانم.^{۶۲}

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شده، شمار قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که در دوره‌های زمانی متفاوت در سلول‌های انفرادی یا زندان‌های شخصی و در شرایط غیر انسانی نگهداری شده‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند واجد عناصر شکنجه و یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز باشد. از این رو، موارد پیش گفته به صورت تفصیلی در بخش مربوط به شکنجه و بدرفتاری با استناد به روایت‌های مستقیم قربانیان، ارائه خواهد شد.

۲. فقدان امکانات ابتدایی و بهداشت شخصی

مطابق قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان، امکانات بهداشتی کافی و مورد نیاز، باید در مراکز سلب آزادی فراهم گردد.^{۶۳} هم‌چنین مطابق ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با تمام افراد محروم از آزادی باید با انسانیت و احترام به کرامت انسانی آن‌ها رفتار شود.^{۶۴}

بر اساس اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان، در بسیاری از محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان، ابتدایی‌ترین امکانات انسانی برای نظافت، خواب، شستشو و بهداشت وجود نداشته است. فقدان امکانات تهویه فضا و نور از دیگر مواردی است که مصاحبه‌شوندگان آن‌را گزارش کرده‌اند.

چنان‌که یک مصاحبه‌شونده در این باره گفته است:

«هیچ چیزی غیر از یک فرش و تشک کهنه وجود نداشت و ما به صورت نشسته و با تکیه به دیوار می‌خوابیدیم. داخل اتاق در حدی تاریک بود که حساب شب و روز را نمی‌فهمیدیم.»^{۶۵}

علاوه بر این، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد فقدان امکانات ضروری و اولیه در زندان، چنین روایت کرده است:

«در جریان دو ماه که در زندان بودم، حتی یک روز هم آفتاب را ندیدم. اجازه حمام کردن و شستن لباس نمی‌دادند. لباس‌های ناشسته سایر زندانیان را به ما می‌دادند که بپوشیم. بدن من و دیگر زندانیان به خاطر نبود بهداشت و نظافت، عفونت کرده بود.»^{۶۶}

روایت‌ها و معلومات ارائه شده از سوی قربانیان نشان می‌دهد که آن‌ها در طول بازداشت در محیط‌های فاقد امکانات انسانی و بهداشتی، نگهداری شده‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند مصداق رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز و نقض کرامت انسانی محسوب گردد.

۳. عدم دسترسی به غذای مناسب و آب آشامیدنی پاک

قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، بر لزوم تامین غذای کافی و آب آشامیدنی پاک برای تمامی زندانیان تأکید کرده است. محرومیت از این حقوق، ضمن آن‌که حق حیات زندانیان را به خطر می‌اندازد، هم‌چنین می‌تواند مصداق بدرفتاری و نقض حق کرامت انسانی آن‌ها تلقی گردد.^{۶۷}

62. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، ۴ می ۲۰۲۵.

63. قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصول ۱۵ تا ۱۸.

64. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰.

65. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۴، ۲۰ اپریل ۲۰۲۵.

66. رواداری، مصاحبه‌شونده ۲۲، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

67. قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصول ۱۲ و ۱۳.

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، ۲۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان در مدت بازداشت و به‌خصوص در نظارت‌خانه‌های استخبارات و پولیس، به غذای مناسب و کافی و آب آشامیدنی پاک دسترسی نداشته‌اند.

شماری از آن‌ها گزارش داده‌اند که طی این مدت صرفاً نان خشک و آب دریافت کرده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر اظهار داشته که گاهی غذاهایی مانند لوبیا، نخود، قورمه کچالو، تخم مرغ، بامیه و بعضی شب‌ها برنج و قورمه در اختیارشان قرار گرفته است. همین‌طور، چند نفر دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته که در هر ۲۴ ساعت دو بار نان خشک و آب به آن‌ها داده شده و تعدادی نیز تأکید کرده که شب‌ها گرسنه خوابیده‌اند.

در این مورد، یک مصاحبه‌شونده چنین گفته است:

«گاهی یک روز در میان و گاهی دو روز در میان، یک بوتل آب معدنی و یک تکه نان خشک سرد و دیرمانده به ما می‌دادند. نان را روی کف اتاق که بسیار کثیف بود می‌گذاشتند.»^{۶۸}

مصاحبه‌شونده دیگر روایت مشابهی دارد:

«در مدت بیست چهار ساعت دو بار یک تکه نان با یک کاسه آب کثیف که اصلاً قابل خوردن نبود می‌آوردند. طوری که غذای یک سگ یا حیوان را آورده باشند. حتی یک لقمه از آن نان از گلویم پائین نمی‌رفت، راستش نه میلی به خوردن داشتم و نه در وضعیتی بودم که به گرسنگی فکر کنم، چنان وضعیتی داشتم که اصلاً نان خوردن یادم رفته بود.»^{۶۹}

علاوه بر این، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد شرایط تغذیه خود این‌گونه معلومات داده است:

«کیفیت مواد غذایی و آب بسیار خراب بود و بهداشت اصلاً رعایت نمی‌شد. نان و چای، قورمه کچالو و بامیه مهم‌ترین غذاهای بود که به ما می‌دادند. البته بعضی شب‌ها تبارو خیرین شهر غذایی خیراتی به زندان می‌فرستادند که معمولاً برنج و قورمه بود.»^{۷۰}

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد وضعیت غیربهداشتی غذا چنین گفته است:

«وضعیت غذا زیاد خراب بود. آب از خوردن نبود و از داخل غذا یک روز سنگ بیرون می‌شد و روز دیگر نصور.»^{۷۱}

۴. عدم دسترسی به خدمات صحی

به موجب اصول ۲۴ و ۲۵ قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، تمام زندانیان باید بدون تبعیض و استثناء از مراقبت‌های صحی برخوردار باشند و خدمات درمانی در داخل زندان هم‌سطح با خدمات درمانی در جامعه باشد.^{۷۲} بنابراین، محروم ساختن عمدی بازداشت‌شدگان از دریافت خدمات صحی و درمانی، می‌تواند مصداق رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز محسوب گردد.

بررسی داده‌های این گزارش نشان می‌دهد که از ۳۴ مصاحبه‌شونده، تنها یک نفر آن‌ها به دلیل زخمی شدن هنگام بازداشت، توسط داکتر مورد معاینه قرار گرفته است. سایر بازداشت‌شدگان هیچ‌کدام حین تحویل به مسئولان زندان، توسط داکتر معاینه نشده‌اند. هم‌چنین، از مجموع ۳۴ نفر، ۲۷ تن آن‌ها گفته‌اند که در طول بازداشت به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی دسترسی نداشته‌اند.

68. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳۰۲۵، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

69. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

70. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵.

71. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۲، ۲۴ می ۲۰۲۵.

72. قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصول ۲۴ و ۲۵.

چنان که یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«هیچ دوا و درمانی نبود. هر زخمی که می‌خوردی خودش باید خشک می‌شد یا عفونت می‌کرد. بارها دچار تب شدم، دلم می‌خواست بمیرم و فقط خلاص شوم.»^{۷۳}

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است که:

«در شب سوم بازداشت، پایم خون شده بود چون به بطری‌های از کار افتاده در کنج سلول محکم بسته بودند، هیچ‌گونه کمک‌های اولیه وجود نداشت و آن‌ها پایم را با دستمال گردن بسته کردند تا خون‌ریزی آن متوقف شود.»^{۷۴}

همین‌طور، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد وضعیت دسترسی به مراقبت‌های صحنه چنین روایت کرده است:

«در نظارت‌خانه یک بار داکتر را ملاقات کردم که شبیه ملاها بود. وقتی مشکلاتم را برایش توضیح دادم، گفت خداوند شما را شفا بدهد، بیش‌تر از این کمکی نکرد. اما پس از انتقال به زندان عمومی، داکتران صلیب سرخ گاهی می‌آمدند و برخی کمک‌های اولیه را انجام می‌دادند.»^{۷۵}

۵. عدم دسترسی زنان به مراقبت‌های ویژه بهداشتی

از میان ۷ زن بازداشت‌شده که با رواداری مصاحبه کرده، ۴ تن آن‌ها گفته‌اند که در جریان بازداشت به مراقبت‌های ویژه بهداشتی نیاز داشته اما نتوانسته به این خدمات دسترسی پیدا کنند.

یکی از این مصاحبه‌شوندگان، چنین روایت کرده است:

«در دوران بازداشت، پریود شده بودم و لباسم هم کاملاً تر شده بود چون بارها بر من آب سرد می‌ریختند. در اتاقی بودم که کمره بالای سرم نصب بود. درد شدید داشتم، چندین بار در زدم و برای‌شان توضیح دادم که پریود هستم و جان‌دردی دارم، حداقل یک تابلیت مسکین برایم بدهید. پرسیدند که پریود چیست؟ گفتم عادت ماهوار شده‌ام و مشکل زنانه دارم. اما هیچ توجهی نکردند.»^{۷۶}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در مدتی که در بازداشت بودیم. من و اکثر زنان از شدت ترس و فشار روانی، پریود شده بودیم؛ اما هیچ امکانات بهداشتی وجود نداشت. از تکه‌های تشک‌های کثیف که در اتاق ما بود استفاده می‌کردیم.»^{۷۷}

73. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۹ می ۲۰۲۵.

74. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۶ می ۲۰۲۵.

75. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۵ اپریل ۲۰۲۵.

76. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.

77. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.

خیلی مشکل است که من آن وضعیت را توضیح بدهم. به خاطر شکنجه و لت و کوب زیاد، کمر درد و پریود شده بودم و نیاز به نوار بهداشتی داشتم. به چند نفر آن‌ها گفتم نوار بهداشتی و دارو نیاز دارم. آن‌ها یا واقعاً نمی‌فهمیدند یا دوست داشتند که بیش‌تر در این مورد برایشان توضیح بدهم که عادت ماهوار چیست. سرانجام با فردی که معمولاً از من بازجویی می‌کرد و به نظر می‌رسید که از دیگران آگاه‌تر باشد، مشکل خود را در میان گذاشتم. سه روز بعد برایم نوار بهداشتی آوردند و گفت قانون به ما اجازه نمی‌دهد که به زندانیان دارو بدهیم.»



در ادامه یکی دیگر از قربانیان زن، وضعیت خود در زمان بازداشت را این گونه شرح داده است:

«خیلی مشکل است که من آن وضعیت را توضیح بدهم. به خاطر شکنجه و لت و کوب زیاد، کمر درد و پریود شده بودم و نیاز به نوار بهداشتی داشتم. به چند نفر آن‌ها گفتم نوار بهداشتی و دارو نیاز دارم. آن‌ها یا واقعاً نمی‌فهمیدند یا دوست داشتند که بیش‌تر در این مورد برایشان توضیح بدهم که عادت ماهوار چیست. سرانجام با فردی که معمولاً از من بازجویی می‌کرد و به نظر می‌رسید که از دیگران آگاه‌تر باشد، مشکل خود را در میان گذاشتم. سه روز بعد برایم نوار بهداشتی آوردند و گفت قانون به ما اجازه نمی‌دهد که به زندانیان دارو بدهیم.»^{۷۸}

انواع شکنجه و بدرفتاری

در فصل نخست این گزارش، مطابق با کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، تعریف شکنجه و شرایط تحقق آن توضیح داده شد. اکنون در همان چهارچوب حقوقی، مصادیق مستند شکنجه و بدرفتاری، در مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان که از طریق مصاحبه با قربانیان جمع‌آوری شده است، بررسی می‌شوند.

بر بنیاد داده‌های این تحقیق، تمامی ۳۴ مصاحبه‌شونده، یا در مراحل ابتدایی بازداشت و یا در جریان تحقیق و بازجویی، اشکال مختلف شکنجه فیزیکی، روانی، آزار و اذیت جنسی و دیگر شیوه‌های بدرفتاری را تجربه کرده‌اند. مرتکبان عامدانه و با هدف کسب معلومات، اعتراف یا ارباب و تحقیر قربانیان، مرتکب شکنجه شده‌اند. چنین اقداماتی بر اساس اسناد بین‌المللی و به ویژه در چهارچوب ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه، مصداق روشن شکنجه و نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود.^{۷۹}

شکنجه‌های اعمال شده همان گونه که در بخش نخست این گزارش نیز مطرح شد، از لحظه بازداشت افراد صورت گرفته و در مرحله تحقیق و بازجویی، با شدت بیش‌تر ادامه پیدا کرده است. روایت‌های قربانیانی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، نشان می‌دهد که طالبان به صورت گسترده و سیستماتیک مرتکب شکنجه شده‌اند.

مدافعان حقوق بشر، زنان معترض، کارمندان حکومت پیشین و افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف مسلح طالبان، مشمول قربانیان هستند. در این میان، ۲ تن به اتهام قتل و فروش مشروبات الکولی نیز توسط اداره استخبارات بازداشت و شکنجه شده‌اند. قابل ذکر است که در برخی موارد قربانیان پس از تحمل شکنجه‌های شدید مشخص شده که به اشتباه بازداشت شده و یا دادگاه‌های طالبان به بی‌گناهی و برائت آن‌ها حکم کرده‌اند.

مصاحبه‌شوندگان هم چنین گفته‌اند که بازجویی‌ها و اعمال شکنجه معمولاً در جریان شب انجام می‌شده و در اغلب موارد یا شکنجه‌گران از نقاب استفاده می‌کرده و یا با بستن چشم قربانیان هویت خود را پنهان می‌نموده‌اند.

هیأت معاونیت سازمان ملل متحد در افغانستان، اعلام کرده است که از ۱۰ جنوری تا ۳۱ جولای ۲۰۲۳ مجموعاً ۱۶۰۰ مورد نقض حقوق بشر مرتبط با بازداشت و توقیف افراد توسط طالبان را ثبت کرده که کمتر از ۵۰ درصد آن شامل انواع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز می‌باشد.^{۸۰} هم چنین، عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود گفته است که در جریان سال ۲۰۲۴، طالبان به شکنجه و بدرفتاری علیه کارمندان حکومت پیشین، مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران و منتقدان ادامه داده‌اند.^{۸۱}

78. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

79. کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

80. هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، رفتار با زندانیان در افغانستان، رعایت حقوق بشر: عاملی برای اعتماد، سپتامبر ۲۰۲۳، ص ۷

81. سازمان عفو بین‌الملل، وضعیت جهانی حقوق بشر، اپریل ۲۰۲۵ <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>

الف - شکنجه فیزیکی

بر اساس مفاد مندرج در ماده ۱ کنوانسیون بین المللی منع شکنجه، هر عملی که صدمه شدید جسمی به فرد قربانی وارد گردد، شکنجه فیزیکی نامیده می شود. این صدمات ممکن است به صورت غیرمستقیم به خانواده و بستگان قربانی نیز وارد گردد.^{۸۲} پروتکل استانبول به عنوان راهنمایی جامع برای تحقیق و مستندسازی شکنجه روش های مانند، لت و کوب، آویزان کردن، شوک برقی، غرق مصنوعی، کشیدن ناخن ها و دندان ها، قطع عضو، سوختاندن بدن، محرومیت های شدید جسمی و ... را به عنوان مصادیق بارز شکنجه فیزیکی دسته بندی کرده است.^{۸۳}

بررسی داده های این تحقیق نشان می دهد که از ۳۴ مصاحبه شونده، ۳۲ نفر پس از دستگیری، اشکال مختلف شکنجه فیزیکی را تجربه کرده اند. ضرب و جرح، شلاق زدن، آویزان کردن از سقف، غرق مصنوعی، انداختن پلاستیک در سر قربانیان، سوراخ کردن پا با برمه، کشیدن ناخن ها و کشیدن دندان، شوک برقی و چپه ولچک (یک دست را از بالای بازو و دست دیگر از زیر بازو در پشت سر با ولچک می بندند) از جمله روش هایی بوده اند که طالبان با انگیزه ی کسب اعتراف، معلومات و یا تهدید و ارباب قربانیان، از آن ها استفاده کرده اند.

از میان شکنجه های فیزیکی گزارش شده توسط مصاحبه شوندگان، ۲۲ نفر در نظارت خانه های استخبارات، ۴ نفر در نظارت خانه های پولیس، ۲ نفر توسط نیروهای وابسته به وزارت دفاع، ۱ نفر توسط استخبارات در مسیر راه و سه نفر دیگر از سوی ماموران اداره استخبارات، پولیس و سایر مسئولان محلی طالبان شکنجه شده اند. در ادامه به بررسی ابعاد و ماهیت شیوه های شکنجه فیزیکی بر اساس روایت ها و تجارب قربانیان پرداخته خواهد شد. قابل یادآوری است که طالبان قربانیان خود را هم زمان با چندین شیوه زیر شکنجه کرده اند.

۱- لت و کوب

بر بنیاد داده ها و اطلاعات این گزارش، ۳۲ تن از مجموع قربانیان شکنجه فیزیکی گفته اند که در جریان بازداشت و تحقیق، با مشت و لگد، قنناق و میل تفنگ، چوب، شلاق، زنجیر، شلنگ / پیپ آب، ریسمان، قفل و زنجیر، و کیبل در مناطق حساس بدن خود مانند سر، گردن، صورت، پشت، دست و پا مورد ضرب شتم قرار گرفته اند. قربانیان عمدتاً در سه محل؛ فضای باز، اتاق تحقیق و سلول های خود در حالی که پاها و دستان شان نیز بسته بوده، لت و کوب شده اند. طالبان این اقدامات را به صورت عمدی و به منظور اجبار آن ها به اعتراف، دادن معلومات یا با هدف تهدید و تنبیه، انجام داده اند.

در این مورد، یک مصاحبه شونده روایت تکان دهنده ی را مطرح کرده است که به وضوح ابعاد و ماهیت خشن رفتار طالبان را نشان می دهد:

«لباسم را در می آوردند، بر بدنم آب می ریختند، یک نفر روی پاهایم می نشستند و یک نفر سرم را محکم می گرفت و چنان شدید لت و کوب می کردند که می گفتم خدایا مرگ، فقط مرگ و هر لحظه مرگ می خواستم. گاهی لباسم را در می آوردند و با یک زنجیر که سر آن پر از تیغ بود و بدن را پاره می کرد، به پشتم می زدند و هر بار که می زدند خون فوران می کرد و من بی هوش می شدم. سه یا چهار بار زمانی که مقاومت کردم با همان زنجیر شکنجه ام کردند.»^{۸۴}

در برخی موارد لت و کوب بازداشت شدگان برای اجبار آن ها به دادن معلومات و اعتراف، ارباب و تنبیه با روش های صورت گرفته که به طور هم زمان درد و رنج شدید جسمی و روانی را بر قربانیان وارد کرده است:

«در داخل یک جنگل و فضای باز مرا بردند. یکی از آن ها پرسید چاقو کی دارد فکر کردم می خواهند مرا سرب برند. گفتم دستشویی میروم قبول کردند... پس از بازگشت، دستانم را که از پیش رو بسته بود با طناب از پشت سر بستند، مرا به زمین انداختند، با دستمال

82 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

83 . پروتکل استانبول، فصل ۴، بخش B.1.a.

84 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

”

دهنم را بستند، پاهایم را نیز با یک طناب بسته کردند. پاهایم را بلند کردند، بالایم آب می‌ریختند و با چوب می‌زدند. چند دقیقه بعد گفتند که پاهایش بی حس شده و به لت و کوب در قسمت ران‌هایم ادامه دادند.^{۸۵}

هم چنین یک قربانی دیگر روایت کرده است:

«چهار شب در داخل یک اتاق تاریک، بر من آب سرد می‌ریختند و در حالی که دستانم را بسته بودند مرا رو به زمین می‌انداختند و شکنجه می‌کردند. یک نفر سر و شانه‌هایم و یک نفر دیگر پاهایم را می‌گرفت. نفر سوم با شلاق رابری که از تایلر موتر ساخته شده بود به کمر، باسن و ران‌هایم می‌زد و گاهی از شدت درد از هوش می‌رفتم.... یک بار دیگر رئیس اداره استخبارات به دیدنم آمده بود، از من خواست که اعتراف کنم و به آن‌ها معلومات بدهم. وقتی گفتم چیزی برای اعتراف ندارم، مرا بردند داخل صحن نظارت خانه و با یک شلاق که در سر آن یک فلز نوک دار بود مرا شدیداً لت و کوب کردند. بدنم پر از خون شده بود.»^{۸۶}

همان‌گونه که در بخش نخست این گزارش گفته شد، اکثریت قربانیان از همان لحظه دستگیری با هدف اخذ معلومات، ارباب یا تنبه، از سوی طالبان شکنجه شده‌اند.

در این مورد یک قربانی گفته است که:

«... از خانه بازداشت شدم. ۴۰ تا ۵۰ نفر مسلح با چند موتر آمده بودند. چندین نفر به طرفم هجوم آوردند و به ضرب و شتم من شروع کردند. با مشت و لگد و قنداق تفنگ به هر جای بدنم می‌زدند. با ضربه محکم قنداق تفنگ آن‌ها استخوان زانوی پایم شکست، بعد از آن چیزی را به خاطر نمی‌آورم و برای مدتی از حال رفتم. وقتی دوباره به هوش آمدم درد شدیدی در ناحیه صورت، سینه و پاهایم حس می‌کردم.»^{۸۷}

روایت‌های قربانیان نشان می‌دهد که شدیدترین نوع شکنجه را اداره استخبارات طالبان نسبت به معترضان و منتقدان خود و هم‌چنین کارمندان حکومت پیشین اعمال کرده‌اند. در این مورد یک زن معترض که به خاطر شرکت در یک برنامه دادخواهانه بازداشت و شکنجه شده بود، این‌گونه روایت کرده است:

«با هر وسیله‌ای که در دست داشتند، مرا لت و کوب و شکنجه می‌کردند. پرده گوشم پاره شد، انگشت دست راستم زمانی که می‌خواستند با میل کلاشنیکوف بر سرم بزنند، شدیداً جراحت برداشته و آسیب دیده بود. آن قدر مرا شکنجه می‌کردند که از هوش می‌رفتم و فعلاً به مدت طولانی نمی‌توانم بنشینم چون پایم و کمرم درد می‌کند... پیشانی و قسمتی از سرم نیز با میل تفنگ و لگد طالبان جراحت برداشته است.»^{۸۸}

85 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۳۳، ۱۷ اپریل ۲۰۲۵.

86 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۴ اپریل ۲۰۲۵.

87 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

88 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.

«وقتی گفتم جاسوس نیستم و به خاطر حق خود مظاهره کرده‌ام. به لت و کوب من شروع کردند، دستانم را با ولچک بستند و به صورت مکرر بر من آب سرد ریختند و تا حدی لت و کوب کردند که از حال رفتم. هیچ ترحمی در وجود آن‌ها نمی‌دیدم. هربار چنان با لگد محکم به شکمم می‌زدند که از هوش می‌رفتم. هیچ وقت فکر نمی‌کردند که این ضربات ممکن است به مرگ من منجر شود.»^{۸۹}

تجربه یک کارمند حکومت پیشین، ابعاد دیگری از شکنجه اعمال شده توسط طالبان را نشان می‌دهد:

«ما را به زمین انداختند و توسط قنداق تفنگ و مشه و لگد مورد لت و کوب قرار دادند. یکی از آن‌ها گفت که باید سرش فیر کنیم و همین جا او را بکشیم. نفر دوم قبول نکرد و گفت صدای فیر شنیده می‌شود و افشا می‌شویم. نفر سوم گفت زیر لت و کوب مثل سگ او را می‌کشیم و در این لحظه یک ضربه شدید به سرم وارد کرد که من از هوش رفتم و دیگر نفهمیدم چه اتفاقی افتاد.»^{۹۰}

علاوه بر این، قربانی دیگری که به اتهام ارتباط با جبهه مقاومت ملی شکنجه شده، گفته است:

«چشم‌هایم بسته و در دستانم زنجیر بود. دو نفر با کیبل از دو طرف می‌زدند، به پاهایم، به کمرم و به شانه‌هایم. می‌گفتند اعتراف کن و بگو که با جبهه مقاومت ارتباط داشتی. من گفتم همکاری نداشتم چه بگویم وقتی چیزی نیست؟ برای شان فرقی نمی‌کرد و نمی‌خواستند حقیقت را بفهمند.»^{۹۱}

همین‌طور، روایت‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که طالبان افرادی را که حتا به دلیل یک انتقاد ساده بازداشت کرده بودند نیز، به شدت مورد لت و کوب و شکنجه قرار داده‌اند:

«به افراد مسلح خود امر کرد که پاها و دستانم را ببندند. یک پایم را روی پای دیگریم انداختند و بسته کردند. دستانم را با یک دستمال از پشت سرو دهنم را با لنگی بستند. سپس، با کیبل به لت و کوب شروع کردند. به من گفت هر وقت آماده اعتراف شدی دستت را تکان بده. همین‌طور به لت و کوب ادامه دادند و بعد لنگی را از دهنم برداشتند و پرسیدند که آیا اعتراف می‌کنی؟ من عذر و زاری کردم و قسم خوردم که بی‌گناه هستم و با هیچ‌کسی ارتباط ندارم.»^{۹۲}

مورد زیر روایت یک قربانی دیگر است که به دلیل کار با نیروهای خارجی توسط طالبان شکنجه شده است:

«ما در یک اتاق زیرزمینی بردند. فرش و چوکی نبود و روی زمین نشاندند. می‌گفتند چرا با امریکایی‌ها و کافران کار کرده‌ای و چرا پروژه‌های آن‌ها را تطبیق کرده‌ای. سپس مرا رو به

89. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.

90. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

91. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۹ می ۲۰۲۵.

92. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

زمین انداختند و با یک چوب که داخل آن یک آهن وجود داشت به دست‌ها، پاها و تمام بدنم می‌زدند. چنان شدید لت و کوب کردند که از هوش رفتم. ساعت سه یا چهار صبح بود که دوباره به هوش آمدم و متوجه شدم که هنوز با صورت به زمین افتاده‌ام. سر، بدن و مخصوصاً پاهایم خیلی درد می‌کردند. پای چپم درز برداشته بود و هنوز به خاطر درد آن به عذاب هستم.^{۹۳}

۲ - غرق مصنوعی

یکی دیگر از روش‌های معمول شکنجه در زندان‌های تحت کنترل طالبان بر اساس آن‌چه مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند، غرق مصنوعی است که با هدف اخذ اقرار، اعتراف و یا تنبیه قربانیان به کار گرفته شده است.

در این روش شکنجه‌گران ابتدا دهن قربانیان را با یک دستمال یا خریطه تکه‌ای می‌پوشانند و سپس برای ایجاد حس خفگی شدید، به‌طور مکرر روی صورت قربانیان آب می‌ریزند. این شیوه‌ای از شکنجه باتوجه به ماهیت، ابعاد و پیامدهای که به لحاظ جسمی و روانی بر قربانیان وارد می‌کند، شکل دیگری از شکنجه و نقض صریح مفاد مندرج در کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه به شمار می‌رود.^{۹۴}

از مصاحبه‌شوندگان ۶ نفر گفته‌اند که علاوه بر تحمل دیگر انواع شکنجه با شیوهی غرق مصنوعی نیز شکنجه شده‌اند. یک فعال حقوق بشر که هم‌زمان اشکال دیگری از شکنجه را در زندان‌های طالبان تجربه نموده، در این باره چنین روایت کرده است:

«یک روز من و یک نفر دیگر را داخل صحن نظارت‌خانه بردند، آن‌جا یک سنگ مرمر بزرگ که حدود چهل تا پنجاه کیلو وزن وجود داشت، سنگ را روی شکم ما گذاشتند و پیه آب را داخل دهان ما کردند، سنگ را برای این گذاشته بودند که آب وارد شش‌های ما نشود چون در این صورت می‌مردیم... شکنجه‌گران هفت یا هشت نفر بودند، چند نفر روی پاهایم نشستند و چند نفر دیگر دست‌ها و شانه‌هایم را محکم گرفته بودند. هر لحظه حدود یک دقیقه آب را داخل دهنم می‌ریختند، سپس وقفه می‌دادند و دوباره همین کار را تکرار می‌کردند.»^{۹۵}

هم‌چنین، قربانی دیگری که طالبان او را به خاطر اخذ اعتراف شکنجه کرده، روایت تکان‌دهنده دیگری دارد:

«... سپس یک لنگی سیاه را بر دهنم گذاشتند و بالای آن آب می‌ریختند. نفس کشیده نمی‌توانستم و احساس می‌کردم که غرق می‌شوم. آب به شکمم می‌رفت تا این‌که از هوش رفتم. وقتی دوباره به هوش آمدم گفتند اقرار کن وگرنه کشته می‌شویی. من هرچه عذرواری کردم قبول نکردند و چندین بار دیگر با همین روش شکنجه کردند که هر بار من از هوش می‌رفتم.»^{۹۶}

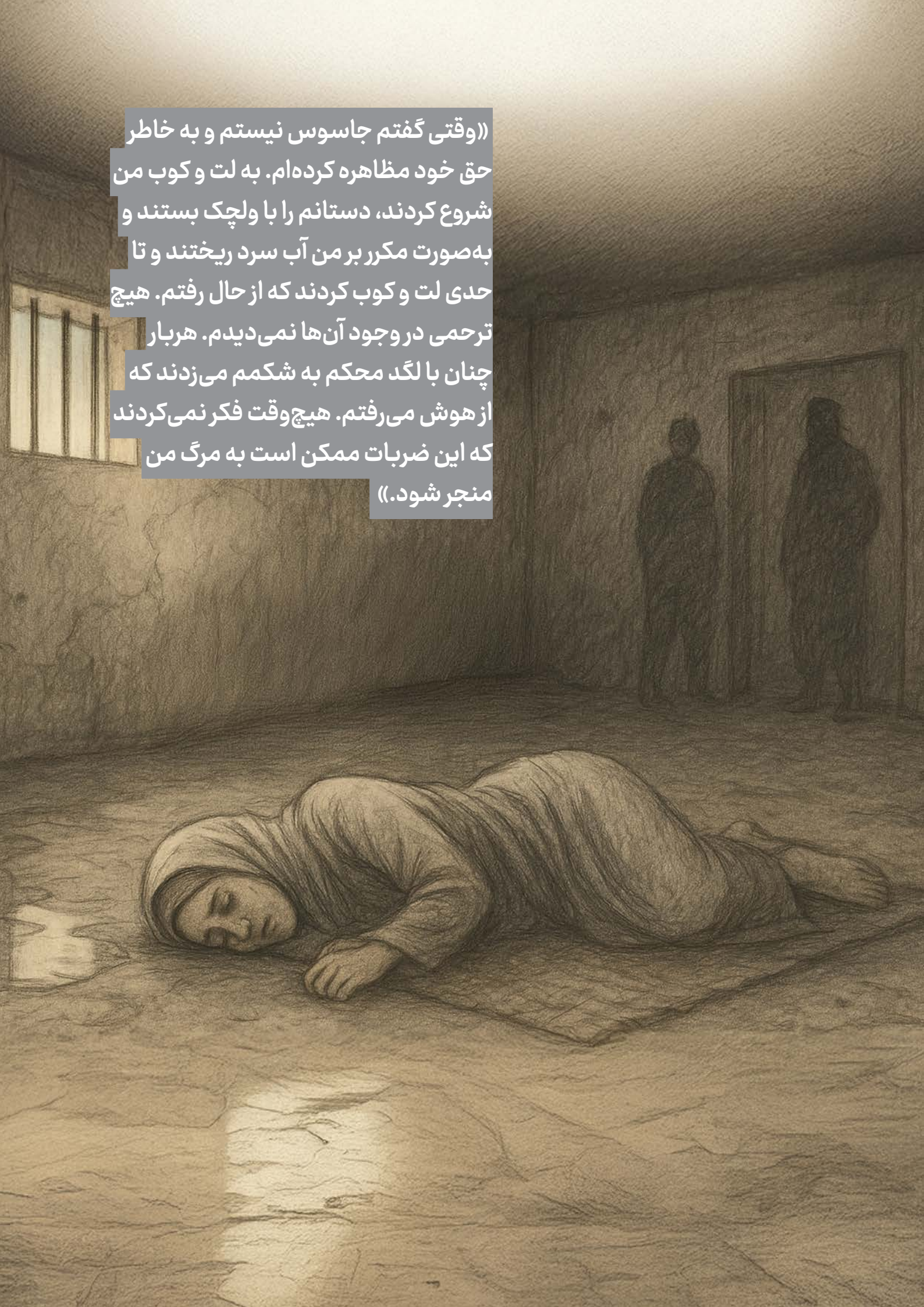
93 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، ۹ اپریل ۲۰۲۵.

94 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

95 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

96 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

«وقتی گفتم جاسوس نیستم و به خاطر حق خود مظاهره کرده‌ام. به لت و کوب من شروع کردند، دستانم را با ولچک بستند و به صورت مکرر بر من آب سرد ریختند و تا حدی لت و کوب کردند که از حال رفتم. هیچ ترحمی در وجود آن‌ها نمی‌دیدم. هر بار چنان با لگد محکم به شکمم می‌زدند که از هوش می‌رفتم. هیچ وقت فکر نمی‌کردند که این ضربات ممکن است به مرگ من منجر شود.»



”

همین‌طور، یک دیگر از مصاحبه‌شوندگان در روایت خود، ابعاد دیگری از این شیوه بی‌رحمانه شکنجه را برجسته کرده است:

«دستمال را از دهنم برداشتند و پرسیدند، از کجا و از کی دستور می‌گیری و توسط چه کسانی حمایت می‌شویی؟ چقدر سلاح داری؟ چرا علیه ما در شبکه‌های اجتماعی پست و یادداشت انتقادی نوشتی؟ دوباره من را به زمین انداختند و با دستمال صورتم را پوشاندند. یکی از شکنجه‌گران روی پاهایم نشست و بالای دستمال که صورتم را پوشانده بود، پیوسته آب می‌ریخت و گاهی هم از خاک نرم زیر پایم، روی دستمال می‌ریختند که به گلویم می‌رفت و تا مرز خفه شدن که می‌رسیدم، شکنجه را متوقف می‌کردند.»^{۹۷}

۳ - کشیدن دندان و ناخن

بررسی اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که استخبارات طالبان در مواردی برای اخذ اعتراف، معلومات یا تنبه قربانیان، از روش‌های بی‌رحمانه تر شکنجه مثل کشیدن ناخن و دندان قربانیان، نیز استفاده کرده‌اند. ۲ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در جریان بازجویی با همین روش شکنجه شده و مصاحبه‌شونده سومی گزارش داده که در نتیجه شکنجه دو دندانش شکسته است.

”

یک عضو نیروهای امنیتی حکومت پیشین که با شیوه‌های گوناگون توسط طالبان شکنجه شده، روایت دردناکی را بازگو کرده است:

«...بار دیگر ناخن‌هایم را یکی یکی کشیدند. فریاد می‌زدم، نمی‌فهمیدم از درد است یا از تحقیر. التماس می‌کردم، به خدا قسم می‌خوردم که بی‌گناهم. اما فایده نداشت شکنجه‌گرها لذت می‌بردند. یکی از آن‌ها هر بار که فریاد می‌زدم بلند می‌خندید.»^{۹۸}

قربانی دیگر که به اتهام قتل یک نفر توسط اداره استخبارات به مدت سه ماه شکنجه و بعداً از سوی دادگاه بی‌گناه شناخته شده است، جنبه متفاوت و دردناک دیگری از رفتار شکنجه‌آمیز طالبان را برجسته می‌کند:

”

«در داخل نظارت‌خانه استخبارات، با ریسمان رابری و زنجیر موترسایکل مرا شکنجه می‌کردند و شوک برقی می‌دادند. حتایک شب با انبوردستی دو دندانم را کشیدند. کاش مرا می‌کشتند چون برایم راحت‌تر بود. حتا به آن‌ها گفتم این‌گونه مرا شکنجه نکنید، مرا بکشید. حالا نمی‌توانم کار کنم، دندان‌هایم خراب و موهایم سفید شده است. باور کنید هنوز شب‌ها نمی‌توانم بخوابم.»^{۹۹}

97. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۳، ۱۷ اپریل ۲۰۲۵.

98. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲۰۹ می ۲۰۲۵.

99. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰۱۹ می ۲۰۲۵.

از سوی دیگر، یک فعال حقوق بشر که به اتهام حمایت از حق آموزش زنان توسط طالبان بازداشت و شکنجه شده بود، گفته است که طالبان با شکنجه شدید دو دندان او را شکسته‌اند:

«زیر شکنجه یک دندانم شکست. در حالت خون‌آلود مرا به اتاق دیگر بردند. کمی بعد تریک طالب آمد و یک گیلایس آب آورد، نزدیک شام بود که طالب دیگر یک تابلت مسکن برایم داد، تمام بدنم درد می‌کرد. شب که شد کمی غذای سرد آوردند و دستانم را چپه ولچک نمودند که دردم را بیش‌تر کرده بود و تا صبح نتوانستم بخوابم... باز هم مرا به اتاق تحقیق بردند و شکنجه کردند این بار دندان دومم هم مکمل شکست.»^{۱۰۰}

۴- انداختن خریطه پلاستیکی بر سر قربانیان

مصاحبه‌شوندگان گزارش داده‌اند که ماموران اداره استخبارات طالبان در جریان تحقیق و بازجویی، سر آن‌ها را درون خریطه‌های پلاستیکی قرار داده و راه تنفس شان را مسدود کرده‌اند.

این شیوه از شکنجه اغلب همراه با سایر اشکال فیزیکی یا روانی برای ایجاد درد و رنج شدید در قربانیان و با هدف کسب اعتراف، اخذ معلومات، ارعاب یا تنبیه که عناصر اصلی شکنجه تلقی می‌شوند^{۱۰۱}، اعمال شده است.

پیامدها و ابعاد وحشتناک این نوع شکنجه در روایت یک قربانی که به دلیل فعالیت‌های مدنی بازداشت شده بود، به خوبی برجسته شده است:

«آمر حوزه گفت این وحشی جاسوس اقرار نمی‌کند و باید کشته شود. به یک طالب دیگر گفت خریطه پلاستیکی را بیار، خریطه را بر سرم انداختن و آن را بستند. نفس کشیده نمی‌توانستم، جیغ می‌زدم اما صدایم بیرون نمی‌شد تا این‌که از هوش رفتم. دوباره که به هوش آمدم هرچه گریه و زاری کردم و گفتم بی‌گناه هستم قبول نکردند. چندین بار دیگر با همین روش مرا شکنجه کردند. وقتی دوباره مرا داخل کانتینر برد از گلویم خون می‌آمد و صدایم بیرون نمی‌شد.»^{۱۰۲}

همین‌طور یک قربانی دیگر گفته است که:

«سرم را درون یک خریطه پلاستیکی می‌کردند، نفسم بند می‌شد و از حال می‌رفتم. ۱۱ بار ضعف کردم، پافشاری آن‌ها این بود که بگویم برای کدام کشور جاسوسی می‌کنم و توسط کدام چهره سیاسی حمایت می‌شوم. هر قدر می‌گفتم که من جاسوس نیستم و از خارجی‌ها پول نمی‌گیرم، قبول نمی‌کردند و مرا شکنجه می‌کردند.»^{۱۰۳}

یک زن معترض که تجربه مشابه با قربانیان قبلی دارد، در مورد این شکل از شکنجه چنین روایت کرده است:

«در جریان بازجویی وقتی داشتم به سوالات‌شان پاسخ می‌دادم، یکی از آن‌ها بسیار عادی یک خریطه پلاستیکی را جیب خود در آورد و آن را تکان داد تا باز شود، بعد سرم را داخل

100 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

101 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

102 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

103 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

آن خریطه پلاستیکی کرد، در عقب من ایستاد و آن را به سمت خود کشید، به گونه ای که پلاستیک به بینی و دهنم چسپیده بود. نمی توانستم نفس بکشم او لحظه دستانم نیز بسته بود.^{۱۴}

اطلاعات بدست آمده از مصاحبه شوندهگان این تحقیق نشان می دهد که طالبان بدون اعتنا و توجه به پیامدهای شکنجه و درد جسمی و روانی ناشی از آن، به صورت مکرر قربانیان را با این روش شکنجه کرده اند:

«بعداً شروع به خفه کردن من کردند، حدود پانزده تا شانزده بار سرم را درون یک خریطه پلاستیکی کردند و دور گردنم بستند که شدیداً احساس خفگی می کردم. چیزی به گفتن یا اعتراف کردن نبود. بعد مرا بردند داخل اتاق، هر سه یا چهار ساعت بعد می آمدند و مرا می بردند برای شکنجه کردن.»^{۱۵}

۵ - شوک برقی

بر اساس داده های این تحقیق، یکی از روش های رایج شکنجه قربانیان، که عمدتاً توسط ماموران اداره استخبارات به کار گرفته شده، استفاده از شوک برقی بوده است. در این روش، طالبان به منظور اخذ اعتراف، اقرار یا ارباب قربانیان، آن ها را روی چوکی می نشاندند و سپس سیم های برق را به بخش های از بدن شان وصل می کردند تا از طریق جریان الکتریکی، درد شدید ایجاد کنند. استفاده از شوک برقی بر اساس مفاد مندرج در ماده ۱ کنوانسیون بین المللی منع شکنجه، که درد و رنج شدید جسمی و روحی را بر قربانیان وارد می کند، مصداق بارزی از شکنجه فیزیکی می باشد، زیرا این عمل نه تنها تمامیت بدنی قربانیان را نقض می کند بلکه کرامت انسانی آن ها را نیز نقض می کند.^{۱۶}

بر بنیاد یافته های این گزارش، ۱۵ تن از مجموع مصاحبه شوندهگان، توسط ماموران اداره استخبارات و پولیس طالبان، با روش شوک برقی شکنجه شده اند. یک تن از زنان معترض در این مورد گفته است که:

«...مرا بسیار لت و کوب کردند. یک آهن را در دستم گذاشتند و دیگر نفهمدم چه شد، تمام بدنم لرزید و از حال رفتم. بعد از آن که دوباره به هوش آمدم خیلی خسته بودم و از محافظان آب خواستم که ندادند. زمانی که تشناب رفتم تا آب بخورم از هوش رفتم و وقتی دوباره به هوش آمدم در دستم سیروم وصل بود. دو یا سه جای دستم پیچکاری زده بودند چون سیاهی و جای آن را می دیدم. پس از گذشت سی روز، آن لحظه احساس ناتوانی و درماندگی به من دست داده بود و بسیار گریه کردم.»^{۱۷}

یکی دیگر از زنان معترض در مورد این شیوه از شکنجه گفته است که:

«کد تلفنم را می خواستند که من ندادم. گفت این دختر بسیار مقاومت می کند و حرف را نمی شنود، او را ببرید بالا شوک برقی بدهید. مرا شوک برقی دادند که تا نیم ساعت بی هوش بودم و متوجه نشدم که در آن مدت، دیگر چه کردند. وقتی به هوش آمدم دچار

104 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۸، ۳۰۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

105 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۲۷، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

106 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

107 . رواداری، مصاحبه شونده ۱۸، ۲۹، ۱۸ اپریل ۲۰۲۵.

«سرم را درون یک خریطه پلاستیکی می‌کردند، نفسم بند می‌شد و از حال می‌رفتم. ۱۱ بار ضعف کردم، پافشاری آن‌ها این بود که بگویم برای کدام کشور جاسوسی می‌کنم و توسط کدام چهره سیاسی حمایت می‌شوم. هر قدر می‌گفتم که من جاسوس نیستم و از خارجی‌ها پول نمی‌گیرم، قبول نمی‌کردند و مرا شکنجه می‌کردند.»



تنگی نفس شده بودم و نمی‌توانستم صحبت کنم، به رویم آب می‌زدند...»^{۱۰۸}

قربانی دیگر که به دلیل فعالیت‌های مدنی بازداشت شده بود، هم‌زمان با شوک برقی، مورد تحقیر و خشونت کلامی نیز از سوی طالبان قرار گرفته است:

«سپس مرا به یک چوکی محکم بستند و برق دادند، می‌گفتند سگ جمهوریت حالا بادارانت را صدا کن تا تورا از دست ما رها کنند. من جیغ می‌زدم و گریه می‌کردم، یک ساعت بعد دوباره آمدند و به شوک برقی و شکنجه ادامه دادند. با کیبل بر سر و صورتم می‌زدند و مرا بغاوت‌گرو سگ جمهوریت می‌گفتند.»^{۱۰۹}

همین‌طور، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که شوک برقی پیامدهای زیانباری بر سلامت جسمی و روانی قربانیان بر جا گذاشته است:

«روز سوم تحقیق علاوه بر لت و کوب و غرق مصنوعی، یک جنراتور که در نزدیکی اتاق تحقیق قرار داشت را روشن کردند و دو لین آن را بدنم وصل نمودند. به حدی مرا تکان می‌داد که بالا می‌پریدم و پس به زمین می‌خوردم. آن‌ها هیچ رحمی نداشتند و به من بسیار ظلم کردند. بعد از شکنجه‌های که کردند، به مرگ خود راضی بودم و به حدی ضعیف و ناتوان شده بودم که هر شب به‌صورت غیر ارادی انزال می‌شدم. فعلاً هم توانایی جنسی‌ام را بدلیل همین شکنجه‌ها از دست داده‌ام.»^{۱۱۰}

۶- آویزان کردن از سقف

بر اساس روایت ۲ قربانی، روش دیگر شکنجه در زندان‌های استخبارات طالبان، آویزان کردن از سقف بوده است. در این روش دست‌ها یا پاهای قربانیان به سقف بسته شده و برای ساعت‌ها در همان وضعیت نگه داشته شده‌اند. یک‌تن از زنان معترض در این باره می‌گوید:

«یک بار مرا یک شبانه روز از سقف آویزان کردند. هر دو دستم را به یک آهن در سقف اتاق بسته بودند که انگشتان پاهایم به سختی به زمین می‌رسیدند. بعد با کیبل به باسنم می‌زدند، دست‌ها و پاهایم ورم کرده بودند، کمرم درد می‌کرد و نمی‌توانستم بی‌ایستم. در این مدت، اجازه غذا خوردن و رفتن به تشناب را هم نداشتم. وقتی مرا از سقف پائین کردند، دست‌ها و پاهایم بی‌حرکت شده بودند و کمرم خیلی درد می‌کرد. هنوز گردن دردی دارم و پیاده راه رفته نمی‌توانم.»^{۱۱۱}

”

108 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۳۲ می ۲۰۲۵.

109 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

110 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

111 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

یک کارمند حکومت پیشین که به رغم شکنجه‌های شدید دیگر، با این روش نیز شکنجه شده، گفته است که:

«در مرحله آخر برای تقریباً دو ساعت مرا از پا آویزان کردند و مثل یک کیسه بوکس لت و کوب می‌کردند. به شکم و پاهایم می‌زدند و می‌گفتند چرا اعتراف نمی‌کنی؟. بالاخره گفتند که تو را در ملاء عام اعدام می‌کنیم تا این عبرتی باشد برای جاسوسان امریکایی‌ها. این‌گونه شکنجه می‌کردند و هر لحظه مرگ خود را می‌خواستیم می‌گفتم اصلاً برایم مهم نیست و هرچه زودتر این کار را بکنید که بیش‌تر از این تحمل زجر و شکنجه را ندارم.»^{۱۱۲}

۷ - چپه ولچک کردن

۴ نفر از مجموع قربانیانی گفته‌اند که طالبان آن‌ها را با روش چپه ولچک نیز شکنجه کرده‌اند. یک تن از قربانیان درباره این روش شکنجه چنین روایت کرده است:

«مدل دیگر شکنجه چپه ولچک بود. یک دست را از سر بازو و دست دیگر را از زیر بازو در حالی که هر دو دست به هم نمی‌رسیدند، با ولچک می‌بستند. درد و فشار شدید ایجاد می‌شد طوری که دردش دو تا سه روز می‌ماند. خیلی سخت بود، یکی از آن‌ها پای خود را روی کمرم می‌گذاشت و با فشار ولچک را بسته می‌کرد. بین نیم ساعت تا سه ساعت ولچک را بسته نگه می‌داشتند. هر کسی را که با این روش شکنجه می‌کردند یک سره جیغ می‌زدند و می‌گفتند هرچه می‌خواهید اعتراف می‌کنم.»^{۱۱۳}

یک قربانی دیگر نیز گفته است که:

«دوباره آمد و دستبند را باز کرد، یک دستم را از بالای شانه و یکی را از پشت سر به همدیگر با ولچک بستند. درد شدید در بازو و شانه‌هایم احساس می‌کردم. با یک طناب گردنم را به حفاظ پنجره بسته بودند... بعداً از من ویدیو گرفتند، توهین می‌کردند، از موهایم کش می‌کردند و می‌گفتند حالا توبه کردی؟»^{۱۱۴}

112 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

113 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۲۷، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

114 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۳، ۱۷، ۱۸ اپریل ۲۰۲۵.

۸ - شکنجه برای تفریح و سرگرمی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طالبان از هیچ رفتار ظالمانه و غیر انسانی، نسبت به قربانیان دریغ نکرده‌اند. چنان‌که دو تن از مصاحبه‌شوندگان در اظهارات خود گفته که طالبان گاهی آن‌ها را به خاطر تفریح و سرگرمی خود، شکنجه کرده‌اند.

یک تن از زنان معترض روایت کرده است که:

«دستمال را دور گردنم می‌پیچاندند و مرا خفه می‌کردند وقتی سرفه می‌کردم می‌خندیدند، یا بی‌خبر بالایم آب سرد می‌ریختند و وقتی من می‌ترسیدم همه آن‌ها بلند بلند می‌خندیدند و به اندازه‌ی می‌خندیدند که فکر می‌کردم دل‌شان ضعف ضعف می‌رود. آن لحظه حس خیلی بدی برایم دست می‌داد که آن‌ها از شکنجه کردن من لذت می‌بردند.»^{۱۱۵}

یکی دیگر از قربانیان روایت تکان‌دهنده تری ارائه کرده است:

«بار دیگر یک پتو را محکم به دور کمرم پیچیده بودند و دو نفر از دو طرف آن را محکم و با شدت می‌کشیدند. فشار شدیدی بر شکمم وارد شد که کنترل خود را از دست دادم.... و لباسم را کثیف کردم. آن‌ها به من می‌خندیدند و من چنان خجالت زده شده بودم که آن لحظه آرزوی مرگ خود را می‌کردم.»^{۱۱۶}

ب- شکنجه و بدرفتاری روانی

شکنجه روانی یکی از بارزترین مصادیق شکنجه است. این نوع شکنجه با ایجاد درد و رنج شدید روحی چه به صورت مستقیم بر قربانی و چه به صورت غیر مستقیم بر خانواده و بستگان او اعمال می‌شود. مطابق با ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، هرگاه یک مأمور رسمی دولت عمداً و با هدف بدست آوردن اطلاعات، اقرار، اعتراف یا اجبار و یا بر مبنای تبعیض، چنین رنج شدیدی ایجاد کند، شکنجه روانی تلقی می‌گردد.^{۱۱۷} پروتکل استانبول، به صورت جامع به توضیح روش‌های مختلف شکنجه روانی پرداخته و تأکید می‌کند که رنج روحی ناشی از این نوع شکنجه می‌تواند به اندازه رنج جسمی شدید و ویرانگر باشد.^{۱۱۸}

تمامی ۳۴ مصاحبه‌شونده این تحقیق گفته‌اند که از لحظه گرفتاری تا زمان رهایی و به‌ویژه در جریان بازجویی، هدف اشکال مختلف شکنجه‌های روانی بوده‌اند. تحقیر و توهین، دشنام دادن، تهدید به قتل، اعدام یا سنگسار، تهدید به سربردن قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، تهدید به بازداشت اعضای خانواده قربانیان، تحقیر و توهین‌های قومی و مذهبی، نگهداری طولانی مدت در سلول‌های انفرادی و اخذ اعتراف اجباری از جمله شیوه‌های عمده‌ی این نوع شکنجه بوده‌اند.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان به‌طور عمدی و با هدف اخذ اعتراف، معلومات یا تحقیر و ارباب قربانیان به شیوه‌های گوناگون شکنجه و بدرفتاری روانی متوسل شده‌اند. این رفتارها مغایر با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، نقض حق کرامت انسانی و به این ترتیب مصداق روشن نقض ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه به شمار می‌رود.^{۱۱۹}

115 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

116 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵؛ برخی از جزئیات ناراحت‌کننده این نقل قول به خاطر احترام به کرامت انسانی قربانی، عمداً حذف شده است.

117 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

118 . پروتکل استانبول، فصل چهار، بخش B.1.d.

119 . کنوانسیون منع شکنجه ماده ۱.

۱ - تحقیر و توهین

بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که خشونت کلامی و تحقیر و توهین قربانیان یکی از شیوه‌های رایج شکنجه روانی توسط طالبان بوده است. چنان‌که تمامی ۳۴ مصاحبه‌شونده گفته‌اند که در زمان بازداشت و پس از آن، به صورت مکرر مورد خشونت کلامی و تحقیر و توهین قرار گرفته‌اند.

واژه‌ها و برچسب‌های مانند، «جاسوس»، «بغاوت‌گر»، «مرتد»، «کافر»، «فاحشه»، «روسپی»، «ضعیفه»، «نوکر آمریکایی‌ها» و «نوکر غربی‌ها»، «خائن»، «فاسد»، «بی‌ناموس»، «سگ» و «خبیث» به تکرار از سوی طالبان برای تحقیر و توهین قربانیان به کار رفته‌اند. طالبان از واژه‌ها و عبارات توهین‌آمیز دیگر نیز در مورد زنان بازداشت شده استفاده نموده که مصاحبه‌شوندگان به لحاظ اخلاقی از بیان آن‌ها خودداری کرده‌اند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان زن که در جریان بازداشت توسط نیروهای طالبان هدف تحقیر جنسیتی و توهین کلامی قرار گرفته بود، چنین روایت کرده است:

«به من می‌گفتند تو خو ضعیفه هستی و حتا درست راه رفته نمی‌توانی چطور علیه نظام ما اعتراض کردی، از کجا حمایت می‌شویی، چقدر پول گرفتی و با این حالت چطور جرأت کردی که علیه نظام اعتراض کنی؟»^{۱۲۰}

قربانی دیگر گفته است که:

«یکی از آن‌ها با لحنی تند و با دشنام گفت که تو جاسوس و غلام چرا بر ضد امارت اسلامی تبلیغات می‌کنی. من گفتم که هیچ وقت تبلیغات نکرده‌ام و جاسوس و ضد امارت هم نیستم. یکی از آن‌ها به من نزدیک شد و محکم با سیلی زد، فرد دیگر آمد و من را با قنداق تفنگ و لگد مورد ضرب و شتم قرار داد. هرچه به آن‌ها گفتم که چرا می‌زنید و گناه من چیست، می‌گفتند گپ نزن بی‌ناموس و جاسوس، قوارحات به مسلمانان نمی‌ماند.»^{۱۲۱}

هم‌چنین، یکی دیگر از قربانیان در مورد این نوع از شکنجه روانی، اظهار داشته است که:

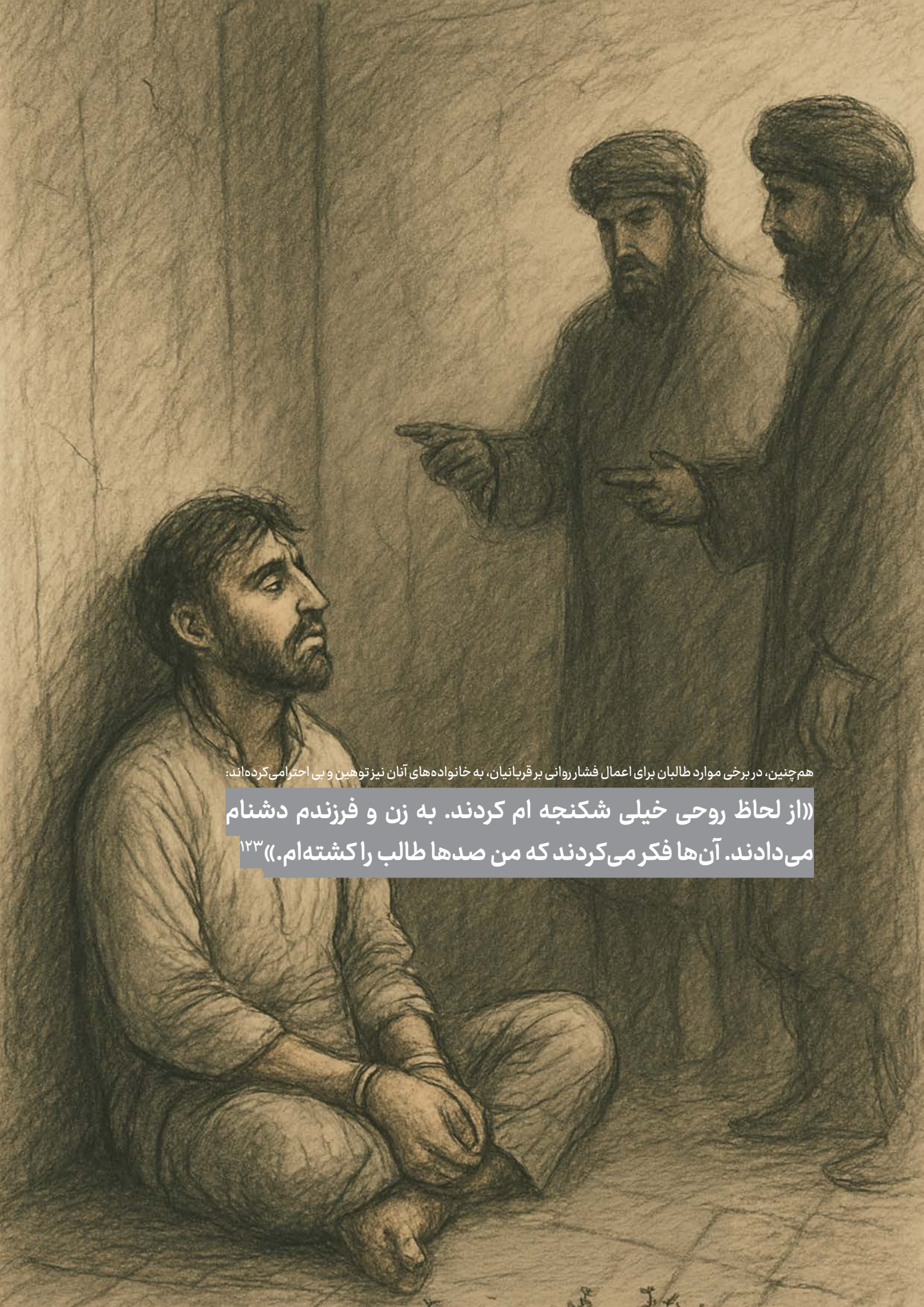
«در مسیر راه می‌گفتند تو را می‌کشیم، قوماندان‌شان گفت چوب را چنان محکم به مقعدش داخل کنی که از دهنش بیرون شود. به من فاسد و کافر می‌گفتند و یکی از آن‌ها گفت چهره این را هم خدا گشتانده و هیچ به آدم نمی‌ماند.»^{۱۲۲}

120 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.

121 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

122 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۳، ۱۷ اپریل ۲۰۲۵.

123 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۲۹ اپریل ۲۰۲۵.



هم چنین، در برخی موارد طالبان برای اعمال فشار روانی بر قربانیان، به خانواده‌های آنان نیز توهین و بی احترامی کرده‌اند:

«از لحاظ روحی خیلی شکنجه ام کردند. به زن و فرزندم دشنام می‌دادند. آن‌ها فکر می‌کردند که من صدها طالب را کشته‌ام.»^{۱۳۳}

۲ - تهدید به قتل، سربریدن، اعدام، سنگسار و زنده به گور کردن قربانیان

۲۸ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که طالبان حین بازجویی و به‌منظور اخذ اعتراف و معلومات از آن‌ها، علاوه بر دیگر شیوه‌های شکنجه، آن‌ها را به قتل، اعدام، سنگسار و زنده به گور کردن نیز تهدید کرده‌اند. تهدید زندانیان به اعدام یا دیگر اشکال به قتل رساندن، از مصادیق بارز شکنجه روانی است که آسیب‌های زیان‌باری بر سلامت روانی قربانیان وارد می‌کند. روایت‌های زیر تنها نمونه‌های از تجربیات بی‌شمار زندانیانی هستند که در معرض این نوع شکنجه قرار گرفته‌اند:

«وقتی مرا از محل اول به محل دوم بازداشت منتقل کردند، گفتند وضو بگیر و نماز را بخوان که تو را تیر باران می‌کنیم. گفتم برایم چیزی نمانده هر کار می‌کنید زودتر بکنید چون تحمل این همه شکنجه را ندارم. بعد کلمه‌ام را خواندم و منتظر کشته شدن بودم.»^{۱۳۴}

قربانی دیگر روایت مشابهی را بیان کرده است:

«شب اول بعد از آن‌که مرا شکنجه کردند، گفتند نماز و کلمات را بخوان که فردا تو را به قتل می‌رسانیم. من آن شب هیچ نخواهیدم و منتظر بودم که فردا چگونه کشته خواهم شد... بار دیگری از شکنجه‌گران چاقورا از جیب خود درآورد و گفت که گردنت را می‌بریم، تو را حلال می‌کنیم. چاقورا به کف دست خود گذاشت و گفت ببین چقدر تیز است»^{۱۳۵}

روش معمول دیگر برای شکنجه روانی قربانیان، همان‌گونه که مطرح شد، تهدید آن‌ها به اعدام بوده است. در این مورد یک فعال حقوق بشر گفته است که:

«تفنگ را بر سرم گرفتند و گفتند یا اعتراف کن یا تو را همین جا می‌کشیم. گفتند چون تو علیه امارت اقدام کردی، به زودی اعدام خواهی شد.»^{۱۳۶}

مصاحبه‌شونده دیگر از تجربه مشابه سخن گفته است:

«با هم می‌گفتند قتل این آدم روا است و باید او را اعدام کنیم که برای دیگران عبرت شود تا باز به خاطر بدنام کردن دولت ما اعتراض نکنند. بعد یکی آمد و برایم گفت به خاطر دلسوزی می‌گویم که فردا حقیقت را بگو وگرنه اعدامت می‌کنند»^{۱۳۷}

بر اساس اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، تهدید به قتل قربانیان، به عنوان یک شیوه‌ی فراگیر در مورد افراد با اتهامات گوناگون اجرا شده است. چنان‌که طالبان شماری از زنان معترض را که بازداشت کرده بودند، به زنده به گور کردن و سنگسار نیز تهدید کرده‌اند: «محافظان زن به ما می‌گفتند، آماده باشید که زنده به گور می‌شوید. قرار است سنگسار شوید. گاهی می‌گفتند شما را در کف پا لت و کوب می‌کنند و بعداً باید روی نمک راه بروید.»^{۱۳۸}

124 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

125 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

126 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵.

127 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

128 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۲۰ اپریل ۲۰۲۵.

«علاوه بر این که می گفتند تمام اعضای خانواده به شمول پدر و مادرت را در زندان پلچرخی آورده ایم، من را به سنگسار نیز تهدید می کردند و می گفتند در روزهای نزدیک سنگسار می شویی.»^{۱۲۹}

۳- تهدید به قتل و سربردن اعضای خانواده

تهدید به قتل یا آسیب رساندن به اعضای خانواده قربانیان، هرگاه به صورت عمدی و با هدف اخذ اعتراف، اقرار و یا ارباب صورت گیرد، شکل شدیدی از شکنجه روانی محسوب می شود که طبق ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه، ممنوع شده است؛ زیرا چنین اقدامی نه تنها کرامت انسانی قربانیان را نقض می کند بلکه باعث ایجاد رنج روانی شدید بر آن ها نیز می شود.^{۱۳۰}

۴ تن از قربانیان گفته اند که استخبارات طالبان اعضای خانواده های آنان را به قتل و سربردن تهدید کرده اند.

«به من می گفتند که اعتراف کن اگر نه اعضای خانواده ات کشته خواهند شد. به یک عضو خانواده ام که در خارج از کشور زندگی می کند تماس گرفته و گفته بودند به خاطر این که کسی به بقیه اعضای خانواده تان آسیبی نرسانند باید موقعیت و آدرس آن ها را بگویی. ... بعد گفته بودند که اگر خبر بازداشت خود را از رسانه ها حذف نکنید اعضای خانواده تان را به قتل می رسانیم.»^{۱۳۱}

در یک مورد دیگر، طالبان یک تن از قربانیان را با هدف تحصیل اعتراف و معلومات با روش هولناک زیر شکنجه کرده است:

«شب سوم وقتی مرا برای تحقیق بردند، عکس کودکانم را به من نشان دادند و گفتند اگر آن ها را دوست داری، اعتراف کن که جاسوس کدام کشور هستی و از کی دستور می گیری. او لحظه وضعیت خیلی بدی داشتم با گریه و عذر و زاری از آن ها خواستم که به فرزندم آسیبی نرسانند. گفتم اگر اعتراض جرم هم باشد من آن را انجام داده ام. اما هیچ چیزی نمی گفتند، واقعاً شب وحشتناکی برایم بود. دیوانه شده بودم و خودم را کنترل نمی توانستم. حتا به مرگم راضی بودم.»^{۱۳۲}

همین طور، در یک مورد دیگر طالبان قربانیان را به بریدن سر فرزندان شان نیز تهدید کرده اند که شدید ترین و وحشتناک ترین نوع شکنجه روانی می باشد:

«می گفتند پسرت را دستگیر می کنیم و سرش را پیش روی خودت می بریم که وقتی آن صحنه را یادآوری می کنم حالم بد می شود.»^{۱۳۳}

129. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱

۴ - تهدید به بازداشت و آزار و اذیت اعضای خانواده

روش دیگر شکنجه روانی بر اساس آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند، تهدید به بازداشت اعضای خانواده‌های آنان بوده است. در مواردی حتا طالبان برای ایجاد ترس و فشار روانی، اعضای خانواده‌های این قربانیان را بازداشت نیز کرده‌اند. **با این وجود، ۹ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته که در جریان تحقیق و بازجویی، اعضای خانواده‌های شان توسط ماموران استخبارات طالبان به بازداشت تهدید شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. طالبان این اقدامات را عامدانه و با هدف کسب اعتراف و اقرار انجام داده‌اند.**

چنان‌که یک قربانی در این مورد گفته است که:

«برایم می‌گفتند که اگر دلت به سایر اعضای خانواده‌ات می‌سوزد، باید حقیقت را بگویی و اگر نگویی ما محل زندگی شما را می‌دانیم و به راحتی اعضای خانواده‌ات را زندانی می‌کنیم.»^{۱۳۴}

هم‌چنین قربانی دیگر گفته است که:

«گاهی می‌گفتند که پدرت را می‌آوریم و با تو یک جا زندانی می‌کنیم یا می‌گفتند خانواده‌ات از پیش ما جای رفته نمی‌توانند، معلومات همه تان را داریم.»^{۱۳۵}

در برخی موارد، طالبان برای ایجاد فشار روانی و ترس در قربانیان، حتا اعضای خانواده‌های آنان را بازداشت نیز کرده‌اند: «چون اعتراف ساختگی آن‌ها را قبول نمی‌کردم، پدرم را آوردند تا پیش چشمانم شکنجه کنند. مجبور شدم چیزی را که می‌خواستند برای شان فراهم کنم تا پدرم را شکنجه نکنند.»^{۱۳۶}

شکنجه‌گران در مواردی فراتر از این‌گونه تهدیدهای روانی عمل نموده و به آزار و اذیت اعضای خانواده‌های قربانیان با روش‌های دیگر نیز اقدام کرده‌اند.

چنان‌که روایت ناراحت‌کننده یک قربانی دیگر آن‌را به خوبی نشان می‌دهد:

«آخرین مرحله تحقیق بررسی تلفنم بود، گالری عکس‌ها را باز کردند و به نوبت تمام عکس‌ها به شمول عکس‌های خانوادگی‌ام را دیدند. وقتی عکس خانمم را دیدند یک طالب به همکارش گفت چه خانم زیبا دارد... امر آوردن اش را بدهیم و از او هم تحقیق کنیم. این حرف خیلی برایم سخت تمام شد و با خود گفتم گرفتار چگونه انسان‌های بی‌غیرت شده‌ام.... بعد از چند روز که خانواده‌ام به دیدنم آمدند در مورد خانم و فرزندانم پرسیدم. گفتند طالبان آن‌ها را چندین بار برای تحقیق آوردند و آزار و اذیت کردند. به همین دلیل مجبور شدند به خارج از کشور فرار نمایند.»^{۱۳۷}

134 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.

135 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۰، ۳۰ می ۲۰۲۵.

136 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۱، ۲۵ می ۲۰۲۵.

137 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

«برایم می‌گفتند اعتراف کن و گرنه زنت را طلاق می‌دهیم، زنت را به فلان آدم می‌دهیم. گاهی می‌گفتند نسل‌ات را منقرض می‌کنیم.»^{۱۳۸}

۵ - تحقیر و توهین قومی و مذهبی

بر بنیاد داده‌های این تحقیق هویت قومی و مذهبی قربانیان، در شدت شکنجه‌های اعمال شده علیه آن‌ها تأثیر گذار بوده است. چنان‌که شماری از بازداشت‌شدگان گزارش داده‌اند که هم‌زمان با تجربه‌ی دیگر اشکال شکنجه، مورد تحقیر و توهین قومی و مذهبی نیز قرار گرفته‌اند. از این میان ۹ تن از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که از مراحل ابتدایی بازداشت تا زمان تحقیق و بازجویی، به‌طور مداوم هدف توهین‌های قومی و مذهبی قرار داشته‌اند. طالبان از این روش شکنجه، برای تحقیر قربانیان و ایجاد فشار روانی بیش‌تر، استفاده کرده‌اند.

«هزاره کافر»، «هزاره پدر لعنت»، «فاحشه‌های هزاره» و «رافضی»، عباراتی‌اند که طالبان برای تحقیر قربانیان به کار برده‌اند. در این مورد، یکی از قربانیان روایت تکان‌دهنده‌ی را بیان کرده است:

«مرا به خاطر هزاره بودنم زیاد توهین می‌کردند، می‌گفتند هر نوع تعرض بر تو، بر ما حلال است... مرا کافر مطلق خطاب می‌کردند و می‌گفتند باید پیرو مذهب ما باشی.»^{۱۳۹}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«از همان ابتدا به من دشنام قومی و مذهبی می‌دادند. به من کافر و رافضی می‌گفتند. می‌پرسیدند که «کلمه» خواندن را یاد داری؟ مرا مجبور می‌کردند که کلمه بخوانم بعد می‌گفتند نه تو کافرستی باید این‌طور بخوانی.»^{۱۴۰}

در ادامه، یکی دیگر از قربانیان اظهار داشته است که:

«هزاره گفته به من فحش می‌دادند، به قومیت ما توهین می‌کردند و می‌گفتند شما لیاقت آن را ندارید که یک مرمی بر سرتان فیر کنیم. می‌گفتند یک مرمی به شما حیف است.»^{۱۴۱}

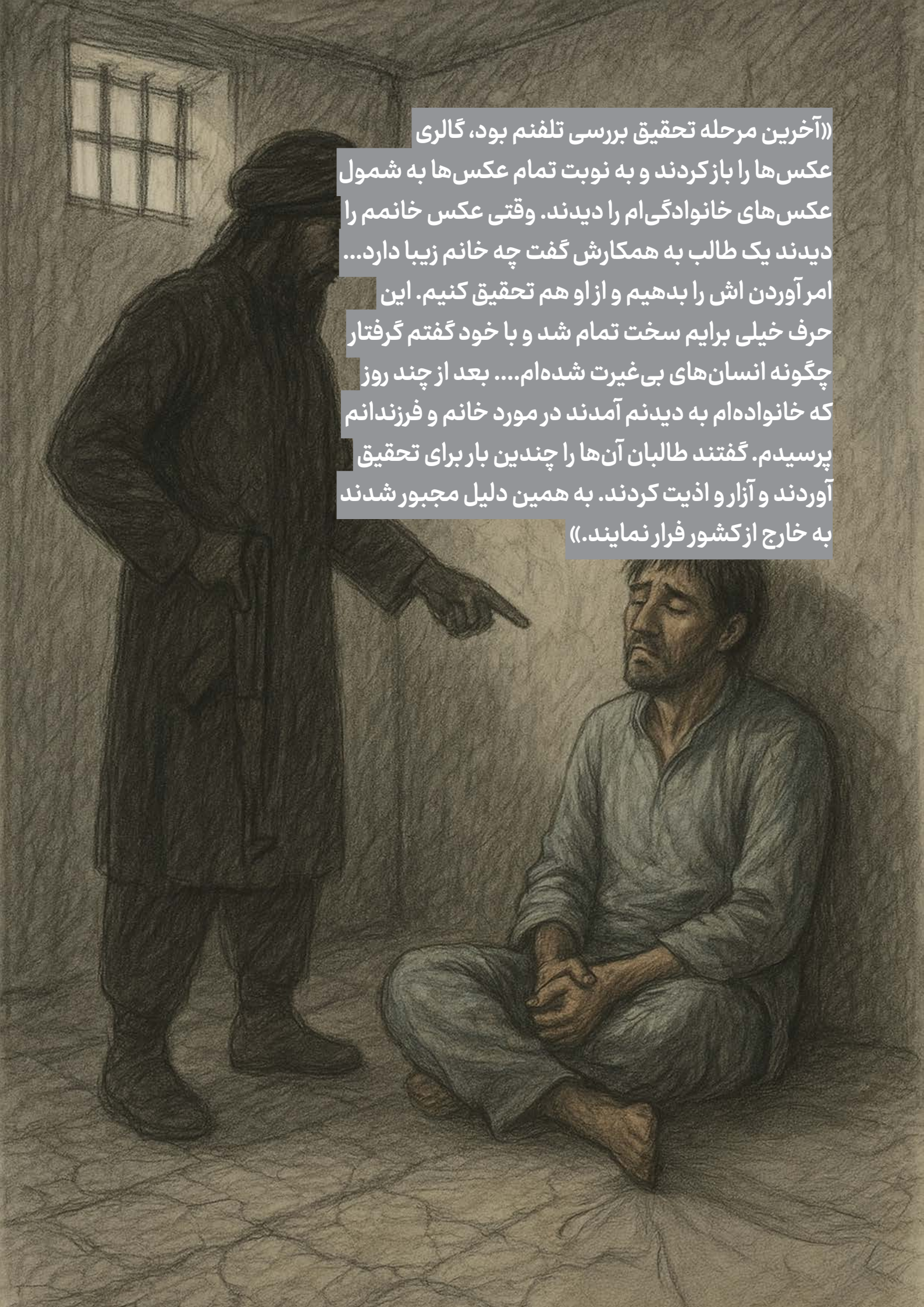
علاوه بر این، در روایت دو قربانی دیگر چنین آمده است:

«...ما را با چشمان و دستان بسته به ریاست ۴۰ استخبارات منتقل کردند، وقتی آن‌جا رسیدیم به محافظان گفتند که فاحشه‌های هزاره را آورده‌ایم.»^{۱۴۲}

«در جریان بازداشت به ما هزاره کافر، هزاره پدر لعنت و دیگر عبارات توهین‌آمیز می‌گفتند. می‌گفتند شما کافر هستید و باید کشته شوید.»^{۱۴۳}

روایت‌های مربوط به این بخش نشان می‌دهد که تحقیر و توهین قومی و مذهبی به عنوان ابزار تحقیر فردی و به مثابه‌ی بخشی از شیوه‌ی اعمال فشار روانی علیه قربانیان بوده است. این رفتارها نه تنها مصداق تبعیض است بلکه می‌تواند در زمره‌ی شکنجه روانی نیز قرار گیرد.

138 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.
139 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.
140 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳ اپریل ۲۰۲۵.
141 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۴، ۲۰ اپریل ۲۰۲۵.
142 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷۹، ۱۸ اپریل ۲۰۲۵.
143 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۳، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

A charcoal drawing depicting a scene in a prison cell. On the left, a man in a dark, long robe and a turban stands, pointing his right index finger towards a man seated on the floor. The seated man, wearing a light blue long-sleeved shirt and trousers, has a distressed expression with his eyes closed and a pained grimace. The background shows a simple cell with a barred window in the upper left corner. The floor is made of rough, cracked stone.

«آخرین مرحله تحقیق بررسی تلفنم بود، گالری
عکس‌ها را باز کردند و به نوبت تمام عکس‌ها به شمول
عکس‌های خانوادگی‌ام را دیدند. وقتی عکس خانمم را
دیدند یک طالب به همکاری‌اش گفت چه خانم زیبا دارد...
امر آوردن‌اش را بدهیم و از او هم تحقیق کنیم. این
حرف خیلی برایم سخت تمام شد و با خود گفتم گرفتار
چگونه انسان‌های بی‌غیرت شده‌ام.... بعد از چند روز
که خانواده‌ام به دیدنم آمدند در مورد خانم و فرزندانم
پرسیدم. گفتند طالبان آن‌ها را چندین بار برای تحقیق
آوردند و آزار و اذیت کردند. به همین دلیل مجبور شدند
به خارج از کشور فرار نمایند.»

۶ - ممانعت از اجرای مناسک مذهبی

ممانعت از اجرای مناسک مذهبی هرگاه عمدی، مبتنی بر تبعیض و با درد و رنج روانی همراه باشد می‌تواند مصداق شکنجه روانی یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تلقی شود.^{۱۴۴} با این وجود، ۵ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در طول بازداشت، در اجرای مناسک مذهبی خود آزاد نبوده و یا به آن دسترسی نداشته‌اند.

در این مورد، یک‌تن از این قربانیان گفته است که:

«رفتارشان سراسر تبعیض بود، به شیوه نماز خواندنم ایراد می‌گرفتند، برخورد زشت می‌کردند و خیلی اوقات مرا مجبور می‌کردند که بدون رفتن به دستشویی و وضو گرفتن، نماز بخوانم.»^{۱۴۵}

قربانی دیگر روایت کرده است:

«در دو روز اول به من اجازه‌ی نماز خواندن ندادند، بعد از روز دوم به آن‌ها گفتم من هم مسلمان هستم، برایم اجازه تشناب رفتن و وضو گرفتن بدهید تا نماز بخوانم. پاسخ می‌دادند که شما کافر هستید، فحش می‌دادند و ناسزا می‌گفتند.»^{۱۴۶}

هم‌چنین، یک‌تن دیگر از قربانیان که در دوران بازداشت، مجبور به ادای نماز بر خلاف مذهب و باورهای دینی خود شده بود، چنین اظهار داشته است:

«مجبور بودم یک‌جا با سایر زندانیان با دستان بسته در یک صف نماز بخوانم. در مذهب شیعه روز سه‌بار نماز خوانده می‌شود؛ اما در زندان مجبور بودم که با دیگر زندانیان پنج‌بار در روز و مطابق روش آن‌ها نماز بخوانیم. هم‌چنین، ما را با اعضای داعش در یک سلول انداخته بودند، آن‌ها خیلی افراطی و خطرناک بودند و ما شب‌ها از ترس نمی‌خوابیدیم.»^{۱۴۷}

یک‌تن دیگر از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق که شاهد شکنجه و بدرفتاری با یک زندانی به دلیل تفاوت در شیوه عبادت خود بوده، گفته است که:

«در سلول نظارت‌خانه یک نفر از اهل تشیع با ما یک‌جا بود که مطابق باورهای مذهبی خود با دست باز نماز می‌خواند. فقط به همین دلیل مورد توهین قرار گرفت و در نهایت به شدت شکنجه شد.»^{۱۴۸}

۷ - نگهداری در سلول انفرادی

اصل ۴۴ قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، تصریح کرده است که نگهداری زندانیان برای ۲۲ ساعت یا بیش‌تر در روز، بدون تماس انسانی معنا دارد ممنوع است.^{۱۴۹} هم‌چنین، مطابق مفاد مندرج در ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه، هرگاه نگهداری زندانیان در سلول انفرادی با هدف ایجاد رنج شدید روانی و جسمی، کسب اطلاعات یا تنبیه صورت گیرد، مصداق صریح شکنجه به شمار می‌رود.^{۱۵۰} با این وصف، روایت‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که طالبان به‌صورت عمدی و به‌منظور ایجاد درد و رنج شدید در قربانیان

144 . قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصول ۶۵ و ۶۶.

145 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۲۹ اپریل ۲۰۲۵.

146 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

147 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

148 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۳، ۱۷ اپریل ۲۰۲۵.

149 . قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصل ۴۴.

150 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

و کسب اعتراف یا فشار روانی، آن‌ها را در شرایط غیرانسانی و برای مدت طولانی در سلول‌های انفرادی نگهداری کرده‌اند.

چنان‌که ۲۱ تن از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده اظهار داشته‌اند که پس از بازداشت، برای مدت‌های طولانی در سلول‌های انفرادی و در شرایط نامناسب، بدون دسترسی به کمترین امکانات بهداشتی سپری کرده‌اند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان که به خاطر فعالیت‌های مدنی بازداشت شده بود، گفته است:

«مرا با چشمان بسته به ریاست ۴۰ استخبارات منتقل کردند و مدت ۳۸ روز به‌طور جزایی در یک سلول انفرادی بودم. اتاقی باریک و کوچک بود که نمی‌توانستم پاهایم را دراز کنم.»^{۱۵۱}

همین‌طور مصاحبه‌شونده دیگر روایت کرده است که:

«تقریباً یک ماه در سلول انفرادی بودم. بعداً مرا در یک تهکویی بردند که دیگر دختران معترض نیز آن‌جا زندانی بودند. ۳ دختر به اتهام ایجاد کورس انگلیسی و باشگاه ورزشی برای زنان، زندانی شده بودند.»^{۱۵۲}

نگهداری افراد در سلول‌های انفرادی برای مدت طولانی، مصداق بارز شکنجه و بدرفتاری می‌باشد و تداوم آن در شرایط غیربهداشتی تخلف مضاعف به شمار می‌رود. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که شمار قابل توجهی از بازداشت‌شدگان در چنین شرایطی نگهداری شده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین گفته است:

«یک هفته تمام در یک سلول انفرادی بودم که به جز یک تکه فرش کهنه و کثیف هیچ امکانات دیگری نداشت. افرادی که قبل از من در این سلول نگهداری شده بودند، همان‌جا ادرار کرده بودند، خیلی بوی بد می‌داد و به حدی کثیف بود که نمی‌توانستم نفس بکشم. در ۲۴ ساعت سه بار اجازه رفتن به تشناب می‌دادند، بیش‌تر از آن هرچه اصرار می‌کردم قبول نمی‌کردند. هوا خیلی سرد بود و من مجبور می‌شدم که مثل افراد قبلی همان‌جا ادرار کنم... وضعیت خیلی بدی بود.»^{۱۵۳}

151 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۰، ۳ می ۲۰۲۵.

152 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۳۲ می ۲۰۲۵.

153 . رواداری، مصاحبه‌شونده ۲۳، ۲۲ اپریل ۲۰۲۵.

154 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳ اپریل ۲۰۲۵.

یک فعال حقوق زن که به دلیل اعتراض به مسدود شدن دروازه‌های مکاتب بازداشت شده بود،
این‌گونه روایت کرده است:

«۳۹ روز را در یک سلول انفرادی گذارندم، جایی که از طویله هم بدتر و کثیف‌تر
بود مرا نگهداری می‌کردند. تنها یک تکه فرش بسیار کهنه در آن بود که رویش
خون، روغن و غذا ریخته شده بود و بوی بد می‌داد. سقف اتاق نیز پوشیده از
تار عنکبوت بود.»



۸ - بازجویی‌های مکرر و اعتراف اجباری

بازجویی‌های مکرر و اعتراف اجباری در هر شکلی چه با شکنجه فیزیکی، چه روانی نقض فاحش حقوق بشر، موازین محاکمه عادلانه و مغایر با مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی محسوب می‌گردد. اسناد مذکور، بازجویی‌های مکرر و طولانی مدت را در زمره‌ی یکی از شیوه‌های مغرب شکنجه روانی که با هدف تضعیف مداوم اراده و ایجاد ناراحتی‌های روانی در قربانی، صورت می‌گیرد دسته‌بندی کرده است.^{۱۵۵} این اعمال هرگاه با هدف کسب اطلاعات، اخذ اعتراف اجباری و یا تنبه صورت گیرد، مصداق نقض مفاد مندرج در ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه نیز محسوب می‌گردد.^{۱۵۶}

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طالبان از افراد بازداشت شده که با رواداری مصاحبه کرده، به صورت مکرر و به منظور اخذ اعتراف اجباری از آن‌ها، بازجویی کرده‌اند. تعداد بازجویی‌های انجام شده از برخی از قربانیان، تا ده بار در روز نیز بوده است که در این میان، عمدتاً زنان معترض و مدافعان حقوق بشر، با دفعات بیش‌تر و تحت فشارهای گوناگون روانی و فیزیکی مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

«چرا علیه امارت اسلامی بغاوت کردید»، «چرا علیه نظام اسلامی ایستاد شدید»، «از کدام کشور حمایت مالی می‌شوید»، «جاسوس کدام کشور هستید»، «چرا برای خارجی‌ها و کافران گزارش تهیه می‌کنید»، «چرا چادری زنان را آتش زدید»، «برای کدام شخص کار می‌کنید»، «در چند اعتراض زنان نقش داشتید»، «چرا با امریکایی‌ها و خارجی‌ها کار کرده‌اید»، «چرا فحشا و زنا را در جامعه ترویج می‌کنید»، «چرا دختران را به آموزش تشویق می‌کنید که فاحشه شوند» «چرا برای دموکراسی و حقوق بشر کفری کار می‌کنید»، «با کدام سازمان و رسانه کار می‌کنید» و «همکاران و رهبران تان کی‌ها اند» از پرسش‌های مکرر بازجویان طالبان، در جریان تحقیق از قربانیان بوده‌اند.

مصاحبه‌شوندگان هم‌چنین خاطر نشان کرده که طالبان با توسل به انواع شکنجه چنان‌که قبلاً توضیح داده شد، آن‌ها را وادار کرده تا مطابق با پیش‌فرض‌ها و انتظارات ذهنی بازجویان، پاسخ بدهند و به کاری که هرگز انجام نداده‌اند، اعتراف کنند.

بازجویی‌های طولانی مدت، اغلب توسط اداره استخبارات انجام شده و در این میان دو تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که افراد خارجی نیز در نظارت‌خانه‌های این اداره طالبان، از آن‌ها تحقیق کرده‌اند.

با این وجود، ۲۶ نفر از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده گفته‌اند که تحت فشار شکنجه و بدرفتاری طالبان، مجبور به اعتراف اجباری شده‌اند که از این میان، از ۸ نفر آن‌ها هم‌زمان با اعتراف کتبی، اعتراف ویدیویی نیز اخذ شده است.

یک تن از فعالان آموزش در این مورد چنین روایت کرده است:

«مرا گفتند دست و رویت را با آب بشوی و در برابر کمره بگو من در جمهوریت به خاطر ترویج فحشا کار می‌کردم و برای حمایت از حقوق زنان و بدنام کردن امارت اسلامی، از کشورهای خارجی پول دریافت می‌کردم. بعد از این چنین کاری انجام نه خواهم داد و از رهبری امارت اسلامی و مردم افغانستان معذرت می‌خواهم.»^{۱۵۷}

مصاحبه‌شونده دیگر که یکی از زنان معترض می‌باشد، گفته است که:

بعد از ۲۱ روز که تحقیق تمام شد، آن‌ها دو اعتراف اجباری کتبی و ویدیویی در ریاست استخبارات گرفتند... گفتند بگو این اعتراضات را به خاطر رفتن به خارج، به نفع جبهه مقاومت و به خاطر دریافت پول انجام داده‌ام. من جیغ زدم و به زمین نشستم گفتم که هیچ وقت از خارج پول نگرفته‌ام، با هیچ جبهه نظامی و چهره‌های سیاسی ارتباطی ندارم.

”

155 . پروتکل استانبول، فصل ۴، بخش B.1.d.

156 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

157 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

جنبش ما خود جوش است و ما فقط به خاطر درس و تحصیل و به خاطر حقوق زنان اعتراض کردیم. گفتند اگر اعتراف نکنی یک سال برای حبس تعیین می‌کنیم. بالاخره مجبور شدم اعتراف کنم.»^{۱۵۸}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«مجبور شدم متنی را که قبلاً برایم داده بودند، بخوانم و طالبان را توصیف و از کارهای خود ابراز پشیمانی کنم. آن‌ها از من فیلم‌برداری کردند. با میل تفنگ به شانهم زدند و به زور ماسک را از صورتم برداشتند.»^{۱۵۹}

هم‌چنین، در بسیاری موارد، مدافعان حقوق بشر و به‌ویژه زنان معترض، ضمن اعتراف به چیزی که بازجویان برای آن‌ها گفته بودند، هم‌چنین مجبور به معذرت‌خواستن از رهبران طالبان نیز شده‌اند.

«از من به اجبار دو ویدیوی تصویری گرفتند که در یکی مجبور به معذرت‌خواهی از ملا هبت‌الله رهبر طالبان و در دیگری مجبور به اعتراف به شرکت در تظاهرات و اعتراض به سیاست‌های طالبان شدم و گفتم که از سر اغفال و دستور مخالفان امارت اسلامی، چنین کاری را انجام دادم و اظهار پشیمانی می‌کنم.»^{۱۶۰}

اعترافات که در نتیجه شکنجه از قربانیان بدست آمده، بعداً مبنای محاکمه و مجازات آن‌ها در محاکم طالبان قرار گرفته است که در حالی‌که این امر در تضاد کامل با اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نقض صریح محاکمه عادلانه به شمار می‌رود.

۹ - نگهداری در زندان‌های مخفی و شرایط غیر انسانی

مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، هر فرد بازداشت شده باید در شرایط مناسب و با رعایت کرامت انسانی نگهداری شود.^{۱۶۱} نگهداری افراد در اماکن غیررسمی، مخفی یا موسوم به زندان‌های شخصی، به‌طور جدی منع شده است.^{۱۶۲} بنابراین، نگهداری بازداشت‌شدگان در شرایط غیر انسانی و در اماکن غیررسمی و مخفی می‌تواند مصداق روشن شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز تلقی شود.

بر اساس داده‌های این گزارش، از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده، ۳ نفر اظهار داشته‌اند که در فاصله‌های زمانی متفاوت در زندان‌های شخصی و غیررسمی نگهداری شده‌اند. بر اساس اظهارات این مصاحبه‌شوندگان، طالبان آن‌ها را در شرایط غیر انسانی و در حالی‌که به‌طور مکرر مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده، در زندان‌های مخفی و غیررسمی نگهداری کرده‌اند. یکی از این مصاحبه‌شوندگان در توصیف شرایط غیر انسانی محل بازداشت خود، چنین گفته است:

«پس از دستگیری ابتدا مرا به یک خانه قدیمی منتقل کردند که فکر می‌کردم در اطراف آن هیچ خانه‌ای وجود ندارد. آن‌جا هفت الی هشت نفر مسلح حضور داشتند و من مدت ۲۱ روز در یک اتاق کوچک داخل همین خانه زندانی بودم. برای دو شبانه روز اجازه استفاده از

”

158 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۲۴ می ۲۰۲۵.

159 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.

160 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳۰ اپریل ۲۰۲۵.

161 . قواعد استاندارد حداقلی سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، اصل ۱.

162 . کنوانسیون ناپدید سازی اجباری، ماده ۱۷.

تشناب را به من نداند. هر بار که فریاد می‌زدم، می‌آمدند و با قندان تفنگ خود مرا می‌زدند و می‌گفتند همین جا ادرار و مدفوعات را بخور... از طرف دیگر فشارهای روانی خیلی شدید بود و من مجبور می‌شدم همان جا داخل لباس خود ادرار و رفع حاجت کنم. بعداً مرا به مکان دیگری در یک زیرزمینی منتقل کردند که داخل اش یک تشناب و یک آشپزخانه به هم‌ریخته با مقداری ظروف کثیف وجود داشت. این محل دو اتاق داشت که انواع مختلف ابزارهای شکنجه مثل زنجیر و زولانه، دنده برقی و صندلی‌های شکسته دیده می‌شد.... هر دو محل عملاً بازداشت‌گاه‌های مخفی و غیررسمی بودند.»^{۱۶۳}

یک نظامی پیشین که مدتی در زندان‌های شخصی طالبان بازداشت و شکنجه شده، این‌گونه روایت کرده است:

«در زندان‌های شخصی نگهداری می‌شدم. پس از دستگیری مرا نزدیک یک کوه دورتر از قریه ما زندانی کردند که شبیه یک پوسته پولیس بود چون نفر مسلح و یک آشپز هم داشتند. سپس مرا با موتر شخصی به یک جای دیگر بردند که حدود سه ساعت فاصله داشت. از صحبت‌های شان فهمیدم که یک ولایت دیگر است و من را در یک زندان شخصی نگهداری کردند، بعد از چند شب دوباره به همان محل اولی بردند.»^{۱۶۴}

هم چنین یک مصاحبه شونده دیگر معلومات داده است که:

«یک زندانی از ولایت سمنگان در سلول ما بود. می‌گفت به سفارش یک مسئول محلی طالبان دستگیر و مدت ۴۰ روز در ولسوالی شکرده در زندان شخصی بازداشت و شکنجه شده است. او را بعد از ۴۰ روز به اداره ولسوالی و از آن جا به نظارت خانه ریاست استخبارات کابل منتقل کرده بودند.»^{۱۶۵}

آزار و اذیت جنسی

آزار و اذیت جنسی، یکی از جدی‌ترین اشکال شکنجه می‌باشد که آسیب‌های عمیق و ناگواری بر قربانیان تحمیل می‌کند. این نوع شکنجه می‌تواند ابعاد فیزیکی و روانی داشته باشد یعنی درد و رنج شدید جسمی و روانی برای قربانی ایجاد کند. با این وجود، هرگاه آزار و اذیت جنسی با اهدافی چون بدست آوردن اطلاعات و اعتراف، یا تنبیه، ارباب و یا تحقیر قربانیان صورت گیرد، مصداق بارز و برجسته شکنجه بر اساس ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه به شمار می‌رود.^{۱۶۶}

پروتکل استانبول، برهنه کردن، لمس بدن و دشنام جنسی را به صراحت در تعریف شکنجه جنسی و روش‌های شکنجه روانی قرار داده است.^{۱۶۷} با این وجود، اسناد بین‌المللی، دولت‌ها را موظف می‌سازد که از زنان در برابر هرگونه خشونت جنسی از جمله در بازداشت‌گاه‌ها محافظت کنند.^{۱۶۸}

بر اساس یافته‌های این تحقیق، از میان ۷ زن مصاحبه‌شونده، ۶ نفر گفته که علاوه بر تجربه سایر اشکال شکنجه فیزیکی و روانی در محیط بازداشت، توسط ماموران اداره استخبارات و پولیس طالبان مورد آزار و اذیت جنسی نیز قرار گرفته‌اند. «لمس بدن»، «برهنه کردن» و «دشنام

163 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

164 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۲۹ اپریل ۲۰۲۵.

165 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

166 . کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱.

167 . پروتکل استانبول، فصل ۴، بخش B.1.e و B.1.d.

168 . کمیته رفع تبعیض علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲)، بندهای ۶، ۷ و ۹ و توصیه عمومی شماره ۳۵ (۲۰۱۷) بندهای ۲۴ (الف) و ۳۸.

جنسی» از جمله شیوه‌های بوده‌اند که طالبان برای آزار و اذیت قربانیان، آن را به کار برده‌اند.

تمامی قربانیان شامل زنان معترض و ۵ نفر آن‌ها متعلق به اقلیت قومی و مذهبی هزاره و شیعه بوده‌اند. شماری از این قربانیان به‌طور هم‌زمان تمامی اشکال یاد شده در مورد آزار و اذیت جنسی را تجربه کرده‌اند.

۱- برهنه کردن

۲ تن از زنان مصاحبه‌شونده گفته که در جریان بازداشت، طالبان آنان را برهنه کرده‌اند. این اقدامات که با هدف تحقیر، ارباب و تنبیه قربانیان صورت گرفته، نشان می‌دهد که طالبان از هیچ روشی برای شکنجه کردن قربانیان خود، دریغ نکرده‌اند. یک قربانی که هنگام صحبت درباره تجربه ناراحت‌کننده‌ی خود از آزار و اذیت توسط طالبان، گریه می‌کرد و قادر به سخن گفتن بیش‌تر نبود، چنین روایت کرده است:

«شب وحشتناکی بود، حتا فکر کردن و صحبت کردن در مورد آن برایم سخت و آزار دهنده است. با وجود این‌که مدت‌ها از آن روز می‌گذرد؛ اما هنوز نمی‌توانم در مورد این‌که چه بر من گذشت حرف بزنم. بیش از پنج مرد که لباس نظامی و محلی بر تن داشتند، ابتدا مرا تهدید کردند که باید صحبت کنی و در مورد هم‌دستان خود به ما معلومات بدهی. وقتی پاسخ دادم که کسی را نمی‌شناسم، مرا برهنه کردند و از من ویدیو گرفتند.»^{۱۶۹}

در روایت مصاحبه‌شونده‌ی دیگر، آزار و اذیت جنسی هم‌زمان با تحقیر و توهین هویتی برجسته شده است:

«یک خانم از کارمندان زن مرا در یک اتاق کوچک برد و تمام لباس‌هایم را درآورد. تمام بدنم را بررسی کرد، یک بار متوجه شدم که اتاق کمره دارد و من آن زمان برهنه بودم، اعتراض کردم. پاسخ داد که شما دختران هزاره بسیار بدنام و بد اخلاق هستید. من بدنت را به این خاطر بررسی کردم که فردا عکس برهنه‌ات را در شبکه‌های اجتماعی نشر می‌کنی تا طالبان را بدنام بسازی.»^{۱۷۰}

۲- لمس بدن

از مجموع ۷ زن مصاحبه‌شونده، یک نفر گفته که طالبان حین شکنجه فیزیکی، با لمس بدن، او را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. این روایت تکان‌دهنده، ابعاد هولناک خشونت اعمال شده از سوی شکنجه‌گران را نشان می‌دهد:

«صحنه خیلی بد و آزار و دهنده بود، وقتی مرا به سقف زندان آویزان کرده بودند، مورد آزار و اذیت بدنی نیز قرار دادند. شکنجه‌گران مرد، بدنم را لمس می‌کردند و می‌خندیدند، یکی می‌گفت موهایش را نگاه کنید، یکی می‌گفت بدنش چقدر سفید است. من آن لحظه به اندازه‌ی فریاد زده بودم که صدایم افتاده بود.»^{۱۷۱}

169 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.

170 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

171 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.

علاوه براین، مصاحبه شونده‌ی دیگر از احتمال آزار جنسی خود در جریان شکنجه و بازجویی سخن گفته است:

«وقتی از شدت شکنجه بی‌هوش می‌شدم و دوباره به هوش می‌آمدم، احساس می‌کردم که یخن و لباس‌هایم کنده و پاره شده است. روزهای سخت و تاریکی بود که من در زندان سپری کردم.»^{۱۷۲} قابل یادآوری است که این مصاحبه‌شونده در بخش دیگری از اظهارات خود، به تهدید به تجاوز جنسی از سوی طالبان نیز اشاره کرده است.

۳ - آزار و اذیت جنسی کلامی

۶ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، گفته‌اند که در جریان بازداشت، به صورت مکرر از سوی طالبان مورد آزار و اذیت جنسی کلامی قرار گرفته‌اند. به گفته این افراد، این رفتارها از لحظه بازداشت تا زمان بازجویی و رهایی از زندان، ادامه داشته و بخشی از فضای خشونت‌بار و تحقیرآمیز بازداشت بوده است. چنان‌که یک‌تن از قربانیان که به دلیل شرکت در یک تظاهرات علیه طالبان بازداشت شده بود، چنین روایت کرده است:

«من به عنوان یک انسان خجالت می‌کشم حرف‌های رکیکی که آن‌ها به من می‌گفتند را به زبان بیاورم. ساده‌ترین فحش‌شان فاحشه بود، اگر مرا برای تحقیق می‌بردند هم فاحشه می‌گفتند، اگر سوال می‌کردند هم فاحشه می‌گفتند، اگر می‌گفتند بنشین هم فاحشه می‌گفتند و اگر می‌گفتند بلند شو هم فاحشه می‌گفتند. در حالی‌که آن‌ها تمام مشخصات به‌شمول نام و تخلص من را می‌دانستند؛ اما هیچ وقت مرا با نامم صدا نکردند و مانند یک زندانی برخورد نکردند. بارها به من گفتند که شما چقدر مردم بی‌غیرت هستید، شما مرد ندارید که مواظبتان باشد و شما را جمع کند.»^{۱۷۳}

علاوه براین، یک مصاحبه‌شونده دیگر نیز از آزار و اذیت مداوم خود توسط طالبان، سخن گفته است:

«آن‌ها خیلی عجیب بودند، شب‌ها گیلان چای خود را گرفته می‌آمدند دروازه سلول مرا باز می‌کردند و مرا مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. با نگاه به من، با هم صحبت و خنده می‌کردند و دشنام جنسی می‌دادند. حرف‌های بسیار زشت می‌گفتند که من از بیان کردن آن‌ها خجالت می‌کشم. به من می‌گفتند که با کافران کار میکنی؟ فکر می‌کردند که خدمات جنسی ارائه می‌کنم و با همین انگیزه می‌آمدند. احساس می‌کردم که من متعلق به یک سیاره هستم و آن‌ها مربوط به سیاره دیگر اند.»^{۱۷۴}

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد و از جمله در روایت دو قربانی زن نیز تأیید گردیده است که طالبان برای تحقیر و توهین زنان معترض، بارها از الفاظ رکیک و توهین‌آمیز استفاده کرده‌اند:

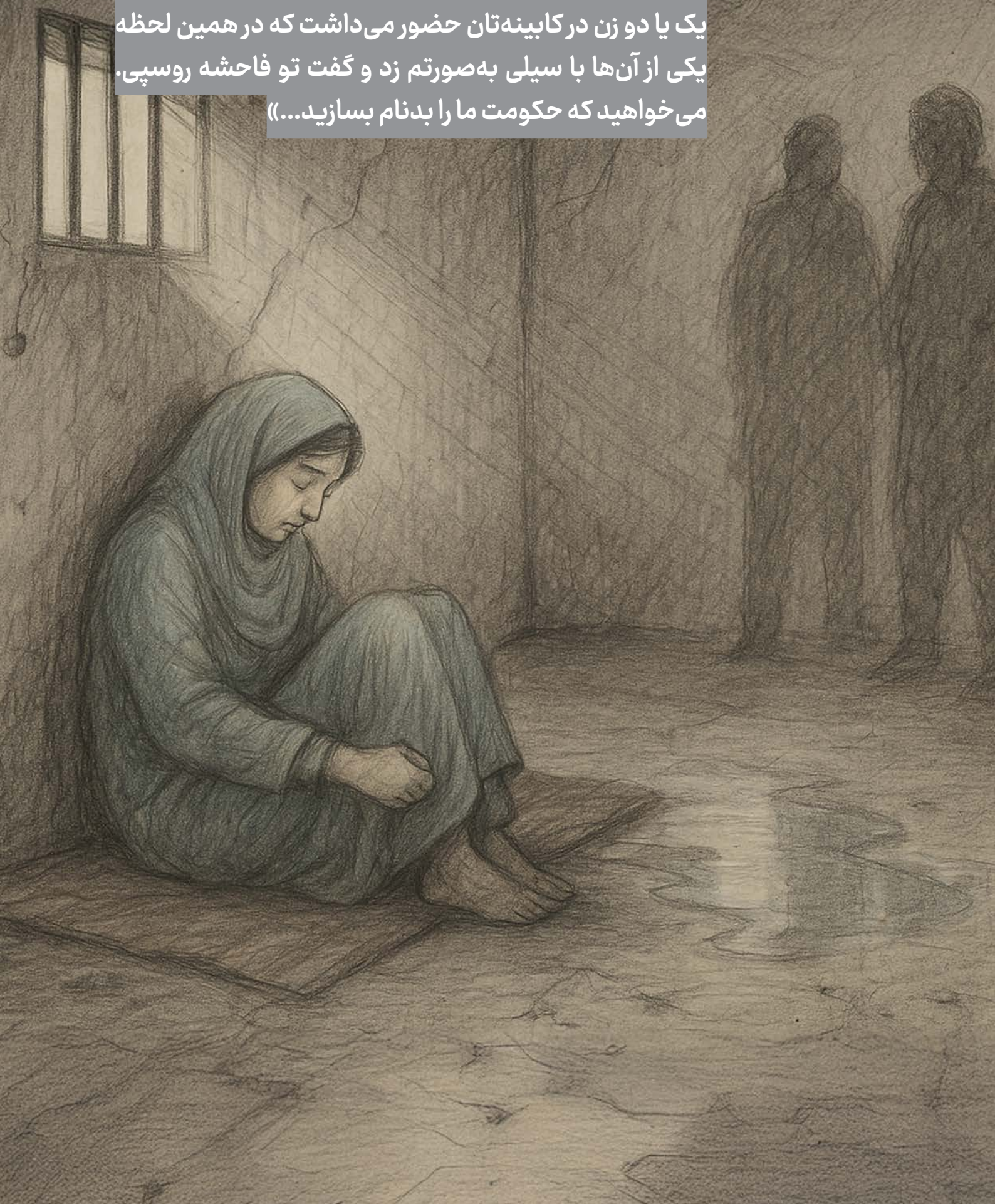
«...می‌گفتند که تو فاحشه و روسپی کافر هستی و از خارج پول می‌گیری.»^{۱۷۵}

قربانی دیگر گفته است که:

«پرسیدند که از سوی کدام کشور حمایت می‌شویی؟ گفتم هیچ‌کشوری مرا حمایت نمی‌کند. توقع ما این بود که حداقل یک یا دو زن در کابینه‌تان حضور می‌داشت که در همین لحظه یکی از آن‌ها با سیلی به‌صورت‌م زد و گفت تو فاحشه روسپی. می‌خواهید که حکومت ما را بدنام بسازید...»^{۱۷۶}

172 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۵ اپریل ۲۰۲۵.
173 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.
174 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۸ اپریل ۲۰۲۵.
175 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۲، ۲۴ می ۲۰۲۵.
176 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۱۸ اپریل ۲۰۲۵.

«پرسیدند که از سوی کدام کشور حمایت می‌شوئی؟ گفتم هیچ‌کشوری مرا حمایت نمی‌کند. توقع ما این بود که حداقل یک یا دو زن در کابینه‌تان حضور می‌داشت که در همین لحظه یکی از آن‌ها با سیلی به صورتم زد و گفت تو فاحشه روسپی. می‌خواهید که حکومت ما را بدنام بسازید...»



مشاهده شکنجه دیگران

هنگامی که مشاهده شکنجه دیگران عمدی و از روی قصد باشد، این عمل مصداق شکنجه روانی برای شاهدان به شمار می‌رود. پروتکل استانبول، تأکید کرده است که اجبار به مشاهده شکنجه دیگران صرف نظر از این که درد فیزیکی بر شاهد تحمیل می‌کند یا نه، به دلیل ایجاد رنج روحی شدید یک نوع شکنجه است.^{۱۷۷} هرچند در روایت‌های برخی از مصاحبه‌شوندگان عنصر قصد مستقیم به‌طور آشکار مطرح نشده است، اما نفس قرار گرفتن در چنین محیطی مصداق رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز برای شاهدان و مدرکی دال بر وجود شکنجه در محلات سلب آزادی می‌باشد.

بربنیاد یافته‌های این گزارش، ۱۹ نفر از مجموع مصاحبه‌شوندگان، اظهار داشته‌اند که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، شاهد شکنجه‌ی سایر زندانیان بوده‌اند. از این میان ۸ نفر گفته که شکنجه دیگر زندانیان را به چشم دیده و ۱۱ نفر دیگر صدای ناله و فریاد قربانیان را هنگام شکنجه شنیده‌اند.

یکی از قربانیان که به‌طور مستقیم شاهد شکنجه دیگر بازداشت‌شدگان بوده، در این باره چنین گفته است:

«آن‌ها یک مرد حدود ۳۷ ساله و یک کودک ۱۴ یا ۱۵ ساله را به اتهام دزدی در اتاقی که من در نظارت‌خانه استخبارات زندانی بودم، آوردند. بعد یکی از آن‌ها تلفنی با فردی صحبت کرد و بعد از ذکر نام کسی، گفت به او بگویید که دو دزد را آورده‌اند و بیاید آن‌ها را جزا بدهد. گفتند او مصروف عروسی خود است اما پیام شما را می‌رسانم. چند ساعت بعد آن فرد همراه با دو نفر دیگر آمد. سپس همان کودک و مرد را پیش چشم من با همان لوله آب که پیش‌تر برای شکنجه‌ی من استفاده می‌کردند، به شدت لت و کوب کردند. فریاد‌های کودک بسیار دردناک و ناراحت‌کننده بود.»^{۱۷۸}

در این روایت، نکته قابل توجه دیگر، صلاحیت فراقانونی اداره استخبارات در بازداشت افراد مظنون به ارتکاب جرایم جنایی می‌باشد؛ امری که مطابق اصول اجراءات جزایی در صلاحیت نیروهای پولیس است. اقداماتی از این دست نشان‌دهنده‌ی بی‌نظمی قانونی و رفتار خود سرانه ادارات طالبان می‌باشد.

هم چنین، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«پیرمردی از ولسوالی جرم بدخشان به جرم داشتن یک عکس با یک سرباز ارتش، آنقدر شکنجه شد که حرف زدن را فراموش کرد.»^{۱۷۹}

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است که:

«(برخی‌ها را پیش چشم ما با شوک برقی و با فشار دادن ناخن‌ها توسط انبر و با ضربات کیل شکنجه می‌کردند، ما از شدت درد و وحشت آن صحنه فریاد می‌زدیم و مرگ خود را آرزو می‌کردیم.»^{۱۸۰}

177 . پروتکل استانبول، فصل ۴، بخش ۴.۱.d.

178 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

179 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۱۲ می ۲۰۲۵.

180 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۳ جون ۲۰۲۵.

شماری از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در طول بازداشت، ناله و التماس زندانیان دیگر را شنیده‌اند: «من به چشم خود شکنجه کسی را ندیدم اما صدای ناله و فریاد دیگر زندانیان را می‌شنیدم که بعضی شب‌ها چنان بلند بود که ما از گوش‌های خود می‌گرفتیم تا آن صداهای ناراحت‌کننده را نشنویم.»^{۱۸۱}

همین‌طور یکی دیگر از قربانیان در این مورد چنین روایت کرده است:

«یک شب در حالی که حالم خوب نبود و نشسته به خواب رفته بودم، با صدای گریه یک زندانی مرد بیدار شدم که به پشت‌والتماس می‌کرد که قاری صاحب توبه کردم زن، مولوی صاحب توبه کردم زن. صدایش خیلی بلند بود اما کمی دورتر از سلول من.»^{۱۸۲}

قتل زندانیان

قتل بازداشت‌شدگان یا زندانیان یکی از فاحش‌ترین و هولناک‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که هم‌زمان نقض مفاد مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه که حق حیات و حق رهایی از شکنجه را تضمین کرده‌اند، به شمار می‌رود.^{۱۸۳} چنین اقداماتی نه تنها ممنوع است بلکه برای عاملان آن، مسئولیت حقوقی بین‌المللی به همراه دارد.

با این وجود، ۷ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق روایت‌هایی هولناکی را درباره مرگ زندانیان بر اثر شکنجه در محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان، ارایه کرده‌اند. ۳ نفر آن‌ها گفته که به صورت مستقیم شاهد این موارد بوده‌اند در حالی که ۴ نفر دیگر از طریق شنیدن روایت‌ها یا مشاهدات دیگران درباره آن صحبت کرده‌اند.

یک‌تن از این مصاحبه‌شوندگان که شاهد مرگ یک زندانی دیگر بوده، گفته است که:

«یکی از هم سلولی‌هایم جوانی از ولسوالی راغ بود. وقتی شکنجه‌اش کردند از گوشش خون جاری شد. دو روز بعد مرد، گفتند خودکشی کرده است؛ اما دیدیم که جنازه‌اش را با دست و پای شکسته بیرون بردند.»^{۱۸۴}

همین‌طور، قربانی دیگر گفته است که طالبان پس از رسیدن به قدرت دو تن از همکاران قبلی او را بازداشت و سپس به قتل رسانده‌اند:

«طالبان در سال ۲۰۲۲، ابتدا این افراد را بازداشت نموده و سپس با شکنجه‌های شدید آن‌ها را به قتل رساندند. اجساد هردو را در جایی انداخته بودند. شدت شکنجه به حدی بود که تمام بدن شان سیاه شده بود و آثار واضح لت و کوب که من شخصاً آن‌را مشاهده کردم به خوبی دیده می‌شد.»^{۱۸۵}

181 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۴، ۲۰ اپریل ۲۰۲۵.

182 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۳ اپریل ۲۰۲۵.

183 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ و ۷ و کنوانسیون منع شکنجه ماده ۱.

184 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۹ می ۲۰۲۵.

185 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، ۹ اپریل ۲۰۲۵.

«در محبس ولایت غور، شاهد مرگ یک زندانی بودم. سه برادر که به گفته خودشان بر اساس مخالفت‌های منطقه‌ای در ولسوالی ساغر بازداشت و مدت یک ماه به‌طور مکرر شکنجه شده بودند. در نهایت، آن‌ها را به محبس ولایت غور منتقل کردند و برادر بزرگتر که حدود ۶۰ سال سن داشت، بعد از یک هفته جان داد.»^{۱۸۶} در این روایت و اظهارات دو قربانی دیگر، اوج بی‌رحمی طالبان نسبت به افراد تحت بازداشت و زندانی، به مشاهده می‌رسد که هم مصداق قتل فراقضایی در زندان و هم شکنجه‌ی منجر به مرگ می‌باشد.

پیامدهای شکنجه و بدرفتاری

مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که بازداشت و شکنجه، پیامدهای منفی عمیقی بر سلامت فیزیکی و روانی آنان به همراه داشته که ممکن است تا پایان عمر باقی بماند.

خون‌ریزی مغزی، ناشنوایی، درد کمر و سر، احساس ناامنی، افسردگی و اقدام به خودکشی و دیگر مشکلات روانی، از دست دادن توانایی جنسی، انحراف استخوان گردن، شکسته شدن دندان‌ها و استخوان پا، دردهای مفاصل، مشکلات در نشستن و راه رفتن و ناتوانی جسمی در نوشتن، از آسیب‌های اندک که قربانیان شکنجه آن‌را گزارش کرده‌اند.

در ادامه، پیامدهای ناشی از شکنجه بر اساس روایت‌های مستقیم قربانیان، در دو بخش آسیب‌های فیزیکی و آسیب‌های روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیامدهای فیزیکی

۲۱ تن از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده این تحقیق، اظهار داشته‌اند که در نتیجه شکنجه شدید در زندان‌های طالبان، با مشکلات فیزیکی و جسمی مواجه شده‌اند. در این مورد یک قربانی که از نظامیان سابق می‌باشد، چنین روایت کرده است:

«از سر تا پا بدنم سیاه شده بود. داکتران به من گفتند که باید یک متخصص دماغ تو را ببیند. با همکاری دوستان به یک شفاخانه در کابل رفتیم. سرم را ایکس‌ری و سیتی اسکن کرد و گفت که خون‌ریزی مغزی کرده‌ام. به مدت ۱۵ روز در آن شفاخانه در بستر بودم و هنوز دوا می‌خورم و تحت مداوی داکتر هستم.»^{۱۸۷}

یک‌تن از زنان معترض، گفته است که:

«در نتیجه شکنجه شدید، پرده گوشم پاره شده و آسیب دیده است. انگشت دست راستم شدیداً جراحت برداشته و هم‌چنین فعلاً نمی‌توانم مدت طولانی بنشینم، چون پا و کمرم درد می‌کند.»^{۱۸۸}

186 . واداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۶ می ۲۰۲۵.

187 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۳ اپریل ۲۰۲۵.

188 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵.

همین طور مصاحبه‌شونده دیگر که به دلیل شکنجه شدید توانایی جنسی خود را از دست داده و با دیگر مشکلات فیزیکی نیز مواجه می‌باشد، گفته است:

«یک گوشم تا هنوز خیلی درد دارد و داکتر برایم گفته است باید آن را عملیات کنم. در راه رفتن نیز مشکل دارم و مشکل بزرگتر که تا هنوز با آن دست و پنجه نرم می‌کنم، انزال غیرارادی و از دست دادن توانایی جنسی‌ام می‌باشد.»^{۱۸۹}

۲- پیامدهای روانی

۲۳ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که پس از رهایی از زندان و به دلیل تحمل شکنجه‌های شدید، با مشکلات روانی گسترده مواجه شده‌اند. بسیاری از آن‌ها در جریان روایت تجربه خود، گریه کرده‌اند که نشان‌دهنده آسیب‌های عمیق روانی تجربه شده، می‌باشد. اقدام به خودکشی، افسردگی، اضطراب شدید، حس ناامیدی نسبت به آینده، فراموشی، عصبانیت، انزوا و گوشه نشینی، اختلالات خواب از جمله ترسیدن و جیغ زدن در خواب، کابوس‌های شبانه، از دست دادن علاقه به زندگی و فعالیت‌های روزمره از آسیب‌های اند که توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شده است.

در این مورد یک مصاحبه‌شونده گفته است:

«زمانی که آزاد شدم وضعیت روحی‌ام بسیار خراب بود. اشتها نداشتم و از طرف شب جیغ می‌زدم. دو ماه از خانه بیرون نرفتم چون می‌ترسیدم که دوباره مرا بازداشت کنند.»^{۱۹۰}

هم چنین مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«با وجودی که با یک متخصص روانی ملاقات کردم و دارو می‌خورم اما هنوز حس ناامیدی از زندگی و خاطرات تلخ شکنجه در زندان آزارم می‌دهد و شب‌ها خواب‌های وحشتناک می‌بیم.»^{۱۹۱}

همین طور مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«احساس ترس، کابوس‌های شبانه و بی‌قراری همیشه با من است. شکنجه‌های که تجربه کرده‌ام هر لحظه ذهن و روانم را آزار می‌دهد و آثار آن از من دور نمی‌شود. حتی خانواده و کودکانم از این وضعیت شدیداً رنج می‌برند.»^{۱۹۲}

عاملان شکنجه و بدرفتاری

با توجه به این که اشکال مختلف شکنجه و بدرفتاری با استناد به روایت‌های مستقیم قربانیان در بخش‌های قبلی گزارش توضیح داده شد، اینک در مبحث حاضر، به‌طور مختصر بررسی هویت عاملان شکنجه پرداخته می‌شود.

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، ۲۵ مورد از شکنجه‌های گزارش شده اعم از شکنجه‌های فیزیکی و روانی، آزار و اذیت جنسی و دیگر رفتارهای تحقیرآمیز، توسط ماموران اداره استخبارات، ۵ مورد توسط پولیس و ۲ مورد از سوی نیروهای وابسته به وزارت دفاع، ۱ مورد به‌طور مشترک توسط نیروهای استخبارات و پولیس و ۱ مورد دیگر از سوی سایر مسئولان محلی مقامات حاکم اعمال شده است. از این میان ۱ نفر توسط

189. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

190. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵.

191. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ می ۲۰۲۵.

192. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۱۸ اپریل ۲۰۲۵.

پولیس بازداشت و سپس به استخبارات تحویل داده شده و در آنجا مورد شکنجه قرار گرفته است. این اطلاعات از طریق تحلیل روایت‌های ۳۴ قربانی بدست آمده که با رواداری مصاحبه کرده‌اند.

شکنجه‌گران عمدتاً مرد و از ماموران وابسته به ادارات استخبارات و پولیس طالبان بوده‌اند که در سطوح میانی و بالاتر این نهادها فعالیت داشته‌اند. در این میان، سه تن از زنانی که به دلیل شرکت در اعتراضات مدنی بازداشت شده بودند، گفته‌اند که در نظارت‌خانه‌های استخبارات و پولیس این گروه، توسط محافظان زن نیز مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته‌اند. این رفتارها شامل تهدید به سنگسار و تحقیر و توهین بوده است.

شماری از قربانیان مشخصات ظاهری، موقعیت شغلی و در برخی موارد حتا نام شکنجه‌گران خود را به خاطر دارند. روایت‌های آنان نشان می‌دهد که رؤسای ادارات استخبارات، مسئولان حوزه‌های استخبارات، مسئولان نظارت‌خانه‌های استخبارات، مسئولان استخبارات در ولسوالی‌ها، مسئولان بخش تحقیق و بازجوکنندگان استخبارات، مسئولان حوزه‌های پولیس و ماموران پائین رتبه در استخبارات و پولیس از عاملان مستقیم شکنجه بوده‌اند.

یکی از الگوهای مشترک در روایت قربانیانی که توسط اداره استخبارات بازداشت شده‌اند این است که شکنجه‌گران در اغلب موارد، یا چهره خود را و یا چشمان قربانیان را می‌پوشانده‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که عاملان با آگاهی از پیامدهای حقوقی شکنجه، تلاش نموده تا هویت خود را از قربانیان پنهان کنند.

آزار و اذیت پس از رهایی

۶ تن از شرکت‌کنندگان این تحقیق گفته‌اند که پس از رهایی از زندان، از سوی اداره استخبارات طالبان همچنان مورد آزار و اذیت قرار گرفته و همین‌طور ۱۵ تن دیگر گفته‌اند که به دلیل ترس از بازداشت و شکنجه مجدد از کشور فرار کرده‌اند.

یک فعال مدنی که به اتهام هماهنگی یک تظاهرات بازداشت شده بود به رواداری گفته است که: «یک نفر از کسانی که در بازداشت من نقش داشت، بعداً از طریق واتس‌آپ و فیس‌بوک تلاش می‌کرد که با من در ارتباط باشد. او مرتباً پیام فرستاد و می‌پرسید کجا هستم و چه کار می‌کنم. در اوایل و پیش از ترک کشور، ناچار بودم پیام‌های او را پاسخ بدهم چون نگران پیامدهای پاسخ ندادن به پیام‌هایش بودم و این وضعیت یک نوع تهدید و فشار روانی برای من بود.»^{۱۹۳}

مصاحبه‌شونده دیگر که یک مدافع حقوق بشر می‌باشد، اظهار داشته است که:

«بعد از رهایی نیز تحت تعقیب طالبان محلی بودم. بعضی اوقات به برادرم و گاهی به یک دوستم تماس می‌گرفتند و در مورد من می‌پرسیدند که کجا هستم. من به شکل مخفی گشت و گذار می‌کردم... یک بار به خانه‌ام جلب فرستاده بودند که باید به ولسوالی بروم اما من کابل بودم و به ولسوالی نرفتم. برادرانم را نیز غیرمستقیم تهدید می‌کردند.»^{۱۹۴}

هم‌چنین، قربانی دیگر که اعضای خانواده‌اش به‌صورت مکرر و مداوم مورد آزار و اذیت و تهدید قرار گرفته، چنین روایت کرده است:

«وقتی رها شدم شماره تلفنم را گرفتند که بعداً یک نفر از کارمندان استخبارات آن‌ها برایم پیام می‌داد و پول بیش‌تر می‌خواست. هر هفته برایم پیام می‌دادند، گاهی چهار هزار دالر، گاهی پنج هزار و گاهی ده هزار، پانزده هزار و بیست هزار دالر می‌خواستند. مرا تهدید می‌کردند که اگر برای آن‌ها پول پرداخت نکنم دوباره بازداشت و شکنجه خواهم شد. به

”

193 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵.

194 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

تنگ آمده بودم و مجبور شدم که شش یا هفت هزار دالر دیگر به آن‌ها پرداخت کنم. طالبان دو باب خانه و سه باب دکان‌ام را که جز ملکیت شخصی‌ام بودند، نیز غصب کردند. چند بار به خانه‌ام رفته و از فرزندانم با تهدید پول خواسته‌اند. اکنون سخت نگران امنیت و مصئونیت فرزندانم هستم.»^{۱۹۵}

موانع عدالت و پاسخ‌گویی

واقعیت این است که در حال حاضر تأمین عدالت و پاسخ‌گویی در افغانستان، با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است. زیرا یکی از مهم‌ترین این موانع؛ فقدان نظام عدلی و قضایی مستقل و نهادهای نظارتی دارای صلاحیت و توانایی لازم برای بررسی بی‌طرفانه نقض حقوق بشر می‌باشد.^{۱۹۶} وضعیتی که منجر به تداوم اشکال گوناگون نقض حقوق بشر و از جمله شکنجه و بدرفتاری در این کشور شده است. نظام عدلی و قضایی طالبان، نه تنها به اصول و موازین محاکمه عادلانه که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین قبلی افغانستان تضمین شده بود، التزامی ندارند بلکه خود یک، از نهادهای ترویج بر عدالت، و فرهنگ مصیبت از محازات می‌باشد.^{۱۹۷}

با این حال، دسترسی به وکیل مدافع در مراحل مختلف تعقیب عدلی، حضور به موقع در دادگاه و رسیدگی به شکایات مبنی بر شکنجه از اصول بنیادین محاکمه عادلانه می‌باشد که بر بنیاد یافته‌های این گزارش، طالبان در مورد قربانیانی که با رواداری مصاحبه کرده‌اند، آن‌را به صورت گسترده نقض کرده است.

گزارش‌گرویه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، در گزارشی گفته است که نبود تضمین‌های قانونی، از جمله دسترسی محدود به وکیل مدافع و عدم رعایت دیگر اصول محاکمه عادلانه سبب شکنجه و بدرفتاری با افراد شده است.^{۱۹۸} هم‌چنین، هیأت معاونت سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرده است که آن‌ها از جنوری ۲۰۲۲ تا ۳۱ جولای ۲۰۲۳ حدود ۴۶۶ مورد شکنجه و بدرفتاری در زندان‌های تحت کنترل طالبان را ثبت کرده؛ اما از هیچ موردی آگاهی ندارند که مسئولان نظارت‌خانه‌های پولیس و استخبارات، دستور تحقیقات را در مورد تخلفات ارتکاب یافته در این محلات و پاسخگو قرار دادن عاملان آن صادر کرده باشند.^{۱۹۹}

۱- عدم دسترسی به وکیل مدافع

حق دسترسی به وکیل مدافع، یکی از مهم‌ترین اصول محاکمه عادلانه و تضمین حقوق افراد بازداشت شده می‌باشد. به موجب ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فرد در برابر اتهامات جزایی حق دارد از کمک قانونی توسط وکیل مدافع منتخب خود بهره‌مند شود و در صورتی که توانایی مالی برای انتخاب وکیل نداشته باشد، دولت موظف است به‌طور رایگان وکیل تعیین کند.^{۳۰} قانون اساسی افغانستان نیز تصریح کرده است که تمامی افراد پس از گرفتاری و به‌منظور دفاع اتهام وارده و اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند.^{۳۱}

با این حال یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که از مجموع ۳۴ مصاحبه‌شونده ۲۷ تن آن‌ها در هیچ یک از مراحل تعقیب عدلی به وکیل مدافع دسترسی نداشته‌اند. تنها ۵ نفر گفته که به‌صورت محدود و عمدتاً در پایان مرحله تحقیق وکیل مدافع داشته‌اند. از میان این افراد، دو نفر هرگز فرصت ملاقات و مشاوره مؤثر با وکیل خود را پیدا نکرده و همدیگر را در جلسه قضایی دیده‌اند. هم‌چنین ۲ نفر از ۲-۴ ساعت در بازداشت استخبارات بوده‌اند.

محرومیت گسترده قربانیان از دسترسی به وکیل مدافع یکی از عوامل مؤثر بر اعمال شکنجه و بدرفتاری علیه آن‌ها بوده و زمینه نقض دیگر

195 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، ۹ اپریل ۲۰۲۵.

196. رواداری، وضعیت دسترسی به عدالت در نظام های عدلی و قضایی طالبان، جون ۲۰۲۳، ص ۱۶. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025.۱۶/RW_Rule-of-Law-Report-Dari.pdf/03

197. همان، ص ۱۶.

^{۱۹۸} کمیسیای عالی سازمان ملل متحد، گزارش گرویزه، وضعیت حقوق بشر در افغانستان، ۳۰ آگست ۲۰۲۴، ص ۱۶. [unofficial-dari-translation-sr--11-https://www.ohchr.org/sites/default/files/2024](https://www.ohchr.org/sites/default/files/2024-16_unofficial-dari-translation-sr--11-https://www.ohchr.org/sites/default/files/2024).
afghanistan-ga79-report.pdf

۱۹۹. هبات معاونت سازمان ملل متحد، رفتار با زندانیان در افغانستان، رعایت حقوق بشر: عامل، برای اعتماد، سپتامبر ۲۰۲۳، ص ۴۹.

200. ميثاق، بين الملل، حقوق، مدن، و سياس، ماد ١٤.

201. قانون اساسي، دولت جمهوري اسلامي افغانستان، ماده ۳۱.

حقوق اساسی قربانیان را فراهم کرده است.

۲- عدم دسترسی به دادگاه

حضور به موقع بازداشت‌شدگان در پیشگاه نهادهای قضایی متضمن جلوگیری از بازداشت خودسرانه و شکنجه افراد می‌باشد. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است هر شخصی که بازداشت می‌شود باید در اسرع وقت نزد قاضی یا مقام صلاحیت‌دار دیگر برای تصمیم‌گیری در مورد بازداشت حاضر شود و حق دارد در مدت معقول محاکمه یا آزاد گردد.^{۲۲} قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان نیز با تعبیت از کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، تأکید کرده است که متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل معیادی که قانون تعیین می‌کند در دادگاه حاضر گردد.^{۲۳}

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، از مجموع ۳۴ تن از مصاحبه‌شوندگان، ۲۴ نفر پس از تحمل شکنجه و بدرفتاری، بدون حضور در دادگاه، از طریق مکانیسم‌های غیررسمی مانند ارائه تعهد کتبی، ضمانت سر، اسناد قانونی خانه و دکان، پرداخت پول نقد و سلاح و با تلاش‌های خانواده و بزرگان محل، از نظارت خانه‌های استخبارات و پولیس رها شده‌اند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«من به شرط سکوت و عدم اعتراض دوباره به سیاست‌های طالبان و صحبت نکردن در مورد تجربه بازداشت و زندان، رها شدم. تعهد کتبی را هم من و هم پدرم امضا کردیم.»^{۲۴}

هم چنین مصاحبه‌شونده دیگر روایت کرده است که:

«شماره واتس‌اپ ام را گرفتند، در یک اتاق دیگر رفتیم که حدود ۴۰ یا ۵۰ نفر از کسانی که مرا ضمانت کرده بودند، آن جا حضور داشتند. تعهدنامه را خواندند که ممنوع‌الخروج هستم و بعد از این حق ندارم در تظاهرات و دیگر فعالیت‌های ضد امارت اسلامی شرکت کنم. بعداً در کمیسیون اهل تشیع رفتم و آن جا نیز از من ضمانت گرفتند. هم چنین، ۴ صد هزار افغانی یک بار و ۱۸۰ هزار افغانی بار دیگر به طالبان پرداخت کردم که آزاد شوم.»^{۲۵}

در مواردی طالبان با دریافت مبالغ هنگفت از قربانیان، آن‌ها را رها کرده‌اند:

«خانواده‌ام با پرداخت چهل هزار دل که طالبان آن را می‌خواستند، به رهایی‌ام از زندان کمک کرد. یک مقدار پول در خانه بود و بقیه‌اش را از دوستان و آشنایان قرض گرفته بودند. من نفهمیدم که پول را مشخصاً کدام مسئول محلی طالبان گرفتند اما این را می‌دانم که این مبلغ به اداره استخبارات طالبان پرداخت شده است.»^{۲۶}

با این وجود، تنها ۶ نفر از قربانیان گفته‌اند که پرونده‌های‌شان در دادگاه بررسی و فیصله شده است. از میان این افراد، سه نفر حکم برائت گرفته و متباقی به مجازات حبس و شلاق محکوم شده‌اند. چنان‌که یک تن از قربانیان گفته است که او پس از تحمل انواع شکنجه، در نهایت بی‌گناه شناخته شده و آزاد گردیده است. طالبان به او اعلام کرده بودند که بازداشت وی به دلیل یک سوءتفاهم و مشکل در هماهنگی صورت گرفته است.^{۲۷}

202 . کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹، بند ۳.

203 . قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۳۱

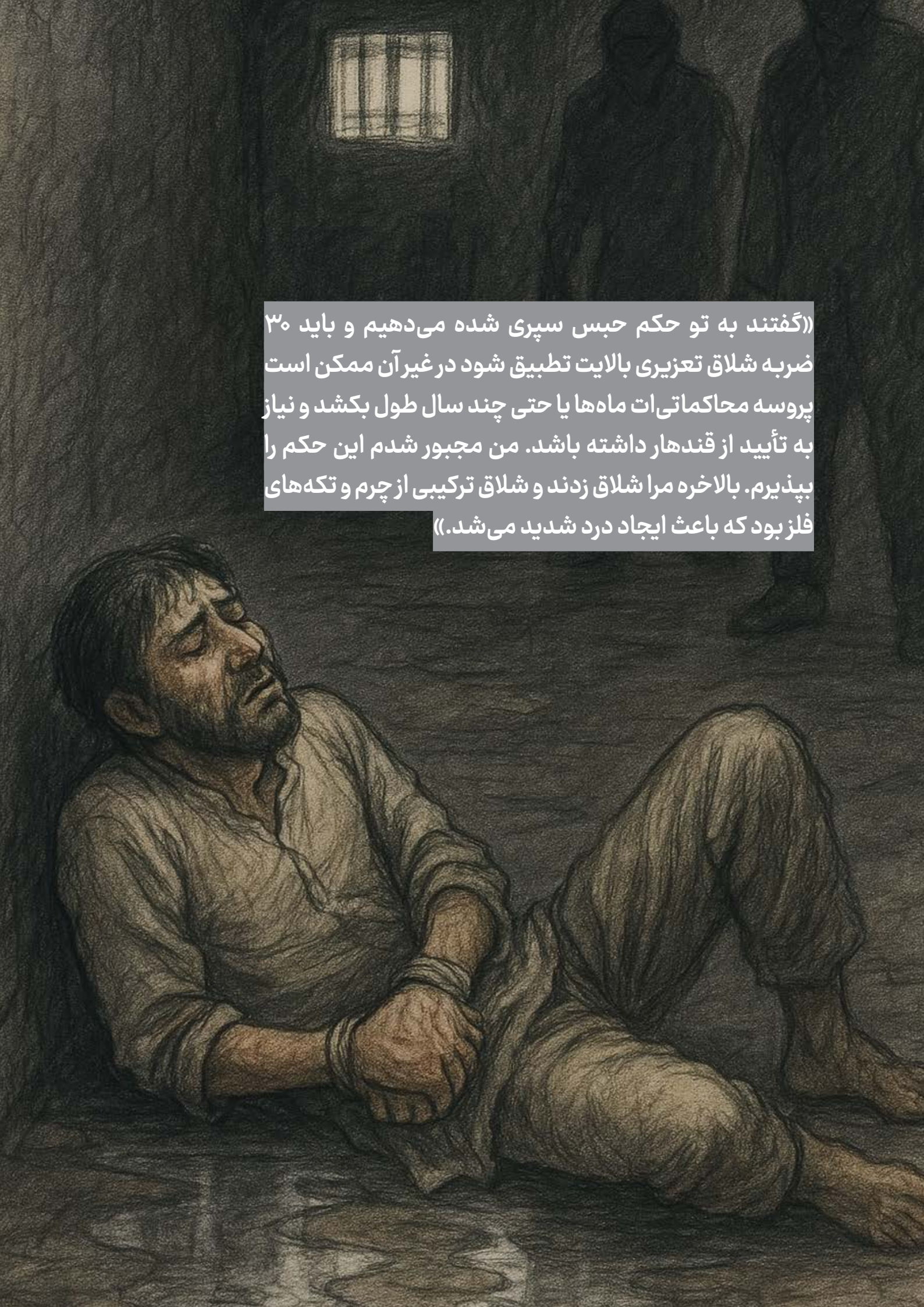
204 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۵ اپریل ۲۰۲۵.

205 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲۹ اپریل ۲۰۲۵.

206 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۱۳ اپریل ۲۰۲۵.

207 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

«گفتند به تو حکم حبس سپری شده می‌دهیم و باید ۳۰ ضربه شلاق تعزیری بالایت تطبیق شود در غیر آن ممکن است پروسه محاکماتی‌ات ماه‌ها یا حتی چند سال طول بکشد و نیاز به تأیید از قندهار داشته باشد. من مجبور شدم این حکم را بپذیرم. بالاخره مرا شلاق زدند و شلاق ترکیبی از چرم و تکه‌های فلز بود که باعث ایجاد درد شدید می‌شد.»



مصاحبه‌شونده دیگر که یک تن از زنان معترض می‌باشد، در مورد نحوه محاکمه خود این‌گونه روایت کرده است:

«در محکمه برایم گفتند که کدام جرمی مرتکب نشدی و در یک جلسه قضایی دیگر تو را آزاد می‌کنیم. خوش حال بودم، ۵ روز، ۱۰ روز و بالاخره یک ماه سپری شد اما باز هم زندانی بودم. یک ماه دیگر نیز گذشت و دوباره مرا به محکمه بردند و به یک و نیم سال مجازات حبس محکوم کردند. دستانم را ولچک زدند، من جیغ می‌زدم و فریاد می‌کشیدم، حکم را قبول نکردم و پرونده به محکمه استیناف محول شد. آن‌ها در داخل محکمه هم مرا لت و کوب کردند. به پدرم گفته بودند که دخترت عیسوی و کافر شده. سرانجام محکمه استیناف به خانواده‌ام اعلام کرد که باید با شرایطی از جمله پذیرفتن یک و نیم سال حبس، پرداخت ۵ هزار دالر جریمه نقدی، معرفی سه نفر ضامن، تعهد به خارج نشدن از کشور، عدم شرکت دوباره در اعتراضات علیه طالبان و خودداری از صحبت با رسانه‌ها در باره شکنجه، موافقت کنم. خانواده‌ام خانه را فروختند و ۵ هزار دالر به طالبان دادند...»^{۲۰۸}

یک قربانی دیگر پس از هشت ماه بازداشت و تحمل انواع شکنجه که دو دندانش نیز شکسته بود، گفته است که:

«روز محکمه من فرا رسید، پیش قاضی رفتیم و پس از چند سوال و جواب، به برائت من حکم کرد. برائت من مشروط به ارائه ضمانت سر، قبالة شرعی یک خانه، جواز دو دکان فعال و امضای یک تعهد نامه کتبی توسط اعضای خانواده‌ام بود که در آن متعهد شده بودیم که دیگر علیه امارت اسلامی «بغاوت» نکنم.»^{۲۰۹}

دادگاه‌های طالبان در برخی موارد احکام عجیبی برای مجازات قربانیان صادر کرده‌اند، چنان‌که یک فعال حقوق بشر که چهار ماه در زندان بوده به رواداری گفته است که او را به عنوان «مفسد فی الارض» محکوم به مجازات کرده است:

«گفتند به تو حکم حبس سپری شده می‌دهیم و باید ۳۰ ضربه شلاق تعزیری بالایت تطبیق شود در غیر آن ممکن است پروسه محاکمات‌ات ماه‌ها یا حتی چند سال طول بکشد و نیاز به تأیید از قندهار داشته باشد. من مجبور شدم این حکم را بپذیرم. بالاخره مرا شلاق زدند و شلاق ترکیبی از چرم و تکه‌های فلز بود که باعث ایجاد درد شدید می‌شد.»^{۲۱۰}

قربانی دیگر گفته است که به دلیل نشر چند یادداشت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک در انتقاد از حمله تروریستی بر یک مرکز آموزشی در غرب کابل، محکمه طالبان او را به اتهام خیانت ملی محکوم به مجازات کرده است:

«اتهاماتی که قاضی طالبان بر اساس آن مرا به دو ماه و ۱۵ روز مجازات حبس محکوم کرده بود، «خیانت ملی»، «توهین به مجاهدین»، «داشتن سه اکونت فیس‌بوکی» و «رعایت نکردن ظاهر اسلامی» بودند. من به این حکم قاضی اعتراض کردم اما پاسخ توهین‌آمیز گرفتم.»^{۲۱۱}

208 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۳۲ می ۲۰۲۵.

209 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۵.

210 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.

211 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۶، ۱۵ می ۲۰۲۵.

۳ - عدم رسیدگی به شکایات و معافیت عاملان شکنجه از مجازات

کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه دولت‌های متعاقد را مکلف کرده است که تمام انواع شکنجه را تحت قوانین جزایی جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبان آن به شمول کسانی که در انجام شکنجه مشارکت و همکاری نموده‌اند، مجازات مناسب تعیین نمایند.^{۲۱۲}

در حال حاضر هیچ قانون مؤثری برای جرم‌انگاری شکنجه و نیز هیچ‌گونه روند قضایی مؤثر برای پی‌گرد حقوقی مرتکبان شکنجه در افغانستان وجود ندارد؛ زیرا طالبان اجرای قانون اساسی، قوانین جزایی و قانون اختصاصی منع شکنجه را قبلاً تعلیق کرده‌اند.^{۲۱۳}

در نتیجه، اکنون هیچ مکانیسمی قانونی برای پیش‌گیری از جرم شکنجه و تضمین اصول محاکمه عادلانه وجود ندارد. طی این مدت، نهادهای ناظر از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و دادستان کل کشور نیز منحل شده که منجر به حذف ساختارهای قانونی و نظارتی شده است؛ نهادها و ساختارهایی که برای نظارت از محلات سلب آزادی، رسیدگی به شکایات مرتبط با شکنجه و پی‌گرد عاملان آن نقش بسزایی داشتند.

از سوی دیگر، طالبان به اجرای مسئولیت‌های حقوقی خود در مورد اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به آن‌ها پیوسته‌اند نیز التزامی ندارند. به همین دلیل، اکنون اجرای عدالت برای قربانیان و پاسخ‌گو قرار دادن مرتکبان شکنجه ممکن و میسر نیست. چنان‌که یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد طالبان نه تنها به شکایات قربانیان شکنجه رسیدگی نکرده بلکه در مواردی آن‌ها را دوباره مورد شکنجه و بدرفتاری نیز قرار داده‌اند:

«به هیأتی که از قندهار آمده بود در مورد شکنجه و بدرفتاری شکایت کردم. بعداً رئیس استخبارات به خاطر همین شکایت، مرا بیش‌تر شکنجه کرد.»^{۲۱۴}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«دادگاه، مرا بی‌گناه اعلام نمود و آزاد کرد. وکیل من از شکنجه شدنم در زندان گفت اما قاضی پاسخ داد: چیزی که پیش از دادگاه اتفاق افتاده مربوط ما نیست.»^{۲۱۵}

هم‌چنین یک قربانی دیگر روایت کرده است که:

«قاضی مرا به هشت ماه مجازات حبس محکوم کرد. وقتی برایش گفتم که به من ظلم کرده‌اند آیا وضعیتم را می‌بینی و آثار شکنجه را در بدنم می‌بینی عصبانی شد.»^{۲۱۶} این مصاحبه‌شونده در بخش دیگر از صحبت‌های خود گفته است که بعد از چهارروز تحقیق، یک نفر با یک قلم و کاغذ داخل سلول ام آمد، پرسید شکنجه شدی؟ برایش گفتم وضعیتم را نمی‌بینی به غیر از دو چشمم تمام بدنم سیاه شده است. گفت کارمند حقوق بشر است، بگو چند تا تفنگ داری؟

”

212 . کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، ماده ۴.
213 . رواداری، وضعیت دسترسی به عدالت در نهادهای عدلی و قضایی طالبان، جون ۲۰۲۳، ص ۱۱. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/01/RW_Rule-of-Law-Report-Dari.pdf
214 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۲۷ اپریل ۲۰۲۵.
215 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱ می ۲۰۲۵.
216 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۱، ۲۵ می ۲۰۲۵.

”

تنها در یک مورد، قربانی گفته است که اداره امر به معروف به شکایت اش رسیدگی صورت گرفته است:

«بعد از آن که از شفاخانه خارج شدم، به اصرار یک دوستم به بخش سمع شکایات وزارت امر به معروف شکایت کردم. مسئول آن بخش به مدیر استخبارات ولسوالی که من را شکنجه کرده بود زنگ زد و در این مورد معلومات خواست اما او از شکنجه کردن من منکر شد. بعداً خبر شدم که مدیر استخبارات آن ولسوالی تبدیل گردیده است.»^{۲۱۷}

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که داده‌ها و اطلاعات این تحقیق نشان داده است، طالبان از شکنجه و بدرفتاری، به عنوان ابزاری برای سرکوب، ارعاب، تنبیه، کسب اطلاعات و اخذ اقرار و معلومات از قربانیان، استفاده کرده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی عدم التزام مقامات حاکم به استانداردهای حداقلی رفتار با زندانیان و فقدان یک نظام عدلی و قضایی مؤثر که در آن اصول محاکمه عادلانه تضمین گردد، می‌باشد.

بر اساس روایت‌های مستند و معتبر قربانیان، طالبان از لحظه بازداشت افراد تا زمان آزادی آن‌ها از زندان، مرتکب انواع شکنجه و بد رفتاری شده‌اند. لت و کوب، کشیدن ناخن و دندان، شوک برقی، غرق مصنوعی، آویزان کردن از سقف، تحقیر و توهین و خشونت کلامی، تهدید به قتل، اعدام، سر بریدن، سنگسار و زنده به‌گور کردن، اعتراف اجباری، قتل زندانیان، بازجویی‌های طولانی‌مدت، نگهداری زندانیان در سلول انفرادی، تحقیر و توهین قومی و مذهبی، آزار و اذیت جنسی و قرار دادن زندانیان در شرایط غیر انسانی از مهم‌ترین شیوه‌های شکنجه قربانیان توسط طالبان بوده است. این اقدامات ضمن آن‌که در مغایرت کامل با اسناد بین‌المللی حقوق بشر و از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه قرار دارد؛ هم‌چنین نشان‌دهنده‌ی اوج ستم و بی‌رحمی در رفتار طالبان با زندانیان می‌باشد.

از سوی دیگر، طالبان پس از تسلط دوباره بر افغانستان، تمامی چهارچوب‌های قانونی مؤثر برای حمایت از حقوق اساسی بازداشت‌شدگان را با لغو قانون اساسی و دیگر قوانین مرتبط داخلی، از بین برده‌اند. این امر فضای مصونیت مطلق از مجازات را برای شکنجه‌گران فراهم کرده و منجر به تداوم فرهنگ مصونیت و عدم پاسخ‌گویی شده است.

یافته‌های این گزارش هم‌چنین نشان داده است که شکنجه و بدرفتاری‌های اعمال شده، آسیب‌های جدی بر سلامت روانی و جسمی قربانیان برجا گذاشته و سبب مشکلات دایمی در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها شده است. با این‌وجود، رسیدگی به وضعیت ناگوار محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان و جلوگیری از شکنجه و بدرفتاری، مستلزم اقدام فوری سازمان‌های بین‌المللی و سازوکارهای پاسخ‌گویی می‌باشد.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، رواداری برای مستندسازی بیش‌تر شکنجه و بدرفتاری در محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان، تأمین پاسخ‌گویی، اجرای عدالت و حمایت از قربانیان و نیز جلوگیری از تداوم دیگر موارد نقض حقوق بشر در این مراکز، پیشنهادات زیر را ارائه می‌کند:

به سازمان ملل متحد

۱. با توجه به این‌که در حال حاضر نهادهای مستقل برای نظارت مؤثر و مداوم از محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان وجود ندارد، لذا از سازمان ملل متحد جداً می‌خواهیم که برای ایجاد یک سازوکار نظارتی مستقل اقدام نماید.
۲. چنان‌که یافته‌های این گزارش نشان داده است، شکنجه و بدرفتاری در محلات سلب آزادی در افغانستان، ابعاد وسیع و نگران‌کننده‌ی دارد، از این‌رو از سازمان ملل متحد و به ویژه کمیته منع شکنجه می‌خواهیم که اقداماتی را برای تحقیق و مستندسازی بیش‌تر انجام داده و نتایج آن‌را شریک نماید.
۳. از آن‌جا که شکنجه می‌تواند یکی مصداق جرایم بین‌المللی باشد و رسیدگی به آن در حوزه صلاحیت قانونی دادگاه جزای بین‌الملل قرار دارد؛ لذا از این دادگاه می‌خواهیم که اقدامات عملی را برای بررسی این وضعیت و پاسخ‌گو قرار دادن مرتکبان شکنجه در افغانستان، اتخاذ و اجرا نماید.
۴. با توجه به یافته‌های این گزارش، از جامعه جهانی می‌خواهیم که برای ملتزم ساختن طالبان به رعایت مفاد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، فشارهای دیپلماتیک بر این گروه را افزایش بدهند.
۵. از جامعه جهانی و به خصوص کشورهای حامی حقوق بشر جداً تقاضا می‌کنیم که برای فراهم ساختن کمک‌های بشر دوستانه برای قربانیان و از جمله حمایت از درخواست پناهندگی آنان، اقدام و همکاری نمایند.

به مقامات حاکم

۱. از مقامات حاکم می‌خواهیم که از ارتکاب بیش‌تر شکنجه، بدرفتاری و نقض حقوق بشری زندانیان که مسئولیت جزایی بین‌المللی به همراه دارد، خودداری نموده و زمینه اجرای قوانین قبلی و به خصوص قانون منع شکنجه افغانستان را فراهم نمایند.
۲. افغانستان به اسناد و معاهدات متعدد بین‌المللی که حق‌رهایی از شکنجه را به‌صورت مطلق تضمین کرده، پیوسته است. از این‌رو، از مقامات حاکم می‌خواهیم که در چهارچوب همین اسناد به تعهدات و مسئولیت‌های قانونی خود برای جلوگیری از شکنجه و مجازات مرتکبان آن، اقدام کنند.
۳. از مقامات حاکم هم‌چنین می‌خواهیم که به وظایف قانونی خود برای رسیدگی به وضعیت محلات سلب آزادی تحت عمل نموده و زمینه نظارت سازمان‌ها و نهادهای مستقل را فراهم نمایند.
۴. از مقامات حاکم می‌خواهیم که به بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری و شکنجه، به عنوان ابزار سرکوب فعالیت‌های مدنی و حق آزادی بیان در افغانستان، فوراً پایان بدهند.

